



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماسټری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینت امور علمی

# تجارت در روشنی قرآن کریم

(رساله ماسټری)

محصل: محمد رسول رحمانی

استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل نبیب بلخی

سال: ۱۴۰۱ هـ.ش ۱۳۳۳ هـ.ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

# تجارت در روشنی قرآن کریم

(رساله ماستری)

محصل: محمد رسول رحمانی

استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی

سال: ۱۴۰۱ هـ.ش ۱۴۴۴ هـ.ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپپارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترم محمد رسول ولد نور محمد: ID: SH-MST-98-564 محصل دور پنجم تفسیر و حدیث  
 که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تجارت در روشنی قرآن کریم  
 به روز ۱۳۹۸ تاریخ ۱۳۹۸ / ۸ / ۱۴ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس  
 بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۵ (نمره به عدد) نود و پنج (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

نمبره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد محمد نعیم جلیلی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد عارف عطانی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

آمر بورده ماستری.....

معاون علمی.....

## اهداء

این تحقیق را تقدیم می‌کنم به همه طلاب علم و دانش و بزرگانی که در راستای ترویج علم و معارف اسلامی قدم بر می‌دارند خصوصاً دست اندرکاران پوهنتون سلام که با زحمات بی‌شائبه خودشان زمینه تحصیل را برای طلاب علم فراهم نمودند، همچنان این تلاش بشری را اهدا می‌کنم به:

پدر و مادر بزرگوارم که در راستای تعلیم و تربیت ام از هیچ تلاشی دریغ نورزیدند.

اعضای خانواده ام که سرسبزی امروز من حاصل زحمات دیروز آنهاست.

همسفر زندگی ام که مرا با پشتیبانی همیشگی اش حوصله بخشید.

و بالآخره به همه دوستداران علم و دانش اهداء می‌کنم.

و علی‌الخصوص استاد بزرگوار و ارجمند جناب پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی که با رهنمایی‌های مجدانه و دلسوزانه ایشان این تحقیق به پایان رسید.

## سیاسگذاری

سیاس بی کران ذات یکتا راست که به بنده عنایت فرمود تا این رساله ای علمی را به منظور نیل به درجه ماستری گزینش، تهیه و ترتیب نمایم.

در قدم نخست از وزارت محترم تحصیلات عالی امارت اسلامی افغانستان اظهار سپاس و امتنان می‌دارم که برای مساعد سازی زمینه تحصیلات عالی برای اتباع کشور به خصوص قشر جوان سعی و تلاش ورزیده و زمینه فراگیری تحصیلات عالی را در داخل کشور میسر نموده اند.

در قدم دوم از تمام استادان و کارمندان پوهنتون سلام به خصوص استادان مرحله ماستری اظهار سپاس می‌کنم که همیشه در خدمت اهل علم و دانش قرار دارند. بنام از همه اساتید گرامی ام و ریاست محترم پوهنتون سلام و کارمندان برنامه ماستری اظهار سپاس و امتنان می‌نمایم که در طول دوره تحصیلی از هر نوع همکاری های شان دریغ نورزیدند.

آنچنانکه آشکار است تهیه و تدوین یک اثر علمی بدون همکاری و رهنمایی اساتید بزرگوار و دانشمند ممکن و میسر نیست بجا می‌دانم تا از زحمات و همکاری های بی‌شائبه و همه جانبه استاد راهنمای خویش جناب پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی که با رهنمایی های دلسوزانه ایشان این تحقیق تدوین گردیده است اظهار سپاس نمایم.

رجا مندم که این اثر علمی رهگشای برای تمام پژوهشگران و محققین که در این عرصه علاقه مند تحقیق های بیشتری علمی می‌باشند گردد و روزنه ی باشد برای همه کسانی که از جان و هستی خودشان از طریق قضاوت عادلانه می‌خواهند نظام زنده گی انسان ها را پایدار و مستحکم سازند.

## خلاصه بحث

بررسی موضوع تجارت از دیدگاه قرآن یکی از مسائل مهم و مفید به شمار می رود زیرا به اثر این بحث به این نتیجه می رسیم که قرآن کریم تنها یک کتاب روحی نه بلکه به مادیات نیز اهمیت قایل شده و پیروانش را در پهلوی توجه به معنویات به امور تجارتي نیز تشویق کرده است، به همین منظور این تحقیق طی یک مقدمه و سه فصل به روش کتابخانه یی و تحلیلی-توصیفی، تحقیق گردیده است که خلاصه مهم ترین نکات به دست آمده از آن قرار ذیل است:

کلمه تجارت در قرآن کریم به دو مفهوم ذکر شده اول به معنای حقیقی که همان مبادله مال و خرید و فروخت است و دوم به معنای مجازی که آن به معنای عام عبارت از عمل مطابق رضایت الله -جل جلاله-، تجارت مادی به عنوان یکی از منابع درآمدهای مشروع، در قرآن کریم مباح قرار داده شده و یکی از اهداف آفرینش مأموریت انسان، آبادانی و استعمار زمین و ایجاد تمدنی بشری دانسته، و به مسائل تجارتي تاکید کرده و راهنمایی ها و راهکارهای برای رسیدن به این هدف را ارائه داده است. مفهوم خاص تجارت معنوی یا مجازی معامله با خداوند است یعنی کاری را که برای خدا انجام می دهیم و در مقابل توقع داشته باشیم که خداوند متعال بر ایمان در مقابل آن چیزی بدهد یا حاجتی را روا نماید که ایمان و جهاد، قتال فی سبیل الله، اقامه نماز، تلاوت قرآن، انفاق فی سبیل الله، قرضه حسنه، فروختن نفس به خاطر کسب رضایت الله متعال و سعی به سوی ذکر خداوند در تمام حالات به خصوص در هنگام مشغول بودن در کاروبار تجارتي، از جمله مظاهر و نشانه های مهم تجارت معنوی به شمار رفته است.

از آداب مهم تجارت مادی ترک نمودن آن و شتافتن به ذکر الله متعال در اوقات فرا رسیدن عبادت و نماز است و اینکه در معاملات خرید و فروخت باید از فریب کاری، دغل بازی، کم کردن وزن و پیمانانه، سود و ربا و غیره پرهیز شود و تقوا و ترس از خداوند و روز آخرت رعایت شود.

مهمترین راهکار برای پیشرفت و رشد تجارت در یک کشور انکشاف فعالیت های تجارتي و شگوفایی آن، ایجاد فضای امن برای متشبثین، کسبه کاران و صنعت کاران می باشد و تفقه و کسب علم و دانش در احکام تجارت مادی، تلاش و زحمت، حمایت و پشتیبانی حکومت از امور تجارتي مردم، استقامت بر دین و رجوع و بازگشت به خداوند از جمله مهم ترین راهکارهای قرآن کریم در راستای رشد و توسعه تجارت از دیدگاه قرآن کریم محسوب شده است.

واژه های کلیدی: تجارت، قرآن، مادی، معنوی

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

### فصل اول

#### پیرامون موضوعات مقدماتی بحث

مبحث اول: تعریف تجارت ..... ۱۰

مطلب اول: معنای لغوی تجارت ..... ۱۰

مطلب دوم: معنای اصطلاحی تجارت ..... ۱۲

مبحث دوم: انواع و اقسام تجارت ..... ۱۴

مطلب اول: تجارت معنوی ..... ۱۴

مطلب دوم: تجارت مادی ..... ۱۶

مبحث سوم: اهمیت و تاریخچه تجارت ..... ۱۷

مطلب اول: پیشینه تاریخی تجارت ..... ۱۸

مطلب دوم: ارزش و اهمیت تجارت در اسلام ..... ۲۰

مطلب سوم: فواید تجارت ..... ۲۲

مطلب چهارم: نقش تجارت در انکشاف جامعه ..... ۲۴

مبحث چهارم: شرح کلمات متعلق به تجارت در قرآن ..... ۲۸

مطلب اول: کیل ..... ۲۸

مطلب دوم: وزن ..... ۲۹

مطلب سوم: ابتغاء فضل الله ..... ۳۰

مطلب چهارم: بیع و شراء ..... ۳۱

### فصل دوم

#### تجارت معنوی در روشنی قرآن

مبحث اول: مفهوم و اهمیت تجارت معنوی ..... ۳۵

مطلب اول: مفهوم تجارت معنوی ..... ۳۵



- مطلب دوم: اهمیت و ارزش تجارت معنوی ..... ۳۷
- مبحث دوم: انواع تجارت معنوی در قرآن** ..... ۴۱
- مطلب اول: تجارت سودمند و مفید ..... ۴۱
- مطلب دوم: تجارت خساره مند و زیان آور ..... ۴۳
- مبحث سوم: مظاهر تجارت معنوی در روشنی قرآن** ..... ۴۵
- مطلب اول: ایمان و جهاد ..... ۴۵
- مطلب دوم: قتال فی سبیل الله ..... ۴۷
- مطلب سوم: اقامه نماز و تلاوت قرآن ..... ۵۲
- مطلب چهارم: انفاق فی سبیل الله ..... ۵۴
- مطلب پنجم: قرض حسنه ..... ۵۷
- مطلب ششم: فروختن نفس به خاطر رضای الله ..... ۵۹
- مطلب هفتم: سعی به سوی ذکر الله ..... ۶۰
- مبحث چهارم: پاداش تجارت با خداوند** ..... ۶۲
- مطلب اول: مغفرت گناهان ..... ۶۲
- مطلب دوم: دخول جنت ..... ۶۲
- مطلب سوم: نصرت و فتح قریب ..... ۶۳
- مطلب چهارم: دریافت پاداش پوره و مضاعف ..... ۶۴
- مطلب پنجم: نجات از عذاب دردناک ..... ۶۵
- مبحث پنجم: برآیند ترک تجارت معنوی** ..... ۶۶
- مطلب اول: خسران نفس ..... ۶۶
- مطلب دوم: ورود به جهنم ..... ۶۷

**فصل سوم**  
**تجارت مادی در روشنی قرآن**

- ۶۹..... **مبحث اول: اهمیت و اقسام تجارت مادی**
- ۶۹..... **مطلب اول: تشویق و ترغیب به تجارت مادی در قرآن**
- ۷۱..... **مطلب دوم: رابطه عبادت با تجارت مادی**
- ۷۴..... **مطلب سوم: اقسام تجارت مادی در قرآن کریم**
- ۷۷..... **مبحث دوم: احکام و آداب تجارت مادی در قرآن**
- ۷۷..... **مطلب اول: بیان احکام و آداب تجارت در آیت مداینه**
- ۸۱..... **مطلب دوم: بیان برخی احکام تجارت در آیت رهن**
- ۸۲..... **مطلب سوم: رضایت طرفین در تجارت**
- ۸۴..... **مطلب چهارم: رعایت وقت مناسب در تجارت**
- ۸۶..... **مطلب پنجم: پرهیز از فریب کاری و رعایت تقوا و ترس از قیامت**
- ۹۰..... **مطلب ششم: امانتداری در تجارت**
- ۹۱..... **مبحث سوم: راهکارهای رشد و توسعه تجارت از دیدگاه قرآن**
- ۹۱..... **مطلب اول: متحقق ساختن امنیت**
- ۹۳..... **مطلب دوم: تفقه و کسب علم و دانش**
- ۹۴..... **مطلب سوم: ادای حقوق مالی**
- ۹۶..... **مطلب چهارم: تلاش و زحمت**
- ۹۸..... **مطلب پنجم: حمایت و پشتیبانی حکومت**
- ۱۰۰..... **مطلب ششم: استقامت بر دین**
- ۱۰۱..... **مطلب هفتم: رجوع و بازگشت به خداوند**

## خاتمه

۱۰۳	نتیجه گیری:
۱۰۶	پیشنهادها
۱۰۷	فهرست آیات
۱۱۱	فهرست احادیث
۱۱۲	فهرست اعلام
۱۱۴	فهرست منابع

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين وبه نستعين على أمور الدنيا و الدين و الصلاة و السلام على أسوتنا الذي مارس التجارة في حياته فأحسنها و أتقنها و أعطى لنا القدوة الصالحة في الحياة كلها نبينا محمد صلى الله عليه وسلم و على آله و أصحابه و من تبعه بإحسان إلى يوم الدين فصلوات الله على محمد خاتم رسله و خيرته من خلقه و على عترته الأبرار و أصحابه المنتخبين الأخيار و سلم تسليماً؛ و بعد: قال الله تعالى:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ \* فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾<sup>۱</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد به یاد خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید اگر بدانید این برایتان بهتر است؛ آن گاه چون نماز ادا شد، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوئید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید.)

بدون شک که قرآن کریم کلام الهی است که برای نجات بشریت به حضرت محمد مصطفی-صلی الله علیه وسلم- به واسطه حضرت جبرئیل امین -علیه السلام- از طرف خداوند-جل جلاله- نازل شده است، و این کتاب عظیم در بر گیرنده علوم و مباحث بی شمار است که موضوع تجارت یکی از این موضوعات است، شمولیت و جامعیت قرآن که حاوی مطالب و اندوخته های زیادی است، بیانگر عظمت و مجد آن است که استادان و مشاهیر علم بلاغت، از انسان ها و جنیان عاجز از آوردن کلامی این گونه اند هر چند که همدیگر را یاری و پشتیبانی دهند، نمی توانند مانند آن بیاورند، هم چنین مجد و عظمت قرآن در احکام ارزشمند و حقایق عالی و اخبار غیبی و متحقق گشتن چیزی است که از آن خبر داده است.

بدون شک شگوفایی تجارت و و خرید و فروش در هر جامعه بیانگر امور بسیاری از جمله سلامت و امنیت جامعه است، چنانچه در سوره قریش، مسئله تجارت و امنیت از خوف یکجا آمده است؛ زیرا جامعه ای که به عنوان نمونه از نظر امنیتی و مراعات مسائل حقوقی و قانونی در ضعف و بحران باشد، نمی تواند سرمایه ها را به سوی خود جلب و جذب نماید و امنیت و آرامش را تضمین و در

<sup>۱</sup>سوره جمعه آیه ۹-۱۰  
<sup>۲</sup>اشاره به آیه «اطعمهم من جوع و اامنهم من خوف» است.

مسیر درست قرار دهد، پس یکی از نشانه های رشد تجارتي و مدیریت درست امور تجارتي، اداره تجارت و خرید و فروش است که در دین اسلام عموماً و در قرآن کریم خصوصاً به آن زیاد تاکید شده است و از آن جایی که قرآن یکی از اهداف آفرینش و خلافت انسانی در قرارگاه زمین و مأموریت انسان را، آبادانی و استعمار زمین و ایجاد تمدنی بشری می داند، مسائل تجارتي در همه اشکال و ابعاد آن به عنوان مساله ای مهم مورد توجه و تاکید بوده است و راهنمایی ها و راهکارهای برای رسیدن به این هدف ارائه داده است و ایجاب می کند این موضوع به شکل خاص در قرآن کریم مورد بحث قرار گیرد.

### اسباب اختیار موضوع:

موضوعی را که اختیار نمودم، عوامل گوناگون دارد که از جمله به برخی موارد آن اشاره می کنم:

۱. علاقه شخصی: یکی از عواملی که مرا باعث ساختن موضوع متذکره را انتخاب نمایم، دلچسپی شخصی خودم به این موضوع بود، چون من به حیث استاد ثقافت اسلامی ایفای وظیفه می کنم و موضوعی که بیشتر من تدریس می کنم، نظام اقتصادی اسلام است، بناءً خودم مشتاق مطالعه و بررسی در این زمینه بودم و این کار بهانه خوبی برای دستیابی این آرمان من می گردید، به همین سبب اولین کسی که از این موضوع بیشتر استفاده می کند خودم هستم.
۲. افزایش میزان مطالعه در مورد نظام اقتصادی اسلام: یکی دیگر از عواملی که مرا به انتخاب چنین موضوعی وادار ساخت، اهمیت ویژه مطالب و مباحث مرتبط به علوم قرآنی به خصوص موضوعات تجارتي در نگاه اهل مطالعه و تحقیق، دانشجویان و محققان است که می خواهند بیشتر در مورد نظام اقتصادی اسلام که تجارت یکی از مباحث عمده آن است معلومات پیدا کنند و من خواستم تا از این طریق خدمتی کنم به آنانی که می خواهند بیشتر و بهتر در مورد نظام اقتصادی و تجارت در قرآن بدانند.
۳. نبود تحقیق خاص در این مورد: موضوع منتخب که از مهم ترین بحث های روز می باشد، به طور تفصیلی و تحلیلی، تحقیق نشده و کتاب خاصی در این مورد به زبان دری نوشته شده باشد و در دسترس همه قرار گرفته باشد، وجود ندارد، به همین سبب من خواستم، پایان نامه خویش را ویژه این موضوع بسازم و به این طریق بتوانم این مبحث را نه به

شکل موضوع جزئی بل منحیث یکی از بحث های تفصیلی به بررسی بگیرم.

اینها و اسباب دیگری باعث گردید که این موضوع را در پایان نامه ماستری خویش به حیث موضوع رساله خود انتخاب نمایم.

### اهمیت موضوع:

بحث و تحقیق روی موضوع انتخاب شده (تجارت در روشنی قرآن) حایز اهمیت فراوان است که دلایل آن را مختصرا شرح می کنم:

آوردن اصلاحات در جامعه از طریق اصلاح امور تجارتي یکی از راهکار های مهم و اساسی در اسلام معرفی شده و حتی ماموریت پیامبران، آگاهی دهی به توده های مردم، نسبت به حقوق مالی آنان می باشد تا مردم خود آماده و پذیرای قیام برای اجرای قسط و عدالت شوند که بیش ترین نمود آن نیز در مورد اقتصاد و تجارت است، از این روست که اصلاحات در تجارت و خرید و فروش به عنوان راهی برای اصلاحات فراگیر در جامعه از خواسته ها و ماموریت های اصلی پیامبران و مردم دانسته شده و حتی حضرت شعیب- علیه السلام- تاکید می کند که در راه اصلاحات اقتصادی از هیچ گونه تلاش و کوششی دست نمی کشم و تا حد توان و استطاعت خویش در این راه گام برمی دارم. وی تاکید می کند که اصلاح جامعه از راه اصلاح اقتصادی خواسته دینی وی می باشد و این نشان می دهد که همان عاملی که موجب شده تا نماز اقامه گردد همان چیز موجب شده تا وی به سوی اصلاحات اقتصادی کشیده شود و جان خویش را در این راه فدا سازد.

بحث تجارت یکی از بحث های مهم است و اکثر جوانان به اثر عدم آگاهی کافی از قرآن کریم به این نظر اند که قرآن کریم از مسایل اقتصادی بحث نکرده است بناءً خیلی مهم و ضروری است تا این جنبه مجهول معلوم گردد و ثابت شود که قرآن یک کتاب شامل و جامع است و خصوصا موضوع تجارت و کارهای اقتصادی را به کثرت مورد بحث قرار داده است و بهترین نسخه ها و اصول تجارت را در روشنی قرآن برای انسان پیش کش می کند.

مردم ما همه مسلمان هستند و به دینی باور دارند که حل تمام مشکلات مادی و روحی شان را در نظر گرفته است و قرآن کریم اولین مرجع آنان است بناءً نوشتن بحث روی مسئله طرح شده از اهمیت ویژه ای برخوردار است چون در عصر حاضر اکثر مردم بنا به عوامل مختلف از این که قرآن کریم انسان را از هر لحاظ می خواهد به خوبی تربیه کند و دید اقتصادی اش را بالا ببرد بی خبر و غافل

هستند، پس ضرور است تا از طریق نوشتن چنین تحقیق‌ها و رساله‌های علمی مسلمانان را آگاه نموده تا از ویژه‌گی‌های بزرگ کتاب‌شان با خبر شوند و اعتقادشان نسبت به آن افزایش یابد.

### سوال‌های تحقیق:

هرگونه بحث و تحقیق روی مسائل علمی شامل سوال‌های است که در حقیقت این سوال‌ها عامل اصلی تحقیق می‌باشند، موضوع منتخب ما نیز متضمن سوال‌های زیادی هست که بعضی آن‌ها را ذیلاً متذکر می‌شویم:

### الف: سوال‌های اصلی تحقیق:

۱- دیدگاه قرآن کریم در مورد تجارت چیست؟

۲- در قرآن کریم به کدام نوع تجارت‌ها اشاره شده است؟

### ب: سوال‌های فرعی تحقیق:

۱. تجارت در قرآن کریم از چه نوع اهمیتی برخوردار است؟

۲. عوامل رشد و شگوفایی تجارت در قرآن کدام‌ها اند؟

۳. عوامل رکود اقتصاد در قرآن کریم چه چیزها می‌باشند؟

۴. در قرآن کریم به کدام نوع تجارت بیش‌تر تشویق شده است؟

### پیشینه تحقیق

باید تذکر دهیم که در مورد اهمیت این موضوع نوشته‌های پراکنده ماننده مقاله‌ها و رساله‌های زیادی که اکثرشان به زبان عربی می‌باشد صورت گرفته است اما به شکل کتاب و رساله خاص در این موضوع به خصوص قسمی که من می‌خواهم آن را انجام دهم، چیزی نوشته نشده است و من با استفاده از یک تعداد منابع و مطالعه متدبرانه در قرآن کریم می‌خواهم موضوع تجارت را در قرآن مورد شرح و بررسی قرار دهم، در ذیل به یک سلسله کتاب‌ها و رساله‌های اشاره می‌کنم که در این مورد تا هنوز نوشته شده است:

۱- التجارة و دلالاتها فی القرآن الکریم (دراسة موضوعية): این رساله علمی در دانشگاه شهید

حمه لخصر- الوادی در سال ۲۰۱۷م نوشته شده است و به عنوان رساله ماستری توسط سعیده مرابط

تحت نظر استاد عبدالقادر شکیمه دفاع شده است. البته در این رساله فقط مدلولات لفظ تجارت به بحث گرفته شده است و بسیاری از موضوعات ضروری در مورد تجارت از دیدگاه قرآن در آن دیده نمی شود.

۲- آداب و اقسام تجارت از منظر حقوق اسلام: این کتاب در پنج بخش است و ذریعه حسن قلی پوری عضو هیئت علمی و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی-واحد بابل نوشته شده است و آداب و اقسام تجارت از منظر حقوق اسلام مورد بحث و بررسی قرار داده است و به شکل اختصاصی یعنی در روشنی قرآن نه بلکه از دیدگاه اسلام که شامل حدیث و فقه است مورد بحث قرار گرفته است.

۳- آیات التجارة المادية فی القرآن الکریم (دراسة دلالية نحویة): این بحث توسط دکتور علی سلیمان در دانشگاه تکریت نوشته شده است و آیاتی را که در مورد تجارت است مورد تحقیق نحوی و لغوی قرار داده است، در این بحث روی الفاظ بحث شده است.

۴- التجارة فی القرآن الکریم: تحت این عنوان یک مقاله علمی توسط مهاتاج لاسر محمد عابدون در دانشگاه جوف کشور سعودی نوشته شده است و در شماره ۲۰۰۹/۱/۱۱م مجله العلوم و التقانة جامعة السودان للعلوم و التكنولوجيا به نشر رسیده است.

بر علاوه یک سلسله مقاله های کوچک نیز به زبان های فارسی و عربی نوشته شده است اما چهار موارد فوق از جمله بارزترین کتاب ها و رساله هایی است که من به آن ها دست یافتم.

تالیفات فوق هر کدام دارای اهمیت، فایده و نکات ارزشمند می باشند اما چیزی که هنوز به بحث نیاز دارد و مرا واداشت تا در این مورد تحقیق کنم قرار ذیل است:

کتاب های مذکور اکثراً غیر مطبوع می باشند و در انترنیت هم به طور رایگان قابل دسترس نیستند.

در کتاب های تالیف شده در این موضوع نکته دیگر قابل ملاحظه این است برخی آن ها بسیار کوتاه نوشته شده و برخی دیگر بسیار طولانی که موضوعات غیر مرتبط نیز در آن ها دیده می شود.

در کتاب ها و رساله های ذکر شده موضوع تجارت در قرآن بحث شده است اما به شکلی که کاملاً تمام موضوعات و مطالب ضروری را شامل باشند نیست، و همچنان آن ها به زبان عربی نوشته شده



اند بناءً ضرورت به یک تحقیق علمی به زبان فارسی غرض استفاده عمومی جوانان و اهل مطالعه در باب اهمیت تجارت در قرآن خیلی ضروری است. و من می خواهم این وظیفه را به فضل و توفیق خداوند و با رهنمایی استاد محترم رهنما به انجام برسانم.

بناءً نظر به اهمیت موضوع، باید در مورد تجارت در روشنی قرآن تحقیق ساده و آسان به زبان دری صورت گیرد تا مردم کشور ما که اغلباً مسلمان و تابع قرآن می باشند از آن استفاده نمایند.

### اهداف تحقیق:

در این تحقیق هدف اصلی من این است تا با بهره گیری از آموزه های قرآنی نقش تجارت را در شکوفایی و اصلاح جوامع بشری تبیین و تحلیل کنم و نشان دهم که قرآن کریم منحصراً یک کتاب جامع و فراگیر مسایل اقتصادی از جمله تجارت را ترک نکرده بلکه در مورد آن به خوبی بحث کرده است و نیز از اهداف تحقیق این است که امور ذیل را به اثبات برسانم:

- قرآن کریم یک کتاب جامع و فراگیر است و بسا موضوعات بزرگ را شامل شده است؛
- قرآن کریم به تجارت و رشد اقتصاد تشویق کرده است؛
- بیان اصول و مقررات قرآنی در مورد تجارت؛
- بیان این که قرآن کریم اصول و راهکارهای بسیار مهمی را در بخش تجارت شامل شده است؛
- و جمع آوری و تفسیر آیاتی که در آن ها کلمه تجارت به کار رفته است.

### روش تحقیق:

روش کاری ای را که برای ترتیب این رساله تحقیقی به کار بردم، روش کتابخانه یی و تحلیلی-توصیفی بوده است و برخی نکات مهمی که در انجام این تحقیق به کار برده ام قرار ذیل است:

۱. من اولاً راجع به موضوع انتخاب شده مطالعات مقدماتی انجام دادم و نیز تا آخر و پایان این تحقیق مطالعه کتاب ها و تفاسیر را ادامه دادم.
۲. به استثنای مطالعه عمومی قرآن کریم را مطالعه کردم و تمام آیاتی را که راجع به تجارت بودند یادداشت نمودم.
۳. همچنان از میان احادیث نبوی آن عده احادیثی را که به موضوع تجارت ربط داشت جمع

آوری نمودم.

۴. پس از مطالعه و جست و جو در کتاب خانه ها و منابع اینترنتی، کتاب ها و منابعی را که می خواستم از آن ها استفاده کنم پیدا کردم؛

۵. برای نوشتن بحث تلاش نمودم تا حد امکان از کتابخانه های فیزیکی و دیجیتالی استفاده نمایم از این رو با تلاش و سعی توانستم با چندین کتاب خانه های فیزیکی از جمله کتاب خانه پوهنتون سلام و غیره و همچنان به کتاب خانه های دیجیتالی مانند مکتبه شامله، مکتبه مشکات، مکتبه عقیده و غیره دست رسی پیدا کنم؛

۶. پس از تکمیل مطالعات و کارهای مقدماتی به ترتیب خطه و پلان بحث اقدام نمودم؛

۷. در ترجمه آیات از تفسیر نور تالیف دکتور مصطفی خرمدل و تفسیر راستین ترجمه فارسی تیسیر الکریم الرحمن، محمد گل گمشاد زهی که تالیف شیخ عبدالرحمن بن ناصر می باشد استفاده کرده ام چون از لحاظ ترجمه لفظی و مفهومی بسیار ترجمه روان می باشد؛

۸. اقوالی را که به طور مستقیم از علماء و دانشمندان نقل می نمایم در میان قوس های کوچک (« نقل کرده ام و حواله مربوط به هر آیه، حدیث و اقوال را در پاورقی نشانی نموده ام»)

۹. احادیثی که از صحیح البخاری و صحیح مسلم نقل کرده ام به علت این که احادیث این دو کتاب بزرگ همه صحیح می باشند بناءً حکم آن ها را ذکر نه کرده ام اما احادیثی که از سایر کتاب های حدیث نقل کرده حکم آن را با استفاده از کتاب های محققین علم حدیث در پاورقی بیان کرده ام.

### مشکلات محقق:

همانگونه اینکه انجام هر عملی مشکلات و چالش های خود را دارد من نیز با یک سلسله مشکلات در این تحقیق برخورد کردم که یکی از آن نبود کتابخانه ی مجهز و کامل است که محصلین و محققین به طور آزادانه بتوانند از آن استفاده نمایند و همچنان عدم فرهنگ به اشتراک گذاشتن منابع و مآخذ میان محصلین و محققین نیز از جمله مشکلات فرا راه تحقیق به شمار می رود که من نیز از این ناحیه به مشکل برخورددم.

مشکلات خاصی که خودم در تحقیق این رساله به آن برخورددم یکی این بود که من گاهی اوقات در ترجمه عده ی احادیث نبوی و تخریح آنها به خصوص احادیثی را که از معاجم نقل کرده ام به مشکل برمی خورددم.

همچنان از مهم ترین مشکلات در این تحقیق برای من ترتیب خطه بود چون موضوع تجارت در قرآن به طور پراکنده است و صیغه و کلمات در این مورد متفاوت می باشد، بناءً به زحمت و تلاش زیاد و پس از چندین بار ملاحظه استاد رهنما بالاخره توانستم آن را ترتیب دهم.

به هر صورت امیدوارم که این تحقیق، عمل مفید علمی باشد برای دوست داران قرآن کریم و کسانی که می خواهند در مورد اقتصاد و تجارت از دیدگاه قرآن معلومات پیدا کنند و از آنجایی که هیچ عمل انسانی عاری از خطا و نواقص نیست، این رساله نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد، و رجا مندم که الله متعال بر من منت گذارد همین عمل ناقص و ناچیز را به درگاهش مقبول قرار دهد و برای آنانی که این رساله را مطالعه نموده و محقق آنرا در رفع نواقص و کمبودی های آن همکاری و رهنمایی می نمایند، اجر بی پایان نصیب کند و این عمل شان را باعث افزایش حسنات شان گرداند.

### **خطه بحث:**

این بحث با در نظر داشت اصول و معیارهای تحقیق به شکل ذیل تقسیم بندی شده است:

**مقدمه:** بیان مسایل مربوط به تحقیق

### **فصل اول: پیرامون موضوعات مقدماتی بحث**

مبحث اول: تعریف تجارت

مبحث دوم: انواع و اقسام تجارت

مبحث سوم: اهمیت و تاریخچه تجارت

مبحث چهارم: شرح کلمات متعلق به تجارت در قرآن

### **فصل دوم: تجارت معنوی در روشنی قرآن**

مبحث اول: مفهوم و اهمیت تجارت معنوی

مبحث دوم: انواع تجارت معنوی در قرآن

مبحث سوم: مظاهر تجارت معنوی در روشنی قرآن

مبحث چهارم: پاداش تجارت با خداوند

مبحث پنجم: برآیندترک تجارت معنوی

**فصل سوم: تجارت مادی در روشنی قرآن**

مبحث اول: اهمیت و اقسام تجارت مادی

مبحث دوم: احکام و آداب تجارت مادی در قرآن

مبحث سوم: راهکارهای رشد و توسعه تجارت از دیدگاه قرآن

**خاتمه:** شامل نتیجه گیری، پیشنهادها و فهرس (فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اعلام و

فهرست منابع و مأخذ) می باشد.

## فصل اول

### پیرامون موضوعات مقدماتی بحث

در این بخش بعضی مسایل متعلق به بحث که فهم آن پیش از داخل شدن به اصل موضوع ضروری است بیان می شود که شامل چهار مبحث می باشد:

#### مبحث اول: تعریف تجارت

پیش از اینکه به بیان اصل مطلب پرداخته شود، باید مفهوم تجارت در لغت و اصطلاح شناخته شود.

#### مطلب اول: معنای لغوی تجارت

تجارت از ریشه «تجر» گرفته شده است و به معنای خریدن و فروختن است که اسم فاعل آن تاجر و جمع آن تجار می آید، چنانچه زبیدی<sup>۱</sup> در تاج العروس می نویسد: «التَّاجِرُ: الَّذِي يَبِيعُ وَيَشْتَرِي»<sup>۲</sup> (تاجر کسی است که می خرد و می فروشد).

همچنان جوهری<sup>۳</sup> - رحمه الله - می نویسد: «وَالْعَرَبُ تُسَمِّي بَائِعَ الْخَمْرِ تَاجِرًا»<sup>۴</sup> (عرب ها فروشنده شراب را تاجر می نامند)

ابن اثیر<sup>۵</sup> - رحمه الله - می گوید: «وَقِيلَ: أَصْلُ التَّاجِرِ عِنْدَهُمُ الْخَمْرُ يَخْصُونَهُ مِنْ بَيْنِ التَّجَارِ وَمِنْ الْمَجَازِ: التَّاجِرُ: النَّاقَةُ النَّافِقَةُ فِي التِّجَارَةِ وَفِي السُّوقِ»<sup>۶</sup>

۱- زبیدی: محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبیدی در منطقه بلجرام هند در سال ۱۱۴۵ هـ تولد شده به منطقه زبیدیمن بزرگ شده است و به مصر اقامت نموده اثرهای زیاد از خود بجا گذاشته از جمله تاج العروس، إتحاف السادة المتقين في شرح إحياء علوم الدين، در ده مجلد، عقود الجواهر المنيفة في أدلة مذهب الإمام أبي حنيفة، در دو مجلد، و كشف اللثام عن آداب الإيمان والإسلام و اثر زیادی دیگری هم تألیف نموده که در اینجا مجال ذکر نیست وی در سال ۱۲۰۵ وفات نموده است. از مقدمه تاج العروس زبیدی ج ۱ ص ۶۱۳

۲- زبیدی: محمد مرتضى حسينی، تاج العروس من جواهر القاموس، مکتبه الحیاة، بیروت- لبنان. ج ۱ ص ۵۵۴، ماده «تجر»  
۳- ابو نصر إسماعيل بن حماد جوهری، متوفای سال ۳۹۳ هـ ق اولین کسی است که برای ساختن طیاره تلاش کرد و در این راه وفات کرد، او اصلاً از فاریاب است و در نیشاپور زنده گی کرده است، او از چوب یک طیاره ساخته بود و صدا کرد که من چیزی ساخته ام که با آن پرواز می کنم، مردم نیشاپور بالای او ازدحام کردند و زمانی که پرواز کرد هنگام نشستن به زمین افتاد و مرد. به نقل از اعلام زرکلی، ج ۱ ص ۳۱۳.

۴- جوهری، اسماعیل بن حماد (ت: ۳۹۳ هـ)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، دار العلم الملايين - بیروت ۱۹۷۹ م. ج ۲ ص ۶۰۰  
۵- ابن اثیر علی ابن ابی الکریم در سال ۵۵۵ هـ منقطه جزیر از توابع شهر موصل دیده به جهان گشود و در سال ۶۳۲ هـ در موصل از دنیا رفت. «به نقل از ذهبی، شمس الدین محمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش بشّار عوّاد معروف و محیی هلال السرحان، بیروت، ۱۴۰۴ ق/۱۹۸۴ م، ص ۱۱۲»

۶- ابن اثیر، أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري، النهاية في غريب الحديث والأثر، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي بالمكتبة العلمية - بيروت، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م ج ۱ ۴۷۴ باب تاء.

( و گفته شده است که تاجر در اصل به خمار یعنی شراب فروش اطلاق می شود و از میان تجار آن را خاص کرده اند، همچنان مجازاً تاجر به شتری که در بازار و در تجارت رونق تجارتي خوب دارد اطلاق می شود.

راغب اصفهانی<sup>۱</sup>-رحمه الله- می نویسد: «التجارة هو التصرف في رأس المال طلباً للربح ، يقال: تجر يتجر، وتاجر وتجر، كصاحب وصحب، قال: وليس في كلامهم تاء بعدها جيم غير هذا»<sup>۲</sup>

(تجارت یعنی تصرف در سرمایه برای سود و منفعت است، افعال و مشتقاتش- تجر، يتجر و تاجر و تجر- است مثل- صاحب و صحب- در زبان عرب واژه ای که بعد از حرف (ت) حرف (ج) باشد نیست مگر همین لفظ.

همچنان در «المعجم الوسيط» در مورد معنای لغوی تجارت آمده است: «مادة (تجر) تجرا و تجارة بمعنى مارس البيع والشراء والتاجر هو الشخص الذي يمارس الأعمال التجارية على وجه الاحتراف بشرط أن تكون له أهلية»<sup>۳</sup>

(ماده «تجر» و تجارت به معنای ممارست در خرید و فروخت است و تاجر کسی است که با اعمال و کار و بار تجارتي ممارست دارد به گونه ای که تجارت برای او حرفه و کسب شده باشد و به شرطی که اهلیت آن را داشته باشد.

از آنچه که از کتب لغت در مورد مفهوم لغوی تجارت نقل گردید معلوم می شود که تجارت در لغت به معنای خرید و فروش، پر رونق بودن مال تجارتي، فروختن شراب و مهارت و ممارست در اعمال تجارتي اطلاق می شود و در زبان عربی این تنها کلمه ایست که حرف «جیم» بعد از حرف «تاء» در آن قرار گرفته و بدون این کلمه دیگر با این خصوصیت در عربی وجود ندارد.

---

<sup>۱</sup>حسین بن محمد بن المفضل، أبو القاسم اصفهانی معروف به راغب از ادیبان حکماء و علماء اهل اصفهان بوده که سال تولدش معلوم نیست و در بغداد سکونت گزیده است و در آنجا شهرت حاصل نمود آثار متعدد نگاشت که از جمله من (محاضرات الأدباء الذريعة إلى مكارم الشريعة (الأخلاق) ویسمی (أخلاق الراغب) وجامع التفاسیر) (المفردات فی غریب القرآن) و (حل متشابهات القرآن) و (تفصیل النشأتین) فی الحکمة و علم النفس و تحقیق البیان، فی اللغة والحکمة، و کتاب فی الاعتقاد) و (أفانین البلاغة) او در سال ۵۰۲ هجری وفات کرده است. اعلام زرکلی ج ۲ ص ۲۵۵

<sup>۲</sup>راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق محمد سید کیلانی، المفردات فی غریب القرآن، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲، دارالمعرفة، بیروت. ج ۱ ص ۷۳ ماده «تجر»

<sup>۳</sup>المعجم الوسيط مجمع اللغة العربية (إبراهيم مصطفى / أحمد الزيات / حامد عبد القادر محمد النجار) الناشر: دار الدعوة. ج ۱ ص ۱۷۲

قابل یاد آوری است که کلمه تجارت در قرآن کریم (9) مرتبه تکرار شده است!

## مطلب دوم: معنای اصطلاحی تجارت

تجارت در اصطلاح به عبارات مختلف تعریف شده است که همه تقریباً یک مفهوم را می‌رسانند، به هدف توضیح بیش تر عبارات برخی این تعاریفات در ذیل نقل می‌شود:

مناوی تجارت را چنین تعریف کرده است: «التجارة تقلیب المال بالتصرف فيه لغرض الربح»<sup>۳</sup>

( تجارت عبارت است از رد و بدل کردن مال همراه با تصرف در آن به هدف به دست آوردن فایده و منفعت از آن.

جرجانی تجارت را چنین تعریف نموده است: «التجارة عبارة عن شراء شيء لیباع بالربح»<sup>۴</sup>

( تجارت عبارت است از خریدن یک چیز به هدف اینکه با فایده فروخته شود.

ابن خلدون در مورد تعریف تجارت چنین می‌نویسد: «اعلم أن التجارة محاولة الكسب بتنمية المال بشراء السلع بالرخص و بیعها بالغلاء»<sup>۵</sup>

(بدان که تجارت عبارت از تلاش و کسب برای بهره ور ساختن مال است با خریدن اجناس به قیمت

---

<sup>۱</sup> عبدالباقی، محمد فواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دارالکتب المصریة، القاهرة، ۱۳۶۴، ج ۱ ص ۱۶۵  
مناوی: محمد بن ابراهیم بن إسحاق السلمی، (المناوی)، القاهری، الشافعی، صدر الدین، أبو المعالی مشهور به المناوی می‌باشد، وی از جمله علماء حدیث شریف در قاهره بوده است، همچنان وی در مسند قضاء نیز وظیفه انجام داده است، گفته شده که وی در حکم و قضا از جمله علماء نامی و مطرح مصر بوده است که در دار العدل مصر وظیفه انجام داده است، از جمله کتابهای وی (کشف المناهج والتناقیح فی تخریح احادیث) در سال (۸۰۳هـ) وفات شده است؛ نگاه: الاعلام، خیر الدین زرکلی، ج ۵، ص ۲۹۹.

<sup>۲</sup> مناوی، محمد عبد الرؤوف المناوی، التوفیق علی مهمات التعاریف، دار الفکر المعاصر، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰، دمشق، سوریه. ج ۱ ص ۱۶۰  
<sup>۳</sup> جرجانی: علی بن محمد بن علی، معروف به شریف جرجانی فیلسوف، عالم و از جمله کبار علما در زبان عربی، او در سال ۷۴۰ هجری تولد شده و در شیراز درس خواند است، مصنفاتی وی در حدود پنجاه عدد می‌باشد که از آن جمله کتاب «التعریفات» است او در سال ۸۱۶ هجری فوت کرده است. اعلام-زرکلی-ج ۵ ص ۷.

<sup>۴</sup> جرجانی، علی بن محمد بن علی. (۱۴۰۵ هـ) تعریفات. تحقیق ابراهیم الأبیاری بیروت: دار الکتب العربی. ج ۱ ص ۷۳  
<sup>۵</sup> ابو زید عبد الرحمن بن محمد، معروف به ابن خلدون، در آغاز ماه رمضان سال ۷۳۲ هجری، برابر با بیست و هفتم ماه مه سال ۱۳۳۲ میلادی در تونس زاده شد. خلدون از مردم حضر موت بود که پس از فتح اندلس به دست مسلمانان، با قوم خود به آن سرزمین مهاجرت کرد و نخست در قرومه، سپس در اشبیلیه اقامت گزید. در اواسط قرن هفتم هجری که اشبیلیه دستخوش تهدید مسیحیان قرار گرفت، خاندان خلدون اندلس را ترک گفت، نخست به سبته آمد و از آنجا راهی تونس گردید و در این سرزمین بود که عبد الرحمان متولد شد. با آنکه رجال خاندان خلدون، در اشبیلیه و در همان اوان مهاجرت به تونس دارای مشاغل مهم دولتی بودند ولی جد و پدر ابن خلدون به تصوف گراییدند و کنج عزلت گزیدند. عبد الرحمان را پدرش به تحصیل علم واداشت و او در خردی قرآن را از بر نمود. سپس به فرا گرفتن نحو و حدیث و فقه پرداخت و از ادب و شعر نیز بهره گرفت و در علوم منطقی و فلسفی سرگرم تحصیل شد. چون به هیجده سالگی رسید، در اثر طاعونی که بر آن دیار تاختن آورد، پدر و مادر و بسیاری از مشایخ و استادان خود را از دست داد. تاریخ ابن خلدون/ترجمه متن، مقدمه، ص: ۲.

<sup>۶</sup> ابن خلدون، عبد الرحمن ابن محمد ابن خلدون، مقدمة ابن خلدون، دار إحياء التراث العربی، بیروت، لبنان، ب.ت ص ۳۹۴

ارزان و فروختن آنها به قیمتی گرانتر از بهای خرید.

از مجموع تعریفات گذشته در بعض کتاب هایی که در باره تجارت نوشته کرده اند، می توان تجارت را چنین تعریف کرد: «التجارة هي البيع و الشراء، أو المبادلة من الطرفين (البائع و المشتري) فيما يحتاجان إليه من سلع تجارية للمشتري و ثمن مقدر للبائع أو الربح مما اتجر به»<sup>۱</sup>

( تجارت همان خرید و فروخت یا مبادله مال از طرفین (بایع و مشتری) در چیزهایی است که هرکدام به آن محتاج هستند، از قبیل جنس تجارتی برای مشتری و ثمن تعیین شده برای بایع یا ربح و فایده که به هدف آن تجارت می شود.

---

<sup>۱</sup> عبد المغني عبد العزيز عمر، التجارة في القرآن الكريم، معهد عالي اقتصاد اسلامي إندونيسيا، المكتبة الشاملة، ص ۲۴



## مبحث دوم: انواع و اقسام تجارت

تجارت دارای انواع و اقسام مختلف می باشد که در ابتدا به دو بخش اساسی تقسیم می شود، تجارت مادی و تجارت معنوی، در این مبحث روی اقسام و انواع تجارت بحث می شود:

### مطلب اول: تجارت معنوی

کلمه تجارت در قرآن کریم به دو مفهوم ذکر شده اول به معنای حقیقی که همان مبادله مال و خرید و فروخت است و تعریف آن قبلاً ذکر گردید و دوم به معنای مجازی که آن عبارت از عمل مطابق رضایت الله -جل جلاله- است، تجارت معنوی یا مجازی از مفهوم برخی آیات استنباط می شود چنانچه در تفسیر بیضاوی آمده است: «و المعنى الحقيقي للتجارة هي المبادلة بالشئ أما المعنى المجازي فمفهوم من قوله تعالى في البقرة «فَمَا رَبَّحَتْ تجارتهم» و ذكر التجارة هو للمجاز ، لَمَّا استعمل الاثراء في معاملتهم أتبعه ما يشاكله تمثيلاً لخسارتهم»<sup>۱</sup>

( معنای حقیقی تجارت همان مبادله یک چیز به چیز دیگر است، اما معنای مجازی آن از این قول الله متعال «فَمَا رَبَّحَتْ تجارتهم» در سوره بقره گرفته شده است، ذکر تجارت در اینجا به معنای مجازی است و چون در معامله آنان از لفظ اشتراء (خریدن) استفاده شده است و چیزی که در مفهوم همشکل آن است در مورد خسارت آنان تمثیل گردیده است.

همچنان تجارت معنوی از آیه سوره فاطر (يَرْجُونَ تجارةً لَّنْ تَبُورَ) گرفته شده است، چنانچه ابن عاشور<sup>۲</sup> در تفسیر التحریر و التنویر، در ذیل آیه مذکور می نویسد: «التجارة هنا مستعارة لأعمالهم من تلاوة وصلاة وإنفاق , ووجه الشبه مشابهة ترتب الثواب على أعمالهم بترتب الربح على التجارة والمعنى: ليرجوا أن تكون أعمالهم كتجارة رابحة»<sup>۳</sup>

ترجمه ( تجارت اینجا به اعمال آنان از قبیل تلاوت، نماز و انفاق برسبیل مجاز اطلاق شده است و وجه تشبیه در اینجا مرتب شدن ثواب بر اعمال آنان و مرتب شدن فایده بر تجارت است و معنای این تجارت این است که امید می رود اعمال آنان مانند یک تجارت سودمند باشد.

---

<sup>۱</sup> بیضاوی، ناصر الدین أبو سعید عبد الله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، الطبعة الأولى، دار إحياء التراث العربي ۱۴۱۸ هـ. بيروت ج ۱ ص ۳۶

<sup>۲</sup> ابن عاشور محمد طاهر بن عاشور: رئيس مفتيان مالكي تونس و رئيس دانشگاه الزيتونة تونس بود در سال (۱۲۹۶) تولد شده و در سال (۱۳۹۳) وفات کرده است، مهم ترین اثر او تفسیر التحریر و التنویر است. سایت (www.Wikipedia.com).

<sup>۳</sup> ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور، التحریر و التنویر، دار سخنون للنشر والتوزيع - تونس - ۱۹۹۷ م ج ۱ ص ۴۷۹

البته در قرآن کریم تجارت مجازی یا معنوی به اشکال ذیل آمده است:

**اول: تجارت مجاهدین به روح، مال و نفس شان به خاطر کسب رضایت الله:** یکی از انواع تجارت معنوی تجارت مجاهدین به روح، مال و نفس شان به خاطر کسب رضایت الله-جل جلاله- است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ \* تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾<sup>۱</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذابي دردناک نجات مي دهد؟ به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید، این برایتان بهتر است اگر بدانید.

**دوم: تجارت منافقین در بیع هدایت در عوض ضلالت:** چنانچه الله متعال در این مورد می فرماید: ﴿ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴾<sup>۲</sup>

(آنان کسانی اند که هدایت را به گمراهي فروخته اند پس تجارت آنها سودي ندارد و هدایت یافتگان نیستند.

در این آیه انتخاب ضلالت در عوض هدایت یک نوع تجارت بی سود و بدون فایده عنوان شده است و این یک نوع تجارت مجازی است.

**سوم: تجارت قرائت قرآن و عمل به آن:** تلاوت قرآن و عمل به آن نیز از جمله تجارت مجازی و معنوی شمرده شده است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ﴾<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>سوره صف آیه ۱۰-۱۱  
<sup>۲</sup>سوره بقره، آیه ۱۶  
<sup>۳</sup>سوره فاطر آیه ۲۹

(بی گمان کسانی که کتاب خداوند را می خوانند و نماز را برپای می دارند و از چیزهایی که بدیشان داده ایم در پنهان و آشکار می بخشند، امید به تجارتي دارند که هرگز کاستی نمی پذیرد

**چهارم: تجارت دنیا پرستان با ضایع کردن اعمال:** یکی از انواع تجارت معنوی یا مجازی که در قرآن به اشاره شده است، تجارت کسانی است که به اثر محبت شدید دنیا اعمال عبادتی شان را رها می کنند و تجارت مادی آنان را غافل می سازد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾<sup>۱</sup>

(و چون تجارت و سرگرمی ببینند به سوی آن پراکنده شده و تو را ایستاده رها می کنند، بگو: آن چه نزد خداوند است از سرگرمی و تجارت بهتر است و خداوند بهترین روزی دهندگان است.

### **مطلب دوم: تجارت مادی**

منظور از تجارت مادی همان تجارت حقیقی است که تعریف آن ذکر شد و مسایل متعلق به آن در فصل سوم بیان می گردد، البته قابل ذکر است که در قرآن کریم تجارت به این مفهوم به عبارات و کلمات مختلف یادآوری شده است که در مبحث جداگانه این فصل بیان می گردد.

در قرآن کریم از چند نوع تجارت و خرید و فروش سخن گفته شده است که آن را می توان به دو نوع تقسیم کرد:

**تقسیم اول: تجارت صحیح و باطل:** منظور از تجارت صحیح همان تجارتي است که با رضایت طرفین و موافقت شریعت صورت گرفته باشد و تجارت باطل آن است که بدون رضایت و بدون در نظر داشت شرایط و اصول شریعت انجام شده، به این دو نوع تجارت در آیه ذیل اشاره شده است که الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾<sup>۲</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! مال هایتان را در میان خود به ناحق نخورید، مگر اینکه تجارتي

<sup>۱</sup> سوره جمعه آیه ۹  
<sup>۲</sup> سوره نساء آیه ۲۹

باشد که از رضایت شما سرچشمه بگیرد، و خود را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما مهربان است.)  
از نظر قرآن تجارتی که بر اساس ربا، لهو و غنا، کم فروشی، سر مال زدن و بد جلوه دادن مال و کالا مردم و مانند آن انجام میشود به عنوان تجارت باطل معرفی شده است که شرح آن در فصل سوم خواهد آمد.

**تقسیم دوم: تجارت به اعتبار نقد بودن و نسیه بودن:** و می توان از تجارت نقدی و نسیه یعنی مدت دار به عنوان یکی از اقسام تجارت اشاره کرد. خداوند متعال در سوره بقره به هر دو نوع تجارت نقدی و نسیه اشاره کرده است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايْتُمْ بَدِيْنَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ﴾<sup>۱</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه به همدیگر تا مدت معینی (از لحاظ روز و ماه و سال) وامی دادید، آن را بنویسید، و باید نویسنده ای دادگرانه آن را بنویسد.

همچنان در این مورد الله متعال می فرماید: ﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ﴾<sup>۲</sup>

(و برای آن که دچار شك و تردید نشوید، بهتر می باشد که نوشته کنید) مگر این که داد و ستد حاضر و نقدی باشد که در میان خود دست به دست می کنید، پس در این صورت بر شما باکی نیست اگر آن را ننویسید.

آیات فوق الذکر در مورد تجارت مادی بحث می کنند و احکام متعلق به تجارت مادی از دیدگاه قرآن در فصل سوم بیان خواهد شد.

### **مبحث سوم: اهمیت و تاریخچه تجارت**

تجارت یکی از ضرورت های اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی و دارای تاریخچه طولانی در زندگی

<sup>۱</sup>سوره بقره آیه ۲۸۲  
<sup>۲</sup>سوره بقره آیه ۲۸۲

انسان است که اسلام آن را به عنوان یکی از منابع درآمدهای مشروع و مباح قرار داده است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾ (خداوند داد و ستد (تجارت) را حلال قرار داده است).

در این مبحث نمونه هایی از اهمیت تجارت و تاریخچه مختصر تجارت در زندگی بشر طی چهار مطلب مورد بحث قرار می گیرد:

### مطلب اول: پیشینه تاریخی تجارت

تجارت از نظر تاریخی از جمله فعالیت های اقتصادی انسان است که دارای پیشینه بسیار کهن می باشد، انسانها از هزاران سال بدینسو در تلاش هستند تا مایحتاج زندگی خویش را از هر طریق ممکن فراهم کنند، از طریق شکار کردن، زراعت، ساخت و صنعت که بعدها امکان تجارت و خرید و فروش میان آنان فراهم گردید و از مهم ترین معاملات اجتماعی و اقتصادی گردید، ابن خلدون می گوید: صنایع نسبت به تجارت در مرتبه دوم و پس از آن است، زیرا صنعت از امور ترکیبی و علمی است که در آن اندیشه و نظر را بکار می برند و از این رو صنعت غالباً جز در شهرها که از زندگانی بادیه نشینی متأخر و در مرتبه دوم آنست یافت نمی شود.<sup>۲</sup>

تجارت از زمان های قدیم با وسایل مختلف مانند: مرکب، اسپ، کشتی و غیره صورت می گرفت و تاریخ نویسان می گویند بابلیان اولین کسانی هستند که به تجارت پرداخته اند، عرب ها نیز به دنبال آنان به کسب و تجارت انس پیدا کرده بودند و راه امرار معاش شان بیشتر تجارت بود، هنگامی که امپراطوری روم بزرگ ترین قسمت های جهان را زیر تسلط داشت، کشتی های عظیم حامل مواد تجارتي از غرب به شرق سفر می کرد، و به مدت پنجمصد سال این روند ادامه داشت، تا اینکه امپراطور روم در سال 476م سقوط نمود، پس از آن در خلال قرون دوازدهم و سیزدهم روابط میان مردم شرق و غرب بیش تر شد و جنگ های صلیبی رونق تجارت را بیش تر ساخت، چنانچه تجارت پیشگان اروپا روابط تجارتي شان را با کشورهای اسلامی و چین بیشتر کردند، و مردم ایتالیا کشتی های عظیم تجارتي را در شهر های جنوه، بیزا و بندقیه ساختند و از یک دولت به دولت دیگر مواد تجارتي را انتقال می دادند، اخیراً در قرن شانزدهم و هفدهم شرکت های خاصی با موافقه حکومت ها

<sup>۱</sup> سوره بقره آیه ۲۷۵

<sup>۲</sup> ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۱۰۳۶

تاسیس شدند و به اشکال مختلف تجارت را رونق دادند!

از آیات قرآنی بر می آید که تجارت به اشکال مختلف و شیوه های گوناگون در عصور گذشته رایج بوده است که چند مورد آن در ذیل بیان می گردد:

**الف:** در قرآن کریم به معاملات تجاری در زمان یوسف علیه السلام- اشاره شده است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴾<sup>۲</sup>

ترجمه: و کاروانی آمد و آب آور خود را فرستادند و او دلوش را به پایین انداخت (و) گفت: مژده باد که این نوجوانی است. و او را به عنوان کالایی پنهان داشتند و خداوند به آنچه می کردند داناست.

البته در سوره یوسف به تجارت و وجود معاملات تجاری در آن عصر و زمان آیات زیادی است که به طور نمونه یک آیت فوق نقل گردید و به خاطر طولانی شدن موضوع از نقل سایر آیات صرف نظر می شود.

**ب:** در آیات بسیاری به بهره گیری از پیمانانه و ترازو برای سنجش کالا در دوره حضرت شعیب- علیه السلام- اشاره شده است: چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾<sup>۳</sup>

(و به سوي مدین برادرشان شعیب را فرستادیم، و گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، شما معبود به حقی جز او ندارید، همانا دلیلی از جانب پروردگارتان پیش شما آمده است، پس پیمانانه و ترازو را کامل نمایید، و حقوق و اموال مردم را کم نکنید، و در زمین پس از اصلاح آن فساد و تباهی نورزید. این

<sup>۱</sup>مهاتاج، محمد عابدون، التجارة فی القرآن الکریم، جامعة الجوف، سعودی، نشر مجلة العلوم و الثقافة، مؤرخ: ۲۰۰۹/۱/۱۱، ص ۵

<sup>۲</sup>سوره یوسف آیه ۱۹

<sup>۳</sup>سوره اعراف آیه ۸۵

برایتان بهتر است اگر شما مؤمن هستید.

البته داستان شعیب – علیه السلام- در قرآن کریم چندین بار تکرار شده و در آن به معاملات تجارتي اشاره شده است.

ج: در دوران اصحاب كهف، تجارت و خريد و فروش با سكه و درهم رايج بوده است چنانچه الله متعال به آن اشاره می کند: ﴿ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ۚ﴾<sup>۲</sup>

(و اینچنین ایشان را برانگیختیم تا از یکدیگر بپرسند. گوینده ای از آنان گفت: چه مدتی مانده اید؟ گفتند: یک روز یا بخشی از روز؟ گفتند: پروردگارتان بهتر می داند که چقدر مانده اید، پس کسی از خودتان را با این سکه پول به شهر بفرستید، و باید بنگرد کدامیک از آنان غذای پاکتری دارد، پس روزی و خوراکی از آن برایتان بیاورد، اما باید نهایت دقت را به خرج دهد و هیچکس را از حال شما آگاه نسازد.

آنچه ذکر گردید مثال هایی بود که نشان می دهند، تجارت یک معامله تاریخی است و انسان ها به آن در هر زمان سر و کار داشتند، البته در قرآن کریم در این مور آیات زیادی وجود دارد و به همین قدر اکتفا می شود.

### مطلب دوم: ارزش و اهمیت تجارت در اسلام

در زمینه اهمیت تجارت از دیدگاه اسلام همین بس است که خداوند متعال در قرآن کریم بر انسان منت می نهد که راه تجارت داخلی و خارجی را برای او مهیا ساخته و ارتباطات دریایی را که اکنون نیز بزرگترین تجارت های بین المللی از طریق آن انجام می گیرد، در اختیار انسان قرار داده است؛

---

۱- اصحاب كهف عبارت از آن هفت یا هشت افرادی اند که از شر ظلم پادشاه زمان شان به کوه فرار کردند و در آنجا به مدت سه صد سال خوابیدند و خداوند متعال آنان را زنده گردانید و عبرتی شدن برای مردمانی که از زنده شدن پس از مرگ منکر بودند، تفصیل آن در سوره كهف قرآن کریم و تفاسیر موجود است.  
۲سوره كهف آیه ۱۹

چنان که می فرماید: ﴿ وَتَرَى الْمُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴾<sup>۱</sup>

(و کشتی ها را در آن (دریا) شکافنده (ی امواج) می بینی تا از فضل خدا بهره گیری و شکرگزار باشی).

در دین اسلام به اشکال گوناگون به تجارت اهمیت داده شده است که به طور مثال چند نمونه آن ذیلاً بیان می گردد:

**الف: حشر شدن تجاران صادق با انبیاء:** در دین اسلام به تجارت چنان اهمیت داده شده است که کسی که با صداقت و راستی تجارت می کند گفته است تجاران صادق با انبیاء حشر می شوند چنانچه در روایت آمده است: **عن أبي سعيد : عن النبي صلى الله عليه و سلم قال التاجر الصدوق الأمين مع النبيين والصديقين والشهداء**<sup>۲</sup>

( ابو سعید خدری -رضی الله عنه- از پیامبر اسلام-صلی الله علیه وسلم- روایت می کند که آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- گفته است: تاجر راستگو و امین به همراه پیامبران، صدیقین و شهداء می باشد).

**ب: شمردن تجارت از بهترین شغل ها:** تجارت نیک و مطابق اصول و مقررات شرعی از بهترین کسب ها شمرده شده است، چنانچه در روایت آمده است: **عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ قَالَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْكَسْبِ أَطْيَبُ قَالَ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ وَكُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ**<sup>۳</sup>

(از رافع بن خدیج روایت است که گفته است: برای پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- گفته شد کدام نوع کسب بهتر و پاک تر است؟ وی گفت: کسب و کار توسط دست و هر بیع و خرید و فروش به روش نیک و صادقانه).

اسوره فاطر آیه ۱۲

<sup>۱</sup>- ترمذی، محمد بن عیسی، ابوی عیسی، (۱۴۲۲ هـ) سنن الترمذی، تحقیق: احمد شاکر، ط: ۱، دارأحیا التراث العربی، بیروت، لبنان (شماره حدیث: ۱۲۰۹) کتاب البیوع، باب ما جاء فی التجار وتسمیة النبی صلی الله علیه و سلم إیاهم. ج ۳ ص ۲۱۵. (قال أبو عیسی هذا حدیث حسن).  
<sup>۲</sup>ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن حنبل، مسند احمد، مؤسسة الرسالة، طبع: ۲، ۱۴۲۰ هـ، ۱۹۹۹ م، بیروت، لبنان، شماره حدیث: ۱۷۲۶۵ (هیثمی در مورد حکم این حدیث چنین گفته است: « وَفِيهِ الْمَسْعُودِيُّ، وَهُوَ ثِقَّةٌ، وَكَيْفُهُ اخْتَلَطَ، وَبَيِّنَةُ رَجَالِ أَحْمَدَ رَجَالِ الصَّحِيحِ. » هیثمی، مجمع الزوائد ج ۴ ص ۶۰).



## مطلب سوم: فواید تجارت

تجارت از دیدگاه اسلام فواید بزرگ دنیوی و دینی دارد که مهم ترین آن ها قرار ذیل است:

**اول: استغناء از مردم:** انسان توسط تجارت به خود کفایی می رسد و احتیاجش از مردم خلاص می شود و محتاج نبودن به مردم شرف بزرگی است چنانچه در حدیث آمده است: «شرف المؤمن قیام اللیل و عزه استغناؤه عن الناس»<sup>۱</sup>

( شرف انسان مومن در قیام شب (نماز خواندن در شب) است و عزت او در استغنا و بی پروایی از مردم است.

پس تجارت و کار انسان را از مردم بی پروا می سازد و انسان را خود کفا می سازد و پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- همیشه مردم را به خود کفایی دعوت می کرد و از سوال کردن منع می کرد چنانچه در روایت صحیح آمده است: **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - : أَنَّ رَسُولَ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ فَيَحْتَضِبَ عَلَى ظَهْرِهِ، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَأْتِيَ رَجُلًا فَيَسْأَلُهُ، أَعْطَاهُ أَوْ مَنَعَهُ»**<sup>۲</sup>

(( ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «به خدا سوگند که اگر کسی از شما، طنابش را بر دارد و با جمع کردن و فروختن هیزم، امرار معاش کند، این کار برای او بهتر است از آن که دست گدایی، پیش این و آن، دراز کند. و آن هم معلوم نیست که به او چیزی بدهند یا ندهند.

حافظ ابن حجر عسقلانی<sup>۱</sup> - رحمه الله - در شرح این حدیث می نویسد: «**ففيه القسم على الشيء المقطوع بصدقه لتأكيد في نفس السامع وفيه الحض على التعفف عن المسألة والتنزه عنها ولو**

---

<sup>۱</sup>حاکم نیشاپوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة - بیروت - الطبعه الأولى، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م. ج ۴/ص ۳۶۰ (البانی این حدیث را در السلسله الصحیحة ج ۲ ص ۴۸۲ حسن شمرده است) ترمذی نیز این حدیث را به شماره (۶۸۰) روایت کرده و گفته است: حسن صحیح غریب. ج ۳ ص ۶۴.

<sup>۲</sup>بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح البخاری، نسخه طوق النجاة، شماره حدیث: ۱۴۷۰  
<sup>۳</sup>حافظ ابن حجر: وی شیخ الاسلام قاضی القضاة شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن محمد عسقلانی شافعی است، از کودکی به آموزش حدیث پرداخت و در همه متون حدیث ماهر گشت و از همه مردمان زمانه اش حافظ تر بود. ابن حجر در سال ۸۵۲ وفات کرد. بیش از صد تألیف در فنون حدیث دارد. از جمله: فتح الباری شرح صحیح البخاری، تهذیب التهذیب، تقریب التقریب، الاصابه، الدرر الكامنه. سیوطی، طبقات الحفاظ، ص ۵۵۲.

## أمتهن المرء نفسه في طلب الرزق وارتكب المشقة في ذلك»<sup>۱</sup>

( در این حدیث قسم است به چیزی که صدق آن قطعی است تا تاکید آن در نفس شنونده ثابت شود و در این حدیث تشویق است بر تعفف از سوال کردن و خود را نگه داشتن از آن اگر انسان در طلب رزق نفسش را ذلیل کند و مرتکب مشقت در این راه شود.

**دوم: استغنا از وظایف در شرکت ها:** یکی از فواید تجارت این است که انسان توسط آن از انجام وظیفه در شرکت های دولتی و غیر دولتی مستغنی می شود و این سبب می شود تا انسان آسوده خاطر باشد چون شرکت ها گاهی به رکود مواجه می شوند و ماموران آن کار خود را از دست می دهند اما در تجارت شخصی این چنین نیست چون اختیار به دست خود انسان است<sup>۲</sup>

**سوم:** دوری از خوردن اموال مردم به باطل: یکی از فواید تجارت این انسان می تواند توسط آن خود را از خوردن اموال مردم به باطل نجات دهد، چنانچه این مطلب از آیه قرآن دانسته می شود که الله متعال می فرماید: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴾<sup>۳</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! مال هایتان را در میان خود به ناحق نخورید، مگر اینکه تجارتي باشد که از رضایت شما سرچشمه بگیرد، و خود را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما مهربان است.

**چهارم:** انجام دادن عبادات مالی: یکی از بزرگ ترین فواید تجارت این است که انسان توسط تجارت و کسب اموال، می تواند عبادات مالی مانند دادن زکات، صدقه، قربانی و غیره را انجام دهد و به مردم در حالات سخت کمک کند.

البته باید یادآوری نمود که شغل تجارت تا زمانی که انسان در آن از صداقت و امانت کار نگیرد، شغل عالی و ستوده شده نیست، قسمی که ابن خلدون-رحمه الله- می نویسد: «خوي بازرگانان نسبت

<sup>۱</sup> عسقلانی، احمد بن علی بن حجر ابو الفضل، فتح الباری شرح صحیح البخاری، س ط: ۱۳۷۹، دار المعرفة، بیروت. ج ۳ ص ۳۳۶

<sup>۲</sup> عسافی، زین عزیز، التجارة و دلالاتها فی القرآن الکریم، جامعة حضر موت، یمن، نشر مجلة جامعة الانبار، ص ۹

<sup>۳</sup> سوره نساء آیه ۲۹

بخوي اشراف در مرحله پستي استزيرا بازرگانان اغلب اوقات خود را صرف خريد و فروش مي کنند و در اين کار ناچار بايد سخت گيري کنند و در تثبيت آخرين قيمت حداکثر مبالغه را معمول دارند (يا بعبارت ديگر چانه بزنند) و کسي که پيوسته بدین شیوه زندگي کند خواهي خواهي در اخلاق او تأثیر مي بخشد و بدان پابند مي شود در صورتیکه چانه زدن دور از صفت جوانمردی پادشاهان و اشراف است که بدان متصفند. و اما اگر خوي او در نتیجه رفتارهاي زشتي که بدنباله عادت چانه زدن در میان طبقه پست اين گروه شایع است تباہ گردد، از قبيل لجاجت و ستيزه جوئي و تقلب و فريبکاري و ياد کردن سوگندهاي دروغ بر قيمتها در داد و ستد، سزاست که چنین خوي را در انتها درجه فرومایگي و پستي بدانيم چنانکه اين گونه کسان بدین صفات مشهورند و به همین سبب مي بينم بزرگان و کساني که رياست قوم را بر عهده دارند از اين پيشه اجتناب مي ورزند تا مبدا زير تأثیر اين خوي واقع شوند. و گاهي هم ممکن است بازرگاناني يافت شوند که خویش را از اين خوي حفظ کنند و بسبب شرافت ذاتي و بزرگ منشي از آن اجتناب ورزند، ولي چنین کساني بسيار بندرت در میان مردم ديده مي شوند، و خدا هر که را بخواهد به فضل و کرم خود رهبري مي فرماید و او پروردگار پيشينان و پسينان است»!

به همین خاطر است که پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- به صداقت و امانت در تجارت تشويق کرده و گفته است: **التاجر الصدوق الأمين مع النبيين والصديقين والشهداء»<sup>۲</sup>**

(: تاجر راستگو و امين به همراه پیامبران، صديقين و شهداء می باشد.

#### **مطلب چهارم: نقش تجارت در انکشاف جامعه**

شکوفایی تجارت و خريد و فروش در جامعه بيانگر امور بسياری از جمله امنيت جامعه است؛ زيرا جامعه ای که به عنوان نمونه از نظر امنيتی و مراعات مسائل حقوقی و قانونی در ضعف و بحران باشد، نمی تواند سرمايه ها را به سوی خود جلب و جذب نماید و مبادلات را تضمين و در مسیر درست قرار دهد، بنابراین هرگز تجارت در آن به شکوفایی نمی رسد و رشد اقتصادی به اين شکل خودنمایی نمی کند، به عبارت ديگر، یکی از نشانه های رشد اقتصادی جامعه، تجارت و فعاليت های اقتصادی است، از اين روست که تجارت را نبض اقتصادی جامعه دانسته اند.

---

۱- ابن خلدون، عبد الرحمن ابن محمد ابن خلدون، مقدمة ابن خلدون، ص ۱۰۷۵  
۲- ترمذی، الجامع الصحيح، شماره حديث: ۱۲۰۹ (ترمذی اين حديث را حسن گفته ولی البانی آن را در ذیل همین روايت ضعيف گفته است. ج ۳ ص ۵۱۵.

از آن جایی که قرآن یکی از اهداف آفرینش و خلافت انسانی در قرارگاه زمین و ماموریت انسان را، آبادانی و استعمار زمین و ایجاد تمدنی بشری می داند، مسائل اقتصادی در همه اشکال و ابعاد آن به عنوان مساله ای مهم مورد توجه و تاکید بوده است و راهنمایی ها و راهکارهایبیرای رسیدن به این هدف ارایه داده است، الله متعال به حفاظت و ارزش دهی به مال تاکید کرده است و آن را قوام و مایه حفظ بقای زندگی دانسته است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ

لَكُمْ قِيَامًا وَارزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾<sup>۱</sup>

ترجمه: و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام (زندگی) شما گردانده است، به سفیهان مدهید و از (عواید) آن روزی و پوشاک آنها را بدهید، و با آنان سخن خوب و شایسته بگویید.

از این آیه معلوم می شود که مال سبب قوام و ادامه حیات است و با تجارت مال افزایش می یابد و سبب شگوفایی جامعه می گردد.

همچنان خداوند متعال در آیه دیگر تجارت و مبادلات تجارتي مشروع را مایه حفظ جامعه از تباهی و نابودی بر می شمارد؛ چنانچه فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ

تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾<sup>۲</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! مال هایتان را در میان خود به ناحق نخورید، مگر اینکه تجارتي باشد که از رضایت شما سرچشمه بگیرد، و خود را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما مهربان است.

جمله «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» را برخی مفسرین به ماقبل ارتباط داده و چنین نوشته اند: «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ بِأَكْلِ بَعْضِكُمْ أَمْوَالًا بَعْضٌ وَبَارْتِكَابِكُمْ لِلْمَعَاصِي الَّتِي نَهَى اللَّهُ عَنْهَا ، فَإِنَّ ذَلِكَ يُؤَدِّي إِلَى إِفْسَادِ أَمْرِكُمْ ، وَذَهَابِ رِيحِكُمْ ، وَتَمزِقِ وَحَدَّتِكُمْ ، وَلَا قَتْلَ لِلْأُمَّمِ وَالْجَمَاعَاتِ أَشَدَّ مِنْ فِسَادِ أَمْرِهَا ، وَذَهَابِ

<sup>۱</sup>سوره نساء آیه ۵  
<sup>۲</sup>سوره نساء آیه ۲۹

## ریحها»<sup>۱</sup>

( یعنی خود را با خوردن اموال برخی دیگر و با ارتکاب گناهانی که الله از آن نهی کرده است نکشید، زیرا این امر باعث فساد امور، از بین رفتن قوت و پارچه شدن وحدت می شود و قتل امت ها و گروه ها شدید تر از فساد امور و از بین رفتن قوت شان نیست.

حافظ ابن کثیر آدر تفسیر خود همین معنا را ترجیح داده و می نویسد: « وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَيْ بَارْتِكَابِ مَحَارِمِ اللَّهِ - وَتَعَاظِي مَعَاصِيهِ، وَأَكْلِ أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ »<sup>۲</sup>

( و خود را نکشید یعنی به ارتکاب محارم الله، انجام دادن گناهان و خوردن اموال یک دیگر در میان تان به گونه ناحق و نا مشروع.

همچنان الله متعال تبیین می کند که چگونه تجارت عادلانه می تواند راه خیر و صلاح جامعه باشد و جامعه به سوی حق و حقیقت و کمالات حقیقی حرکت کرده و مسئولیت و ماموریت الهی خویش را در قرارگاه زمین انجام دهد، چنانچه می فرماید: ﴿ وَإِلَىٰ مَدِينِ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَ تَكْوِيمُ بَيْتِي مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴾<sup>۳</sup>

(و به سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم، و گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، شما معبود به حقی جز او ندارید، همانا دلیلی از جانب پروردگارتان پیش شما آمده است، پس پیمانان و ترازو را کامل نمایید، و حقوق و اموال مردم را کم نکنید، و در زمین پس از اصلاح آن فساد و تباهی نوزید. این برایتان بهتر است اگر شما مؤمن هستید.)

از این آیه معلوم می شود که یکی از اهداف ارسال پیامبران، اصلاح مال و تجارت برای برپایی و

<sup>۱</sup>طنطاوي، محمد سيد التفسير الوسيط للقرآن الكريم، قاهره، الطبعة، الأولى دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة ۱۹۹۸م. ج ۳ ص ۱۲۷

<sup>۲</sup> ابن کثیر: عماد الدین اسماعیل بن عمر بن ضوء بن کثیر، أبو الفداء، حافظ دمشقی، شافعی، دارای حافظه قوی و فهم عالی بود، و در سرودن شعر عربی توانایی خوبی داشت. صاحب تصانیف زیادی است که از آن جمله: تفسیر القرآن العظیم و کتاب البدایه و النهایه می باشد، در سال ۷۷۴ هجری چشم از جهان بست. (شذرات الذهب) - ابن العماد حنبلی- ۸/۳۹۷.

<sup>۳</sup> ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل، تفسیر قرآن العظیم، دار طیبه للنشر و التوزیع، ۱۴۲۰هـ-۱۹۹۹م. بیروت، لبنان ج 1 ص 480

<sup>۴</sup>سوره اعراف آیه ۸۵

شکوفایی جامعه است و معلوم می شود که عدم مدیریت تجارت باعث فساد می شود و اگر مبادلات اقتصادی از هر گونه امور نامشروع و باطل و فساد دور باشد ، جامعه به سوی رشد و شکوفایی سوق مییابد و همان گونه که تجارت باطل و تملک اموال از باطل و نامشروع موجبات تباهی و نابودی جامعه می شود، مبادلات سالم و مشروع می تواند جامعه را حفظ کرده و بلکه به سوی رشد و اصلاح بکشاند؛ زیرا با اصلاح امور تجاری است که جامعه ظرفیت بهره گیری از همه توانمندی ها را مییابد و به همه فرصت رشد و تکامل داده می شود.

## مبحث چهارم: شرح کلمات متعلق به تجارت در قرآن

در قرآن کریم به واژه ها و کلمات مختلف در مورد تجارت سخن گفته شده است، در این مبحث این کلمات مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

### مطلب اول: کیل

کیل در لغت به معنای پیمانانه کردن است چنانچه راغب اصفهانی می نویسد: «الکیل: کیل الطعام. يقال: کلت له الطعام: إذا تولیت ذلك له، وکلته الطعام: إذا أعطیته کیلا، واکتلت علیه: أخذت منه کیلا»<sup>۱</sup> (واژه کیل- برای پیمانانه کردن غلات و حبوبات بکار میرود،- کلت له الطعام- در وقتی گفته میشود که تو عهده دار آن کار باشی، «کلته» الطعام در وقتی گفته میشود که به او گندم را به پیمانانه بدهی، «اکتلت علیه» از او به روی پیمانانه گرفتم.

واژه کیل در چندین آیه قرآن کریم به کار رفته است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ \*

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ \* وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ﴾<sup>۲</sup>

(وای به حال کاهندگان (حقوق مردم)، کسانی که چون برای خود پیمانانه زنند از مردم به تمام و کمال دریافت می دارند، و چون می خواهند که برای آنان پیمانانه زنند یا برای آنان وزن کنند، کم می گذارند.

همچنان الله متعال در مورد برادران یوسف علیه السلام که می خواستند به هدف به دست آوردن گندم به مصر بروند می فرماید: ﴿وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ

بِضَاعَتِنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدَادُ كَيْلٍ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ﴾<sup>۳</sup>

(و چون بارشان را باز کردند، دیدند که کالایشان به آنان باز گردانده شده است. گفتند: ای پدر! ما

<sup>۱</sup> راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق محمد سید کیلانی، المفردات فی غریب القرآن، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲، دارالمعرفة، بیروت، ج ۲ ص ۳۲۵ ماده «کیل»

<sup>۲</sup> سوره مطففین آیه ۱-۳

<sup>۳</sup> سوره یوسف آیه ۶۵

دیگر چه می خواهیم؟ این کالای ماست که به ما بازگردانده شده است و (می رویم) برای خانواده خود آذوقه بیاوریم و از برادرمان مراقبت می کنیم و یک بار شتر افزون خواهیم آورد، به دست آوردن این «بار»، برایمان سهل و آسان است.

و در جایی دیگر الله متعال می فرماید: ﴿أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

(پسیمانان را به تمام و کمال بپردازید، و از زمره کم دهندگان (جنس به مردم و کاهندگان اموال ایشان) نباشید)

### مطلب دوم: وزن

وزن در لغت به معنای شناخت اندازه یک چیز است چنانچه راغب اصفهانی می نویسد: «الوزن: معرفة قدر الشيء». يقال: وزنته وزنا وزنة، والمتعارف في الوزن عند العامة: ما يقدر بالقسط»<sup>۲</sup>

(وزن یعنی شناختن اندازه چیزی، وزنته وزنا وزنة- آنرا وزن کردم. وزن- در نظر عامه مردم کشیدن و سنجیدن با ترازو است.)

کلمه وزن در آیات متعدد قرآن کریم به کار رفته است که چند مورد آن متعلق به تجارت و مسایل خرید و فروش و تجارت است مانند این آیات:

۱- ﴿وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ﴾<sup>۳</sup>

(و با ترازوی درست وزن کنید.)

۲- ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>سوره شعراء آیه ۱۸۱  
<sup>۲</sup>اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، همان ج ۲ ص ۵۱۲  
<sup>۳</sup>سوره شعراء آیه ۱۸۲  
<sup>۴</sup>سوره اسراء آیه ۳۵



(و هنگامی که چیزی را به پیمانہ می زنید، آن را به تمام و کمال پیمانہ کنید، و با ترازوی درست (اشیاء را) بکشید (و در وزن و پیمانہ به مشتری کم ندهید) که این کار سرانجام بهتر و نیکوتری (در دنیا و آخرت برای شما) دارد.

۳- ﴿ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴾<sup>۱</sup>

(و سنجش را به داد استوار دارید و در ترازو کاستی در میان نیاورید

۴- ﴿ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴾

(و ای قوم من! پیمانہ و ترازو را دادگرانه و به تمام و کمال دهید و از چیزهای مردم نگاهید، و در زمین فساد و تباهی نکنید.

**مطلب سوم: ابتغاء فضل الله**

ابتغاء از ریشه بغی گرفته شده است و به معنای طلب کردن و جستجو کردن است چنانچه راغب اصفهانی می نویسد: «وَأَمَّا الْإِبْتِغَاءُ فَقَدْ خَصَّ بِالْإِجْتِهَادِ فِي الطَّلَبِ، فَمَتَى كَانَ الطَّلَبُ لَشَيْءٍ مَحْمُودٍ فَالْإِبْتِغَاءُ فِيهِ مَحْمُودٌ»<sup>۲</sup>

(و اَمَّا الْإِبْتِغَاءُ كُوشَشُ وَ اجْتِهَادُ فِي طَلَبِ وَ خَوَاسْتَنُ اسْتِ كِهْ اِكْرَ چيزِ نِيكِي وَ شَايِسْتَهْ اِي طَلَبِ شُودْ اَنْ خَوَاسْتَنُ وَ اجْتِهَادُ قَابِلُ سْتَايِشِ وَ پَسَنْدِيدهْ اسْتِ.)

اصطلاح ابتغاء من فضل الله در قرآن کریم به معنای طلب رزق و همان تجارت و کسب و کار به هدف پیدا کردن روزی است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ

وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>سوره رحمان آیه ۹

<sup>۲</sup>سوره اعراف آیه ۸۵

<sup>۳</sup>اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، همان ج ۱ ص ۱۰۷

<sup>۴</sup>سوره جمعه آیه ۹-۱۰

(ای کسانی که ایمان آورده اید! چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد به یاد خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید اگر بدانید این برایتان بهتر است؛ آن گاه چون نماز ادا شد، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوئید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید.)

همچنان در جای دیگر می فرماید: ﴿وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>

(و دیگرانی هم برای به دست آوردن نعمت خدا در زمین مسافرت می کنند.)

### مطلب چهارم: بیع و شراء

بیع به معنای خریدن و فروختن هر دو آمده است، چنانچه امام راغب اصفهانی می نویسد: «البيع: إعطاء المثلن وأخذ الثمن، والشراء: إعطاء الثمن وأخذ المثلن، ويقال للبيع: الشراء، وللشراء البيع، وذلك بحسب ما يتصور من الثمن والمثلن»<sup>۲</sup>

(بیع یعنی دادن چیزی با ارزش و گرفتن قیمت آن (داد و ستد و مبادله متاع و پول). و کلمه شراء به معنای پرداختن قیمت و گرفتن جسم قیمت شده است، فروختن و خریدن را بیع و شراء گفته اند که هر دو بجای هم بکار می رود برای تصویری که از جنس و متاع و بهاء آن به نظر می رسد.)

ابن منظور<sup>۳</sup> رحمه الله- در مورد معنای بیع و شراء گفته است: «هر دو بیع (به فتح باء و سکون یاء) به معنی خرید و فروش.. از جمله کلمات اضداد است؛ بنا بر این میتوان گفت: بعته هذا الثوب» یعنی «أعطيته اياه واخذت ثمنه» همانطور که می شود گفت «بعته هذا الثوب» به معنی «اشتريته منه وأعطيته ثمنه» که کلمه بیع، در جمله اول به معنی فروش و در جمله دوم به معنی خرید بکار رفته است. کلمه بیع در لغت به معنی مطلق مبادله است و دو لفظ «بیع» - فروختن - و «شراء» - خریدن - به کار میروند و از جمله الفاظی است که برای معانی متضاد بکار رفته و مشترک است؛<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>سوره مزمل ایه ۲۰

<sup>۲</sup>اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱ ص ۱۳۱ ماده «بیع»

<sup>۳</sup>ابن منظور، محمد بن مكرم بن علی ابو الفضل جمال الدین بن منظور انصاری رویفی افریقی، صاحب لسان العرب و امام لغت از نسل رویف بن ثابت انصاری در سال ۶۳۰ هجری مصر متولد شده است (و برخی گفته اند در طرابلس غرب تولد یافته است) در دیوان انشاء در قاهره ایفای خدمت می کرد بعد به صفت قاضی در طرابلس انجام وظیفه نموده است و در آخر عمر به مصر برگشت نمود و در آنجا فوت نمود این دانشمند با قلم خود ۵۰۰ مجلد کتاب نوشته است و در آخر عمر از نعمت بینائی محروم گردیده بود و اخیراً در سال ۷۱۱ هجری وفات نمود. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۶ ص ۲۶. زرکلی، الأعلام، ج ۷ ص ۱۰۸

<sup>۴</sup>ابن منظور، لسان العرب، ج ۸ ص ۲۳ ماده «بیع»

## فرق در میان تجارت و بیع:

در قرآن کریم هم کلمه تجارت ذکر شده است و هم کلمه بیع و در آیات مختلف این دو کلمه به کار گرفته شده است و چنانچه در مطالب گذشته بیان هر دو به معنای کاروبار اقتصادی و خرید و فروش می آید اما در یک آیه قرآن کریم کلمه بیع به صورت عطف به کلمه تجارت ذکر گردیده است و این نشان می دهد که در میان تجارت و بیع اندکی فرق وجود دارد زیرا عطف تقاضای مغایرت را می کند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾<sup>۱</sup>

(مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از یاد خدا، و خواندن نماز، و دادن زکات غافل نمی سازد، از روزی می ترسند که دلها و دیدگان در آن دگرگون و پریشان می گردد.)

پس آیا در میان تجارت و بیع فرقی وجود دارد یا خیر؟ در این مورد نظر علما ارایه می شود:

علامه آلوسی<sup>۲</sup> رحمه الله- در تفسیر «روح المعانی» می نویسد: «إفراد البيع بالذكر مع اندراج تحت التجارة للإيدان بإنافته على سائر أنواعها لأن ربحه متيقن ناجز و ربح ما عداه متوقع في ثاني الحال، وجوز أن يراد بالتجارة المعاوضة الرابعة وبالبيع المعاوضة مطلقاً فيكون ذكره بعدها من باب التعميم بعد التخصيص للمبالغة، وقيل أن المراد بالتجارة هو الشراء لأنه أصلها ومبدؤها فلا تخصيص ولا تعميم»<sup>۳</sup>

( آوردن بیع بعد از کلمه تجارت باوجود اینکه در آن داخل است به خاطر نشان دادن این مطلب است که تجارت انواع زیاد دارد و از این میان فایده بیع یقینی است و فایده سایر انواع تجارت در آینده

<sup>۱</sup>سوره نور آیه ۳۶

<sup>۲</sup>آلوسی، الألوسی، أبو الثناء شهاب الدين (۱۲۷۰-۱۲۱۷ هـ، ۱۸۰۲-۱۸۵۴ م) شهاب‌الدین محمود بن عبدالله آلوسی (۱۸۵۴-۱۸۰۲) فقیه شافعی، مفسر، ادیب عربی و مفتی عراقی در سده سیزدهم هجری بود وی ذکاوت عجیب داشت در ۱۳ سالگی شرحی بر قطر الندی نوشت سپس از بسیاری از عالمان مشهور بغداد اجازه روایت یافت و خود در شمار استادان بزرگ در آمد و ملقب به «علامه» شد. بیش از ۲۰ کتاب در زمینه‌های ادبیات، تراجم، منطق، عرفان، عقاید و تفسیر از وی به جا مانده است، دقائق التفسیر، شرح العینیه فی مدح سیدنا علی رضی الله عنه بارزترین کتب وی تفسیره الكبير روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی (بعلبکی، منیر). «الألوسی». در فرهنگ زندگی‌نامه‌المورد. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۲.)

<sup>۳</sup>آلوسی، شهاب‌الدین محمود الألوسی (ب ت) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۳ ص ۴۵۳

قابل وقوع است، همچنان ممکن است که در اینجا مراد از تجارت عوض مراد کرده شود که در آن فایده باشد و از بیع مطلق معاوضه اراده شود، پس ذکر بیع بعد از تجارت تعمیم بعد از تخصیص برای مبالغه است، برخی علما می گویند: مراد از تجارت همان خرید و فروش است زیرا خرید و فروش اصل و مبدأ تجارت است، پس در این صورت نه تخصیص است در آیه و نه تعمیم.)

علامه زمخشری<sup>۱</sup>-رحمه الله- در تفسیر کشاف نوشته است: «التجارة لأهل الجلب ، والبيع ما باعه الرجل على بدنه والتجار هم : الجلاب المسافرون ، والباعة: هم المقيمون»<sup>۲</sup>

(تجارت به کسانی اطلاق می شود که جلابی می کنند و بیع آن است که یک فرد آن را توسط اعضای بدن خود به فروش می رساند، و تجار جلابان مسافر را گفته می شود و بایع به کسانی اطلاق می شود که در شهر مقیم باشند.)

امام رازی<sup>۳</sup>-رحمه الله- در تفسیر مفاتیح الغیب مشهور به تفسیر کبیر، در مورد فرق میان بیع و تجارت چنین می نویسد: «أن التجارة جنس يدخل تحت أنواع الشراء والبيع إلا أنه سبحانه خص البيع بالذكر لأنه في الإلهاء أدخل ، لأن الربح الحاصل في البيع يقين ناجز ، والربح الحاصل في الشراء شك مستقبل، أو أن البيع يقتضي تبديل العرض بالنقد ، والشراء بالعكس والرغبة في تحصيل النقد أكثر من العكس»<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup>محمود بن عمر زمخشری خوارزمی مشهور به جارالله زمخشری ، مفسر و زبان‌شناس برجسته، ادیب و خطیب عربی بود که بر علوم گوناگون روزگار دانا بود و مؤلفی پُر اثر شمرده می‌شود. زمخشری برای علم‌آموزی بسیار سفر می‌کرد و در سفرش به بخارا، از مرکبش برافتاد و پایش شکست، مجبور شد آن را قطع کند و پایی چوبین جایگزینش کند. در پیرسالی از راه بغداد به حج رفت. در بغداد با ابن شجری مصاحبت داشت؛ حال آنکه شهرتش فراگیر شده بود. در مکه مدتی ساکن شد و از این به جارالله لقب گرفت و این لقب برای او اسمی علم شد. زمخشری در روز عرفة سال ۵۳۸ ق ۱۲ ژوئن ۱۱۴۴ م از دنیا رفت. وی اثر زیاد دارد: از جمله المفرد والمولف فی النحو، المفصل فی النحو، امکنه و الجبال و المياه در جغرافیا، تفسیر کشاف (الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقبول فی وجوه التأویل)، دیوان الشعر، رؤس المسائل فی الفقه، مستقصى فی امثال العرب (ابن خلکان، احمد. وفیات الأعیان. ج. ۲. ص ۵۰۹).

<sup>۲</sup>زمخشری، محمود بن عمرو بن أحمد، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بیروت، دار الكتاب العربي، سال چاپ، ۱۴۰۷ق.  
<sup>۳</sup>امام رازی: ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن ثیمی بگری طبرستانی رازی، فقیه، متکلم، فیلسوف، مفسر و حکیم مسلمان که در سال ۵۴۴ (قمری) در ری متولد شد و وفاتش در سال ۶۰۶ (قمری)، در هرات اتفاق افتاد. ملقب به فخرالدین است و به امام رازییا امام فخر رازی نیز شهرت دارد. او بر علوم عقلی و علوم نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول و علوم ادبی عصر خود تسلط کامل داشت. کتاب‌هایش در دوران حیاتش بسیار مورد استقبال قرار گرفت و به عنوان کتب درسی از آن‌ها استفاده می‌شد. برجسته‌ترین دوره زندگی فخر رازی در شهر هرات بوده و در مجمع درسی‌اش بیشتر از دوهزار نفر دانشمند شرکت می‌کردند در علوم فقه، تفسیر، کلام، فلسفه، طب و ریاضیات متبحر بود و در تمام این زمینه‌ها تألیفاتی دارد که تألیفاتش نیز مثل خودش، شهرت و اهمیت زیادی پیدا کرد و در سراسر ممالک اسلامی مورد بحث و تحقیق قرار گرفت، فخر رازی آثار بسیاری در علوم نقلی و علوم عقلی دارد که برخی از مهمترین آن‌ها عبارتند از: تفسیر کبیر که به «مفاتیح الغیب» موسوم است. الاربعین فی اصول الدین، اسرارالتنزیل و انوارالتاویل، اسرارالنجوم، الانارات فی شرح الاشارات، در این کتاب از بوعلی سینا انتقاد نموده‌است، البیان و البرهان، زیده العالم فی الکلام، شرح قانون ابن سینا، فخر رازی در روز دوشنبه، عید فطر سال ۶۰۶ قمری در شهر هرات در گذشت.

(<https://fa.wikipedia.org/wiki>)

<sup>۴</sup>رازی، فخر الدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب مشهور به تفسیر کبیر، دار احیاء التراث العربی بیروت ۱۴۲۰ ق، چاپ: سوم. ج ۱۱ ص ۳۴۴

( تجارت به منزله جنس است که در داخل آن انواع بیع و شراء داخل می شود اما در اینجا خداوند متعال تنها بیع را اختصاص داد چون در بیع غافل شدن از ذکر خداوند بیشتر است و فایده بیع یقینی و آنی است و فایده ای که از خریدن به دست می آید مشکوک و در آینده متصور است، و یا اینکه بیع تقاضای تبدیل عوض را نقداً می کند و شراء برعکس است و رغبت در حاصل کردن نقد بیش تر از رغبت در حاصل کردن نسیه.)

از بررسی مجموع آیاتی که واژه تجارت در آنها به کار رفته است، به دست می آید که علاوه بر این، از مفاد آیات برمی آید که تجارت در حقیقت خود ممدوح و مطلوب است، مگر آن که انسان را از یاد خدا باز دارد که در این صورت سخت نکوهش شده است.

از آنچه نقل گردید معلوم می شود که تجارت عام است و بیع نوعی از تجارت است و در قرآن تجارت معنایی عام و گسترده دارد و هر گونه داد و ستدی را در برمی گیرد، خواه دنیوی و مادی باشد و خواه اخروی و معنوی چنانچه ابن خلدون می گوید: بازرگانی هر چند از لحاظ کسب امری طبیعی است ولی بیشتر راهها و شیوه های آن جز داد و ستد نیست که آنها را برای بدست آوردن نرخ میان دو بهای خرید و فروش بکار می برند تا از این تفاوت قیمت در کسب سود برند<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>مقدمه ابن خلدون ص ۱۳۶

## فصل دوم

### تجارت معنوی در روشنی قرآن

چنانچه در بحث انواع تجارت در قرآن کریم بیان گردید کلمه تجارت در قرآن کریم به دو مفهوم ذکر شده اول به معنای حقیقی که همان مبادله مال و خرید و فروخت است و دوم به معنای مجازی که آن عبارت از عمل مطابق رضایت الله - جل جلاله- است، تجارت معنوی یا مجازی از مفهوم برخی آیات استنباط می شود چنانچه در تفسیر بیضاوی آمده است: «و المعنى الحقيقي للتجارة هي المبادلة بالشئ أما المعنى المجازي فمفهوم من قوله تعالى في البقرة «فَمَا رَبَّحَتْ تجارتهم» و ذكر التجارة هو المجاز ، لَمَّا استعمل الاشتهار في معاملتهم أتبعه ما يشاكله تمثيلاً لخسارتهم»<sup>۱</sup>

( معنای حقیقی تجارت همان مبادله یک چیز به چیز دیگر است، اما معنای مجازی آن از این قول الله متعال «فَمَا رَبَّحَتْ تجارتهم» در سوره بقره گرفته شده است، ذکر تجارت در اینجا به معنای مجازی است و چون صیغه اشترا در معامله بندگان با الله که خرید است به کار رفت از پی ان برای تمثیل خساره ایشان چیزی را آورده که با خرید همانندی و موافقه دارد

در این فصل روی اهمیت تجارت معنوی، فواید، مظاهر و احکام و آداب آن طی سه مبحث جداگانه بحث می شود:

#### مبحث اول: مفهوم و اهمیت تجارت معنوی

##### مطلب اول: مفهوم تجارت معنوی

تجارت معنوی یا مجازی عبارت از معامله با خداوند است یعنی کاری را که برای خدا انجام می دهیم و در مقابل توقع داشته با شمیم که خداوند متعال بر ایمان در مقابل آن چیزی بدهد یا حاجتی را روا نماید و مانند آن ، چنانچه قرطبی می گوید: «التجارة في اللغة عبارة عن المعاوضة؛ ومنها الأجر الذي

۱ بیضاوی، ناصر الدین أبو سعید عبد الله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، الطبعة، الأولى، دار إحياء التراث العربي ۱۴۱۸ هـ. بيروت ج ۱ ص ۳۶

آفرطبی: ابو عبدالله، محمد بن احمد بن ابوبکر بن فَرَح انصاری خزرجی اندلسی قرطبی، یکی از امامان بزرگ تفسیر است که در قرن هفتم می زیست. تاریخ تولد او ذکر نشده، اما برخی گفته اند او در آغاز قرن هفتم هجری (میان سال های ۶۰۰ تا ۶۱۰ هجری) در قرطبه دیده به جهان گشود و مدتی در آن سرزمین زندگی کرد اما وفات او را سال ۶۷۱ ق می گویند. تالیفات امام قرطبی بسیار اند از جمله: «الجامع لاحکام القرآن» «التذكرة في احوال الموتى و امور الآخرة» «التذكار في افضل الاذكار» که به چاپ رسیده است. «الاسنى في شرح اسماء الله الخسنى و صفاته العلیا». «الاعلام بما في دين النصارى من المفاصد والاهام و اظهار محاسن دين الاسلام». قمع الحرص بالزهد والقناعة ورد ذل السؤال بالكسب والصناعة (حسن محمود سلمان، الامام القرطبی شیخ ائمة التفسیر، چاپ دمشق سال ۱۹۹۳م، ج ۱، ص ۱۸۷ - ۲۳۷)

يعطيه البارئ سبحانه العبد عوضا عن الأعمال الصالحة التي هي بعض من فعله»<sup>۱</sup>

( تجارت در لغت عبارت از معاوضه است و از جمله آن اجری است که خداوند سبحانه و تعالی بنده خود را در عوض اعمال صالحه که آن برخی از کرده اوست می دهد.)

چنانچه الله متعال ایمان و جهاد در راه خداوند را به مال و جان، تجارت نامیده و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ \* تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را بر تجارتي رهنمون شوم که شما را از عذاب دردناک نجات می دهد؟ به خداوند و پیغمبرش ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان هایتان جهاد کنید، اگر بدانید این برایتان بهتر است.)

در آیه فوق ایمان و جهاد تجارت خوانده شده است زیرا قسمی که انسان توسط تجارت فایده و سود به دست می آورد توسط ایمان و جهاد جنت را کسب می کند و از دوزخ نجات می یابد، چنانچه شوکانی<sup>۳</sup> نوشته است: «جعل العمل المذكور بمنزلة التجارة؛ لأنهم يربحون فيه، كما يربحون فيها، وذلك بدخولهم الجنة، ونجاتهم من النار»<sup>۴</sup>

(قرار دادن عمل مذکور (ایمان و جهاد) به منزله تجارت به دلیل این است که آنان در آن سودمند می شوند قسمی که در تجارت سودمند می گردند، چون به سبب آن وارد جنت می شوند و از جهنم رهایی پیدا می کنند.)

در حدیث نیز آمده است که اعمال سبب پر شدن ترازو می شود و اعمال روزانه را پیامبر اسلام –

<sup>۱</sup>قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۵ ص ۱۵۱

<sup>۲</sup>سوره حشر آیه ۱۰-۱۱

<sup>۳</sup>نام او محمد بن علی بن محمد الشوکانی، یکی از بزرگان و اعلام اهل سنت و الجماعت می باشد، هم چنان او از جمله فقهای اهل سنت محسوب می گردد، وی در سال ۱۱۷۳هـ در شهر صنعا کشور یمن تولد شده است، که در سال ۱۲۲۹هـ بر مسند قضاء نیز وظیفه نموده است، در سال ۱۲۵۰هـ وفات شده است، او از جمله کبار علماء یمن می گویند؛ دیده شود: الاعلام، زرکلی، ج ۶، ص ۲۹۸.

<sup>۴</sup>شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير، دار ابن كثير، الطبعة، الأولى ۱۴۱۴ هـ - بيروت. ج ۵ ص ۲۲۲

صلی الله علیه وسلم- به تجارت تشبیه داده است که با آن انسان خود را یا نجات می دهد و یا هلاک می سازد، چنانچه در روایت آمده است: **عن أبي مالك الأشعري، قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: الطهور شرط الإيمان والحمد لله تملأ الميزان وسبحان الله والحمد لله تملآن أو تملأ ما بين السماوات والأرض والصلاة نور والصدقة برهان والصبر ضياء والقرآن حجة لك أو عليك كل الناس يغدو فبائع نفسه فمعتقها أو موبقها**<sup>۱</sup>.

(از «ابومالک حارث بن عاصم اشعاری» - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «پاکیزگی (وضو) نصف ایمان است و «الحمدالله»، کفه ی ترازوی حسنات را پر می کند و «سبحان الله والحمدالله» فضای بین آسمان ها و زمین را پر می کنند، نماز، نور است و زکات، حجت، و صبر، روشنی، و قرآن، بر نفع یا ضرر تو، دلیل است، همه ی مردم شب را به روز می آورند در حال که با نفس خودشان معامله می کنند؛ یا آن را از عذاب دوزخ آزاد می کنند؛ یا اینکه آن را به هلاک و نابودی می کشانند.)

#### مطلب دوم: اهمیت و ارزش تجارت معنوی

در قرآن کریم به تجارت معنوی اهمیت بیش تر داده شده است زیرا این نوع تجارت شامل دنیا و آخرت می شود و آینده انسان را در هر دو جهان تضمین می کند و برخی مواردی که دلالت بر اهمیت و ارزش والای این نوع تجارت می کند در ذیل بیان می گردند:

۱- تجارت معنوی دارای سود و فایده زیاد است، چنانچه الله متعال به قرض حسنه که نوعی از تجارت با خداوند است تشویق نموده و پس از اینکه انسان ها را به ایمان و انفاق دعوت می نماید، ثمره این دو عمل بزرگ را نیز بیان می فرماید که آن عبارت از چند برابر شدن اجر است، خداوند متعال می فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

( کیست که به خدا قرض نیکویی دهد تا خداوند آن را برایش چند برابر کند و برای او پاداش گرامی است.)

در آیه فوق خرچ و انفاق در راه اعلاى کلمة الله را قرض حسنه نامیده شده است و اجر آن را چند

<sup>۱</sup> صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۲۳

<sup>۲</sup> سوره حدید آیه ۱۱



برابر اعلان نموده است و این لطف خداوندي را آشکار می سازد که چنین بذل و بخششي را قرض نامیده است حال آن که مال و دارايي همه از آن او است و همه بنده او هستند.

پس تجارت معنوی آسان اما دارای ثواب و ثمره زیاد است چنانچه در حدیث نیز آمده است: **عن أبي هريرة رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: (من قال: لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو كل شيءٍ قدير، في يوم مائة مرةٍ كانت له عدل عشر رقاب، وكتبت له مائة حسنة، ومُحيت عنه مائة سيئة، وكانت له حرزاً من الشيطان يومه ذلك حتى يمسي، ولم يأت أحد بأفضل مما جاء به إلا رجل عمل أكثر منه!**

( ابوهريره - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «هرکس، روزانه صد بار «لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير» بگوید، به او به اندازه آزاد ساختن ده برده، ثواب مي رسد. و همچنين صد نيكي براييش نوشته مي شود و صد گناه از گناهانش، پاک مي گردد و آنروز تا شب از شيطان، حفاظت مي شود. و هيچ کس (در روز قيامت) عملي بهتر از آن نمي آورد مگر فردي که عمل بيشتري انجام دهد. يعني همين کلمه را بيشتري بگويد و يا به طور کلي، اعمال بيشتري انجام داده باشد.)

۲- از موارد ديگري که اهميت و ارزش تجارت معنوی را آشکار می سازد اين است که اجر و ثمره تجارت معنوی حد و اندازه ندارد، چنانچه الله متعال می فرمايد: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

(مثال کسانی که مالهایشان را در راه خدا صرف می کنند مثل دانه ایست که هفت خوشه مي رویاند و در هر خوشه صد دانه است و خداوند براي هرکس که بخواهد (آن را) چندین برابر مي نماید و خداوند گشایشگر داناست.)

این تحریک و تشویق بزرگي است از جانب خدا براي بندگان، تا مالهایشان را در راه او صرف

اصحیح البخاری، شماره حدیث: ۶۴۰۳  
آسوره بقره آیه ۲۶۱

نمایند، و اینکه صرف کردن اموال، راه رسیدن به خداست. و این شامل صرف اموال برای پیشرفت علوم مفید، و کسب آمادگی برای جهاد، مجهز کردن مجاهدین، و تمام پروژه و طرح های خیریه ای است که برای مسلمین مفیداند. و انفاق کردن بر نیازمندان و فقرا و بینوایان در راه خدا هر دو کار انجام می شود، زیرا چنین انفاقی هم باعث رفع نیازمندیها می گردد و هم باعث انجام امر خیر و طاعت پروردگار، پس پاداش اینگونه نفقات هفتصد برابر و یا بیشتر از آن است. بنابراین فرمود: «يُضَاعَفُ لِمَنْ يَشَاءُ» و این برحسب ایمان و اخلاص کاملی است که در قلب انفاق کننده و در ثمرات و فواید انفاق او قرار دارد، زیرا انفاق در بعضی از راههای خیر منافع و مصالح گوناگونی را در پی دارند، و پاداش از نوع عمل خواهد بود.<sup>۱</sup>

امام قرطبی در تفسیر «الجامع لأحكام القرآن» می نویسد: **اختلف العلماء في معنى قوله « والله يضاعف لمن يشاء» فقالت طائفة: هي مؤكدة لما تقدم من ذكر السبعمائة، وليس ثم تضعيف فوق السبعمائة، وقالت طائفة من العلماء: بل هو إعلام بأن الله تعالى يضاعف لمن يشاء أكثر من سبعمائة ضعف.. وهذا القول أصح»<sup>۲</sup>**

(علما در مورد معنای مضاعف شدن اجر برای کسی که خداوند بخواهد اختلاف کرده اند: برخی گفته اند که این تاکید کننده همان ذکر هفتصد برابر است و بالا تر از هفتصد برابر دیگر تضعیف نیست و گروهی دیگر از علما می گویند که این اعلان از جانب الله متعال بر مضاعف شدن اجر به انداز بیشتر از هفتصد چند است و این قول صحیح تر است.)

همچنان روزه که نوعی از تجارت معنوی است در مورد ثواب و پاداش آن چنین روایت شده است: **وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ يُضَاعَفُ الْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ: يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِي. لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرِحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ، فَرِحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ. وَلِخُلُوفٍ فِيهِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ»<sup>۳</sup>**

(از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - فرمودند:

<sup>۱</sup>سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۰م، بیروت. ج ۱ ص ۳۸۸

<sup>۲</sup>قرطبی، الجامع لأحكام القرآن ج ۳ ص ۲۸۷  
<sup>۳</sup>صحیح مسلم، شماره حدیث: ۱۱۵۱

هر عمل فرزندان آدم، چند برابر می شود، نیکی به ده برابرش تا هفتصد برابرش. الله تعالی فرمود: مگر روزه که همانا از برای من است و من بدان پاداش می دهم، شهوت و طعام خود را به دستور من می گذارد و برای روزه دار دو شادی است: یک شادی در وقت افطارش و یک شادی در وقت ملاقات با پروردگارش و بوی دهن روزه دار در نزد خدای متعال از بوی مشک بهتر است.

تجارت معنوی سبب سعادت دایمی انسان می شود چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ \* تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۰﴾

(ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را بر تجارتي رهنمون شوم که شما را از عذاب دردناک نجات می دهد؟ به خداوند و پیغمبرش ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان هایتان جهاد کنید، اگر بدانید این برایتان بهتر است.)

## مبحث دوم: انواع تجارت معنوی در قرآن

تجارت معنوی در قرآن کریم به دو شکل آمده است: اول تجارت معنوی مفید و سود مند که در مورد اهمیت و فواید آن در مطلب گذشته بحث شد و دوم تجارت زیانبار و غیر مفید مانند: انتخاب کفر و ضلالت در برابر هدایت که در مورد آن ها طی دو مطلب بحث می شود.

### مطلب اول: تجارت سودمند و مفید

مراد از تجارت سودمند انجام تمام اعمال و عباداتی است که سبب رضای خداوند می شود و ثواب و پاداش آن را انسان از نزد الله متعال دریافت می کند، قسمی که خداوند متعال فرموده است: ﴿ إِنَّ

الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورًا

(بی گمان کسانی که کتاب خداوند را می خوانند و نماز را برپای می دارند و از چیزهایی که بدیشان داده ایم در پنهان و آشکار می بخشند، امید به تجارتي دارند که هرگز کاستی نمی پذیرد.)

یعنی آنها با این کار به تجارتي چشم دوخته اند که هرگز کساد نمی شود و از میان نمی رود، بلکه تجارتي است که بزرگ ترین و بالاترین و برترین تجارت است و آن خشنود شدن پروردگارشان از آنها و رسیدن به پاداش فراوان الهی و نجات یافتن از عذاب و کیفر اوست. یعنی آنها اعمال خود را خالصانه برای خدا انجام می دهند و از انجام دادن آن، اهداف بد و نیت فاسدی ندارند.

ابن عاشور - رحمه الله- در ذیل آیه مذکور می نویسد: «التجارة هنا مستعارة لأعمالهم من تلاوة وصلاة وإنفاق، ووجه التشبه مشابهة ترتب الثواب على أعمالهم بترتب الربح على التجارة والمعنى: ليرجوا أن تكون أعمالهم كتجارة رابحة»<sup>۲</sup>

( تجارت اینجا به اعمال آنان از قبیل تلاوت، نماز و انفاق بر سبیل استعاره اطلاق شده است، و وجه تشبیه در اینجا مرتب شدن ثواب بر اعمال آنان و همانند مرتب شدن فایده بر تجارت است و معنای این تجارت این است که امید می رود اعمال آنان مانند یک تجارت سودمندی باشد.)

<sup>۱</sup>سوره فاطر آیه ۲۹

<sup>۲</sup>سعدی، تیسیر الکریم الرحمن ج ۹ ص ۳۴۳

<sup>۳</sup>ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور، التحرير و التتوير، دار سنون للنشر والتوزيع - تونس - ۱۹۹۷ م ج ۱ ص ۴۷۹

پس معلوم می شود که انجام اعمال نیک که رضایت خداوند متعال را در پی دارد تجارت معنوی مفید است به همین خاطر در آیه بعدی اجر چنین اعمال به خداوند موكول شده است، چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿لِيُؤْفِقَهُمْ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾<sup>۱</sup>

(تا خداوند اجرشان را به تمام و کمال بدهد، و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید. چرا که خدا آمرزگار و سپاسگزار است.)

البته در تجارت معنوی مفید و سودمند کیفیت عمل مدار اعتبار است و هر قدر که انجام چنین تجارت از کیفیت بالا برخوردار باشد ثوابش نیز مضاعف است چنانچه سید قطب در ذیل تفسیر آیه فوق می نویسد: «وتلاوة كتاب الله تعني شيئاً آخر غير المرور بكلماته بصوت أو بغير صوت. تعني تلاوته عن تدبر، ينتهي إلى إدراك وتأثر، وإلى عمل بعد ذلك وسلوك. ومن ثم يتبعها بإقامة الصلاة، وبالإنفاق سرا وعلانية من رزق الله»<sup>۲</sup>

(منظور از تلاوت کتاب خداوند چیزی جدای از مرور و زمزمه کلمات آن با خواندن صدا و بدون صدا است، مراد تلاوت با تدبیر و تفکری است که به درک و تأثیری منتهی شود و بعد از آن تلاوت به کردار و رفتار و روش منجر میگردد و از همین رو بر پا داری نماز و انفاق از رزق الهی در پنهان و آشکار را در پی دارد.)

همچنان زحیلی<sup>۳</sup> -رحمه الله- در تفسیر منیر به این مطلب اشاره نموده و می نویسد: «أي إن الذين يواظبون على تلاوة القرآن الكريم ويعملون بما فيه من فرائض، كإقام الصلاة المفروضة في أوقاتها، مع كمال أركانها وشرائطها والخشوع فيها، والإنفاق مما أعطاهم الله تعالى من فضله ليلا ونهارا، سرا وعلانية، هؤلاء يطلبون ثوابا من الله على طاعتهم»<sup>۴</sup>

(یعنی کسانی که بر تلاوت قرآن کریم مواظبت می کنند و به آنچه در آن فرض گردانیده شده عمل می کنند مانند: نماز فرض در اوقات معینه و با کامل کردن ارکان، شرایط و خشوع در آن و همچنان

<sup>۱</sup>سوره فاطر آیه ۳۰

<sup>۲</sup>سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۵ ص ۲۹۴۳

<sup>۳</sup>- وهبة بن مصطفى زحيلي، فقيه و دانشمند بزرگ جهان اسلام بود، او در سال (۱۹۳۲ میلادی) در دیر عطیه در نزدیک شهر دمشق متولد و در ماه اگست سال ۲۰۱۵ میلادی در شهر دمشق وفات یافت، از دکتور زحیلی تألیفات و آثار گرانبهای زیادی بجا مانده است از قبیل: الفقه الإسلامی و أدلته، اصول الفقه الإسلامی، التفسیر الوجیز، جهود تقنین الفقه الإسلامی، الوجیز فی أصول الفقه. <http://www.nedayesunnat.com>

<sup>۴</sup>زحیلی، التفسیر المنیر ج ۲۲ ص ۲۶۱

انفاق از چیز هایی که خداوند از فضل خود به آنان داده است در هنگام شب و روز، آشکارا و پنهانی به خرج می رسانند، آنان ثواب این چنین اعمال را از خداوند طلبگار می باشند.)

### مطلب دوم: تجارت خساره مند و زیان آور

دومین نوع تجارت معنوی در قرآن تجارتی است که خساره و زیان را در قبال دارد و سود و فایده ای برای انسان نمی داشته باشد، نمونه های این نوع تجارت را می توان کفر، نفاق و هر نوع عمل مخالف با شریعت اسلامی بیان کرد و در صورت عموم آن را به دو بخش تقسیم شده است:

**الف: گرفتن ضلالت به عوض هدایت:** ترک هدایت و انتخاب ضلالت و گمراهی در قرآن کریم تجارت زیان آور عنوان شده است چنانچه الله متعال در این مورد می فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾<sup>۱</sup>

(آنان کسانی اند که هدایت را به گمراهی فروخته اند پس تجارت آنها سودی ندارد و هدایت یافتگان نیستند.)

در این آیه انتخاب ضلالت در عوض هدایت یک نوع تجارت بی سود و بدون فایده عنوان شده است چنانچه ابن کثیر-رحمه الله- در مورد مفهوم آیه فوق می نویسد: « ابن مسعود و تعدادی از اصحاب گفته اند: ضلالت را گرفتند و هدایت را ترک کردند، مجاهد گوید: ابتدا ایمان آوردند و سپس کفر ورزیدند. قتاده گوید: گمراهی را بر هدایت ترجیح دادند. از اقوال مفسران می توان نتیجه گرفت که منافقان از راه هدایت منحرف شده اند و گمراهی را در پیش گرفتند، و گمراهی را با هدایت و حقیقت عوض کردند و معنای: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ﴾ همین است یعنی: (گمراهی را به قیمت هدایت خریداری کردند) و این وصف کسی است که ایمان آورده و سپس کفر ورزیده است. و گمراهان نیز انواع و دسته های مختلفی هستند به همین دلیل خداوند متعال می فرماید: (تجارت شان سودی نکرد و هدایت نیافته اند) یعنی: این معامله یشان هیچ سودی نداشت و با این کارشان راه حق را پیدا نکردند»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>سوره بقره، آیه ۱۶  
<sup>۲</sup>ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱ ص ۱۸۵

در تفسیر تیسیر الکریم الرحمن می نویسد: «کسانی هستند که هدایت را به گمراهی فروخته اند. یعنی به گمراهی متمایل شده اند، همان طور که مشتری و خریدار به جنس مورد نظرش علاقه مند است و اموال با ارزش خود را برای بدست آوردن آن خرج می کند. این مثال، بهترین مثال است، زیرا گمراهی را به جنس مورد معامله، و هدایت را به پول و قیمت آن جنس تشبیه نموده است، پس آنها هدایت را خرج کرده و در برابر آن گمراهی را بدست آورده اند. این است تجارت شوم که بسیار تجارت بدی است، زیرا اگر کسی دیناری را در مقابل درهمی بدهد ضرر می کند، پس چگونه است کسی که گوهری را در مقابل درهمی بفروشد؟ و چگونه خواهد بود کسی که هدایت را خرج کرده و گمراهی را خریداری کند، و شقاوت را بر سعادت برگزیده و به کارهای پست علاقمند شود، و کارهای خوب و عالی را ترک نماید؟! مسلماً تجارت و سوداگری چنین کس سودی نخواهد داشت، بلکه در این کار بزرگترین ضرر را متحمل خواهد شد<sup>۱</sup>

الله متعال چنین خسران و زیان را بدترین زیانکاری می داند و زیان روز آخرت را یک زیان آشکار و هویدا گفته است، قسمی که فرموده است: ﴿إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا

ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾<sup>۲</sup>

( بگو: «همانا خسارتمندان (حقیقی) کسانی هستند که جان و اهل شان را در قیامت از دست داده اند». هان! این است زیان و خسارت آشکار.)

پس به هر صورتی که انسان از راه حق منحرف شود و گمراهی را بر هدایت ترجیح دهد، آن تجارت زیانبار است چنانچه در جای دیگر الله متعال در مورد قوم ثمود می گوید: ﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ

فَأَسْتَجَبُوا أَلَمَىٰ عَلَىٰ الْهُدَىٰ﴾<sup>۳</sup> (ما قوم ثمود را هدایت کردیم اما آنان نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند.)

<sup>۱</sup>سعدی، تیسیر الکریم الرحمن، ج ۱ ص ۲۹  
<sup>۲</sup>سوره زمر آیه ۵  
<sup>۳</sup>سوره فصلت آیه ۱۷

## مبحث سوم: مظاهر تجارت معنوی در روشنی قرآن

تجارت با خداوند که از آن به تجارت معنوی یا مجازی تعبیر می شود از خود مظاهر و نشانه هایی دارد که در واقع این مظاهر و نشانه ها بیانگر این هستند که تجارت جریان دارد و از این طریق تجارت کننده می تواند سود تجارت خود را کسب کند، در این مبحث این مطالب بررسی می شود:

### مطلب اول: ایمان و جهاد

ایمان و جهاد از بزرگ ترین مظاهر و نشانه های تجارت معنوی به شمار می رود و قرآن کریم این نوع تجارت را تجارتي خوانده است که سبب نجات دایمی انسان از عذاب و نیل درجات بلند می شود، چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ \* تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾<sup>۱</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می دهد؟ به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید، این برایتان بهتر است اگر بدانید.)

ابن جریر طبری-رحمه الله- در مورد سبب نزول آیه می گوید: « عن أبي صالح، قال: قالوا: لو كنا نعلم أي الأعمال أحب إلى الله وأفضل، فنزلت: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ) فكرهوا، فنزلت (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ)»<sup>۲</sup>

( از ابو صالح روایت است که می گوید: اصحاب گفتند: اگر بدانیم که کدام اعمال نزد خداوند بهتر و محبوب تر است (تا به آن عمل کنیم) سپس همین آیه نازل شد «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می دهد؟» اما اصحاب آن را زیاد پسند

<sup>۱</sup>سوره صف آیه ۱۰-۱۱

<sup>۲</sup>ابن جریر طبری: محمد بن جریر بن یزید بن غالب. مورخ، مفسر در آمل طبرستان متولد گردیده است و در بغداد وطن گزید و در آنجا دفن گردید است به ایشان قضا پیشهاد شد اما از قبول آن امتناع ورزید مشهورترین کتب آن، دانشمندان او را توصیف و تمجید کرده اند و گفته اند او ثقه است اقوال او مورد تأیید است مؤلفات کثیر دارد که بارزترین آنها تفسیر آن است جامع البیان عن تأویل آی القرآن که مشهور بنین علما به تفسیر الطبری است و او را پدر تفسیر و تاریخ می گویند چون در تاریخ نیز کتب بزرگی دارد که آن را تاریخ الأمم والملوک، نام گذاشته است که چنین شاهکاری را کسی دیگر نکرده است و هم چنان تهذیب الآثار، اختلاف الفقهاء، التبصیر فی معالم الدین صریح السنة از جمله آثار آن اند. (اعلام) -زرکلی ج ۶ ص ۶۹ و (طبقات مفسرین)-داودی- ج ۲ ص ۱۱۰.

<sup>۳</sup>طبری، محمد بن جریر؛ تفسیر طبری؛ ج ۲۳ ص ۳۵۴ تحقیق: ابراهیم، محمد أبو الفضل؛ دارالتراث، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م ابن کثیر -رحمه الله- نیز این حدیث را در (ج ۱۳ ص ۵۴۹) روایت کرده است.



نکردند سپس آیه دیگر نازل شد که خداوند متعال فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اند چرا چیزی را می گویند که نمی کنید.»

در تفسیر ابن ابی حاتم روایت دیگری در مورد شان نزول دو آیه فوق نقل شده است: **عن سعید بن جبیر في قوله : يا ايها الذين امنوا هل ادلكم على تجارة الآية ، قال : لما نزلت قال المسلمون : لو علمنا ما هذه التجارة لاعطينا فيها الاموال والاهلين ، فبين لهم التجارة ، فقال : تؤمنون بالله ورسوله<sup>۱</sup>** ( از سعید بن جبیر در مورد آیه «هل ادلكم على تجارة» نقل شده است که او گفته است: هنگامی که این آیه نازل شد مسلمانان گفتند: اگر بدانیم که این چه تجارتی است؟ اموال و دارایی های خود را برای آن می دهیم، سپس آن تجارت را برایشان بیان فرمود و گفت: به خداوند و رسولش ایمان بیاورید.)

این آیه از بزرگ ترین مصداق های تجارت معنوی است و اهمیت و فضیلت آن را به خوبی نشان می دهد چنانچه امام رازی-رحمه الله- می نویسد: «هي التجارة بين أهل الإيمان وحضرة الله تعالى والتجارة عبارة عن معاوضة الشيء بالشيء ، وكما أن التجارة تنجي التاجر من محنة الفقر، فكذلك هذه التجارة وهي التصديق بالجنان والإقرار باللسان، وكما أن التجارة في الربح والخسران ، فكذلك في هذا ، فإن من آمن وعمل صالحا فله الأجر ، والربح الوافر، واليسار المبين، ومن أعرض عن العمل الصالح فله التحسر والخسران المبين»<sup>۲</sup>

( این تجارت در میان اهل ایمان حضور الله متعال است و تجارت عبارت از معاوضه یک چیز در برابر چیز دیگر است و قسمی که تجارت، تاجر را از محنت فقر نجات می دهد، تجارت با خداوند نیز که عبارت از تصدیق به قلب و اقرار به زبان است انسان را نجات می دهد، و قسمی که تجارت در فایده و نقصان است، این تجارت نیز چنان است زیرا کسی که ایمان بیاورد و عمل صالح کند برایش اجر ، فایده بزرگ و آسایش آشکار است و کسی که از عمل صالح اعراض کند برایش افسوس و زیان آشکار است.)

از نظر قرآن کریم باید تجارت با خدا و جهاد در راه او از همه چیز مقدم باشد چنانچه فرموده است:

﴿ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا

<sup>۱</sup> رازی، أبو محمد عبد الرحمن بن أبي حاتم الرازي، تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱۰ ص ۳۳۵۴ ، شماره: ۱۸۸۸۷، المكتبة العصرية - صيدا  
<sup>۲</sup> رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۹ ص ۵۳۱

وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١﴾

(بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما، و مالهایی که آن را با کوشش (فراوان) به دست آورده اید، و تجارتي که از بی رونقي و بي بازاری آن مي ترسيدید، و خانه هايي که آن را مي پسندید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد کردن در راه او محبوب تر است، پس در انتظار باشید که خداوند کار خود را مي کند، و خداوند نافرمانان را هدايت نمي نمايد. )

آیه شریفه بزرگترین دلیل بر وجوب مقدم داشتن محبت خدا و پیامبرش بر محبت هر چیز دیگری است، و دلیلی است بر اینکه این وعید شدید متوجه کسی خواهد بود که یکی از امور مذکور به نزد خدا و پیامبرش و جهاد کردن باشد. و نشانه ي محبوبیت هریک از این امور ذکر شده این است که هرگاه دو امر بر وي عرضه شدند، که یکی از آن دو را خدا و رسولش دوست مي داشت، و هوای نفس او در آن نبود، و دیگری را خودش دوست داشت و به آن علاقمند بود و انجام دادن آن منجر به از دست رفتن چیزی مي شد که خدا و پیامبرش آن را دوست داشتند، و یا آن را ناقص مي گرداند، پس در این حالت اگر آنچه را که خود دوست مي دارد بر آنچه که خدا و رسولش دوست مي دارند مقدم داشت، این بیانگر آن است که او ستمگر مي باشد و آنچه را که بر او واجب است ترک نموده است.<sup>۲</sup>

### مطلب دوم قتال فی سبیل الله

جنگ و غزا در راه خداوند نیز از مظاهر و نشانه های اساسی تجارت معنوی می باشد چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا ببيِعْتِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٣﴾

(همانا خداوند از مؤمنان جانهایشان و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده است.)

<sup>۱</sup>سوره توبه آیه ۲۴

<sup>۲</sup>اسعدی، تیسیر الکریم الرحمن ج ۴ ص ۱۷

<sup>۳</sup>سوره توبه آیه ۱۱۱

در راه خدا پیکار می کنند، پس می کشند و کشته می شوند، این وعده ای است که در تورات و انجیل و قرآن بر او (خداوند، مقرر) است، و چه کسی از خدا به وعده خود وفاکننده تر است؟! پس به معامله ای که کرده اید شاد باشید و این همان کامیابی بزرگ است.)

**تفسیر آیه:** خداوند متعال خبری راستین و وعده ای حق را در رابطه با داد و ستدی بزرگ می دهد و آن این است که ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ﴾ ذات بزرگوارش از مومنان جانهایشان و مالهایشان را خریده است، پس جان و مال مومنان مبیعه است «بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ» به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد، بهشتی که هر چند دل بخواهد و چشم از آن لذت ببرد، و شادی ها و خوبی های فراوان و حوریان زیبا و مسکن های زیبا در آن وجود دارد. کیفیت معامله و داد و ستد این گونه است که مومنان مالهایشان را در جهاد با دشمنان خدا و اعلاهی حکم او و آشکار کردن دینش صرف می نمایند و جانهایشان را در این راه فدا می کنند، «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ» در راه خدا جنگ می کنند، پس می کشند و کشته می شوند. پس این معامله تجارتهای و خرید و فروش از جانب خدا با انواع تاکیدهها موکد شده است. «وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ» این وعده ایست که در تورات و انجیل و قرآن آمده است که شریف ترین و بالاترین و کامل ترین کتابها هستند، و کاملترین پیامبران اولوالعزم آنها را آورده اند. و همه اینها بر بیان این وعده راستین متفق اند. «وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ» و چه کسی از خدا به وعده خود وفاکننده تر است؟ پس ای مومنانی که با خدا معامله تجارتهای کرده اید! به معامله خود شاد باشید، و برخی از شما برخی دیگر را مژده دهید و یکدیگر را بر انجام آن تحریک کنید. «وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» و این کامیابی ای بزرگی است، که هیچ کامیابی بزرگتر از آن وجود ندارد، چون ضامن سعادت همیشگی و نعمت جاودانگی و خشنودی خداست، که خشنودی خدا از نعمت های بهشت بسیار بزرگتر است. و اگر می خواهی ارزش معامله را بشناسی بنگر که مشتری چه کسی است؟ مشتری خداوند جل جلاله است، و به مبیعه بنگر که بزرگترین مبیعه است، و آن باغهای بهشت است. و به قیمتی که برای بدست آوردن آن صرف می شود بنگر و آن جان و مال است که برای انسان از همه چیز دوست داشتنی تر است. و این عقد معامله به دست چه کسی اجرا شده است، کسی که این معامله را اجرا کرده است برترین پیامبران است. و بنگر

که در چه دفترهایی نوشته شده است، در کتابهای بزرگ خدا که بر برترین انسانها نازل شده اند، و آن تورات و انجیل و قرآن است.<sup>۱</sup>

این آیه در مورد انصار نازل شده است هنگامی که با رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- غرض دفاع و حمایت از مدینه بیعت می کردند چنانچه زحیلی می نویسد: «نزلت هذه الآية لما بايع الأنصار- وكانوا سبعين رجلا- رسول الله صلى الله عليه وسلم في البيعة الثالثة، وهي بيعة العقبة الكبرى، وكان أصغرهم سنًا عقبه بن عمرو»<sup>۲</sup>

( این آیه زمانی نازل شد که انصار که هفتاد نفر بودند با رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- در سومین بیعت شان (بیعه عقبه کبری) بیعت کردند و در این بیعت کوچک ترین شان از لحاظ عمر عقبه بن عمرو بود.)

دلیل این شان نزول روایت طبری و ابن کثیر-رحمهما الله- است که آن را چنین روایت کرده اند: «عن عبد الله بن رواحة انه قال لرسول الله صلى الله عليه وسلم: اشترط لربك ولنفسك ما شئت، قال: «أشترط لربي أن تعبدوه ولا تشرکوا به شینا، وأشترط لنفسي أن تمنعوني مما تمنعون منه أنفسكم وأموالکم» قالوا: فإذا فعلنا ذلك فما لنا؟ قال: «الجنة» قالوا: ربح البيع، لا نقیل ولا نستقیل، فنزلت»<sup>۳</sup>

(عبدالله پسر رواحه رضي الله عنه در شب عقبه به پیغمبر خدا-صلی الله علیه وآله وسلم- عرض کرد: آنچه برای پروردگارت و برای خودت می خواهی شرط کن و در عهد و پیمان بگنجان. پیغمبر فرمود: برای پروردگارم شرط می کنم که او را پرستش کنید و چیزی را اصلاً شریک او نکنید، و برای خودم شرط می کنم که مرا از چیزی محفوظ و مصون کنید که جان و مال خود را از آن می پائید و نگاهداری می نمائید. گفتند: اگر این کار را بکنیم، به ما چه می رسد و پاداش ما چیست؟ فرمود: بهشت، گفتند: معامله سودمندی است. نه آن را به هم می زنیم و نه درخواست به هم زدن آن را می کنیم.)

این گونه کسانی که با پیغمبر خدا -صلی الله علیه وآله وسلم- این چنین بیعت می کنند و از این بیعت

<sup>۱</sup> سعدی، تیسیر الکریم الرحمن ج ۴ ص ۱۳۲، ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴ ص ۲۱۸، رازی، تفسیر کبیر ج ۱۶ ص ۱۵۰، فی ظلال القرآن ج ۳ ص ۱۷۱۶

<sup>۲</sup> زحیلی، التفسیر المنیر ج ۱۱ ص ۵۲

<sup>۳</sup> طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن ج ۱۴ ص ۴۹۹، شماره حدیث: ۱۷۲۷۰

امیدی جز بهشت ندارند، و این پیمان را استوار می‌بندند و اعلان می‌دارند که آنان نمی‌پذیرند که خودشان از این پیمان برگردند؛ خوب می‌دانند که ایشان بر سر کار ساده و آسانی پیمان نمی‌بندند بلکه یقین و اطمینان داشتند که سر و جان خود را در خطر انداخته‌اند، چون می‌دانستند که عرب‌ها همه به سوی ایشان می‌نگرند و آنان را هدف قرار می‌دهند و آنان از این به بعد نمی‌توانند با جاهلیت در صلح و ساز بسز ببرند و در امن و امان زندگی کنند، جاهلیتی که در جزیره‌العرب و در میان خودشان در مدینه ریشه دوانده است و همه جا را فراگرفته بود.<sup>۱</sup>

پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- به اشکال گوناگون اصحاب کرام را از تحقق این وعده اطمینان می‌داد و همواره آنان را به این تجارت بزرگ تشویق می‌کرد، قسمی که در روایت صحیح آمده است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تَضَمَّنَ اللَّهُ لِمَنْ خَرَجَ فِي سَبِيلِهِ، لَا يُخْرِجُهُ إِلَّا جِهَادًا فِي سَبِيلِي، وَإِيمَانًا بِي وَتَصَدِيقًا بِرُسُلِي فَهُوَ ضَامِنٌ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ، أَوْ أَرْجِعَهُ إِلَى مَنْزِلِهِ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ، أَوْ غَنِيمَةٍ، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا مِنْ كَلِمٍ يُكَلِّمُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ كَلِمٍ، لَوْ نُفِثَ لَوْنُ دَمٍ، وَرِيحُهُ رِيحُ مِسْكِ، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ مَا قَعَدْتُ خِلَافَ سَرِيَّةٍ تَغْرَوُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَبَدًا، وَلَكِنْ لَا أَجِدُ سَعَةً فَأَحْمِلُهُمْ وَلَا يَجِدُونَ سَعَةً، وَيَشْتَقُّ عَلَيْهِمْ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِّي، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَوِدِدْتُ أَنْ أُغْرَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَأُقْتَلَ، ثُمَّ أُغْرَوْ، فَأُقْتَلَ، ثُمَّ أُغْرَوْ، فَأُقْتَلَ»<sup>۲</sup>

(از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: خداوند چنین تضمین نموده برای کسی که در راه او بیرون آید و فرمود او را چیزی جز جهاد در راهم و ایمان به من و تصدیق به فرستادگانم، بیرون نکرده باشد. پس الله ضامن است که او را به بهشت داخل نماید، یا اینکه او را همراه مزد یا غنیمت به منزلی که از آن برآمده باز گرداند، و سوگند به ذاتی که جان محمد -صلی الله علیه وسلم- در دست اوست، هیچ زخمی نیست که در راه خدا بوجود آمده، مگر اینکه در روز قیامت به همان شکلی که در روز زخم خوردن بوده، می‌آید که رنگش رنگ خون و بویش بوی مشک است و سوگند به ذاتی که جان محمد -صلی الله علیه وسلم- در دست اوست، اگر بر مسلمانان دشوار نمی‌نمودم، هرگز از پشت یک سریه که در راه خدا -جل جلاله- جهاد می‌کند، نمی‌نشستم،

<sup>۱</sup>سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۳ ص ۱۷۱۷  
<sup>۲</sup>صحیح البخاری، شماره حدیث: ۳۱۲۳

ولي توانائي نمي بينم که آنها را با خود ببرم و آنها هم اين توانائي را ندارند. و بر آنها گران مي آيد که از من تخلف کنند، و سوگند به ذاتي که جان محمد -صلي الله عليه وسلم- در دست اوست، همانا دوست مي دارم که در راه خدا جهاد کنم و کشته شوم و باز جهاد کنم و کشته شوم و باز جهاد کنم و کشته شوم.)

در آيه بعدی الله متعال اوصاف کسانی را که شايستگي معامله و تجارت با خداوند را دارند بيان شده است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ

بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

(آنان توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاسگزاران، گردندگان، نمازگزاران، دستور دهندگان به کار خوب و باز دارندگان از کار زشت و پاسداران حدود خدا هستند، و مؤمنان را مژده بده.)

ابن کثیر-رحمه الله- می گوید «هذا نعت المؤمنین الذین اشتری الله منهم أنفسهم وأموالهم بهذه الصفات الجميلة والخلال الجلیة»<sup>۲</sup>

( این صفت مومنانی است که خداوند از آنان نفس ها و مال هایشان را با این صفات نیک و عادات پسندیده خریده است.)

در تیسیر الکریم الرحمن راجع به تفسیر این آیه چنین نوشته است: «پرسشي که در اینجا به نظر مي رسد این است که خداوند چه مومنانی را به وارد شدن به بهشت و بدست آوردن خوبی ها مژده داده است؟ پس اوصاف آنان را چنین بیان کرد که آنان همواره و در همه اوقات از تمام گناهانشان توبه مي کنند و اطاعت خداوند را از قبیل ادای واجبات و مستحبات در هر وقتی انجام مي دهند، همچنان آنان سپاسگزاران می باشند که خدا را در خوشي و ناخوشي و توانگري و تنگدستي سپاس مي گویند، و به نعمت هاي ظاهري و باطني که خداوند به آنان ارزاني نموده است اعتراف مي نمایند، و با ذکر و یاد خدا در صبحگاهان و شامگاهان او را ستایش مي کنند. و صفت دیگر آنان سیاحت است که هم به روزه تفسیر شده است و هم به معنی سیاحت و گردش برای طلب علم و به سیاحت و گردش قلب در دریای

<sup>۱</sup>سوره توبه آیه ۱۱۲  
<sup>۲</sup>ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴ ص ۲۱۹

شناخت خدا و محبت او و انابت و بازگشتن نیز تفسیر شده است. و صحیح این است که سیاحت به معنای سفر به قصد انجام عبادت است، مانند سفر برای حج و عمره و جهاد، و طلب علم و برقرار داشتن پیوند خویشاوندی و امثال آن. همچنان صفات دیگر شان این است که بسیار نماز می خوانند، نمازی که مشتمل بر رکوع و سجود است و امرکنندگان به کار خوب می باشند و از چیزهایی که خدا و پیامبرش از آن نهی کرده اند، منع می کنند و نیز پاسداران حدود خداوند می باشند و آنها با یاد دادن آنچه که خدا بر پیامبرش نازل کرده است، و آنچه که در حیطة ی اوامر و نواهی و احکام داخل می باشد، و آنچه که در این حیطة داخل نیست از حیث انجام دادن و ترک نمودن پایبند هستند. پس این مژده به هر مومنی خواهد رسید و آن را به دست خواهد آورد، ولی اندازه و کیفیت آن برحسب حالت مومنان و ضعف و قوت ایمانشان و میزان عمل آنها به مقتضای آن است.<sup>۱</sup>

### مطلب سوم: اقامه نماز و تلاوت قرآن

تلاوت قرآن کریم و اقامه نماز نیز از جمله مظاهر عمده و اساسی تجارت معنوی به شمار رفته است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ﴾<sup>۲</sup>

(بی گمان کسانی که کتاب خداوند را می خوانند و نماز را برپای می دارند و از چیزهایی که بدیشان داده ایم در پنهان و آشکار می بخشند، امید به تجارتي دارند که هرگز کاستی نمی پذیرد.)

در مورد تفسیر آیه فوق در تفسیر «تیسیر الکریم الرحمن» و تفسیر منیر چنین می نویسد: «بی گمان کسانی که از دستورات کتاب خدا پیروی می کنند و از آنچه که خدا از آن نهی کرده دوری می ورزند، و اخبار آن را تصدیق می نمایند و گفته های مخالف با کتاب خدا را بر آن مقدم نمی دارند و نیز کلمات آن را تلاوت می کنند و معانی و مفاهیم آن را مورد بررسی و مطالعه قرار می دهند. سپس بعد از تلاوت قرآن، نماز را ذکر کرد که ستون دین و نور مسلمانها و میزان ایمان و علامت اسلام راستین است. و دادن زکات و کفاره ها و نذرها و صدقات را به خویشاوندان و بینوایان و یتیمان بیان کرد، در همه ی اوقات انفاق می کنند، آنها با این کار به تجارتي چشم دوخته اند که هرگز کساد نمی

ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴ ص ۲۲۳، سعیدی، تیسیر الکریم الرحمن ج ۴ ص ۱۳۴، رازی، تفسیر کبیر ج ۱۶ ص ۱۵۵، فی ظلال القرآن ج ۳ ص ۱۷۲۲  
آسوره فاطر آیه ۲۹

شود و از میان نمی رود، بلکه تجارتي است که بزرگ ترین و بالاترین و برترین تجارت است و آن خشنود شدن پروردگارشان از آنها و رسیدن به پادش فراوان الهی و نجات یافتن از عذاب و کیفر اوست. یعنی آنها اعمال خود را خالصانه برای خدا انجام می دهند و از انجام دادن آن، اهداف بد و نیت فاسدی ندارند.<sup>۱</sup>

منظور از تلاوت قرآن کریم که آن تجارت با رونق خوانده شده است تلاوت با تدبیر، فهم و عمل است چنانچه سید قطب در ذیل تفسیر آیه فوق می نویسد: «وتلاوة كتاب الله تعني شيئا آخر غير المرور بكلماته بصوت أو بغير صوت. تعني تلاوته عن تدبر، ينتهي إلى إدراك وتأثر، وإلى عمل بعد ذلك وسلوك. ومن ثم يتبعها بإقامة الصلاة، وبالإلفاق سرا وعلانية من رزق الله»<sup>۲</sup>

(منظور از تلاوت کتاب خداوند چیزی جدای از مرور و زمزمه کلمات آن با خواندن صدا و بدون صدا است، مراد تلاوت با تدبیر و تفکری است که به درک و وتأثیری منتهی شود و بعد از آن تلاوت به کردار و رفتار و روش منجر میگردد و از همین رو بر پا داری نماز و انفاق از رزق الهی در پنهان و اشکار را در پی دارد.)

در احایث نیز تلاوت قرآن کریم تجارت غیر کاسد عنوان شده است که در روز قیامت از فواید آن شخص تجارت کننده یعنی تلاوت کننده و عمل کننده بهره مند می شود، چنانچه امام احمد آدر مسند خود این حدیث را روایت کرده است: «عن عبد الله بن بريدة، عن أبيه، قال: كنت جالسا عند النبي صلى الله عليه وسلم فسمعتة يقول: " تعلموا سورة البقرة، فإن أخذها بركة، وتركها حسرة، ولا تستطيعها البطلة. قال: ثم سكت ساعة، ثم قال: " تعلموا سورة البقرة، وآل عمران، فإنهما الزهراوان، يُظلان صاحبهما يوم القيامة، كأنهما غمامتان أو غيايتان، أو فرقان من طير صواف، وإن القرآن يلقي صاحبه يوم القيامة حين ينشق عنه قبره كالرجل الشاحب، فيقول له: هل تعرفني؟ فيقول: ما أعرفك. فيقول: أنا صاحبك القرآن الذي أظمأتك في الهواجر، وأسهرت ليلك، وإن كل تاجر من وراء تجارته،

<sup>۱</sup> اسعدی، تیسیر الکریم الرحمن ج ۹ ص ۳۴۳ زحیلی، التفسیر المنیر ج ۲۲ ص ۲۶۳

<sup>۲</sup> سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۵ ص ۲۹۴۳

<sup>۳</sup> امام احمد بن حنبل - رحمه الله - ابو عبدالله احمد بن محمد بن هلال شیبانی مروزی بغدادی در سال ۱۶۴ هجری در بغداد متولد شد و در سال ۲۴۱ زندگی را بدرود گفت. وی از اصحاب حدیث نیز می باشد و امامان مسلم و بخاری، از او روایت کرده اند. امام احمد در حدیث و فقه امام بوده است و حافظه قوی و درایت کامل داشت. احمد بن محمد الخلال فقه ابن حنبل را جمع آوری و منتشر کرد، ر.ج. الجوزی، أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی، مناقب الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر، سنة النشر: ۱۴۰۹، الرياض، ص ۱۶.



وإنك اليوم من وراء كل تجارة. فيعطى الملك بيمينه والخلد بشماله، ويوضع على رأسه تاج الوقار، ويكسى والداه حلتين، لا يقوم لهما (٨) أهل الدنيا، فيقولان: بم كسينا هذا؟ فيقال: بأخذ ولدكما القرآن، ثم يقال: اقرأ واصعد في درج الجنة وغرفها، فهو في صعود ما دام يقرأ»<sup>١</sup>

( عبدالله بن بریده از پدر خود روایت می کند که او گفته است: من در نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم- نشسته بودم، از او شنیدم که گفت: سوره بقره را بیاموزید زیرا اخذ آن برکت و ترک آن حسرت و ندامت است و این کار را ساحران و جادوگران نمی توانند تحمل کنند، راوی می گوید: سپس لحظه ای سکوت کرد و باز گفت: سوره بقره و آل عمران را بیاموزید چون این دو سوره زهراوین (روشنگران) می باشند که صاحبانش را در روز قیامت به مانند ابر یا گروه های از پرنده های صف کشیده سایه می کنند، و بدون شک قرآن کریم به صاحب خود در روز قیامت هنگامی که از قبر می خیزد مانند یک مرد زیبا ملاقی می شود و برای او می گوید: آیا مرا می شناسی؟ او می گوید: من تو را نمی شناسم، می گوید: من همنیشن و رفیق تو قرآنی استم که در گرمی ها تو را تشنه می نمودم و شب های تو را بی خواب می ساختم و هر تجارت پیشه از دنبال تجارت خود است و امروز تو هم به دنبال همه تجارت خود هستی، سپس برای چنین مردی ملک و شاهی به دست راستش داده می شود و خلود و همیشگی به دست چپش و بر سر او تاج عزت و وقار گذاشته می شود و پدر و مادر صاحب قرآن را تاجی پوشانیده می شود که اهل دنیا به آن رسیدگی کرده نمی توانند، آنان می گویند: به سبب چی ما را چنین چیزی پوشانیدند؟ گفته می شود به سبب عمل کردن فرزند شما به قرآن. سپس گفته می شود بخوان و بالا برو در درجه های جنت و غرفه های آن، او همواره در حال بالا رفتن است تا زمانی که می خواند.)

### مطلب چهارم: انفاق فی سبیل الله

انفاق و خرج کردن مال و دارایی در راه خداوند متعال نیز به تعبیر قرآن کریم از اموری است که تجارت با خدا یا تجارت معنوی شمرده می شود و کسی که چنین تجارتی را انجام می دهد نه تنها از عذاب دوزخ رهایی می یابد بلکه این فرصت برای او فراهم می شود که از عفو و گذشت و مغفرت و رحمت خداوند بهره مند گردد و بهشت رضوان را در آخرت از آن خود می کند. چنانکه در سوره فاطر

<sup>١</sup> ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن حنبل، مسند احمد، مؤسسة الرسالة، طبع: ۲، ۱۴۲۰ هـ، ۱۹۹۹ م، بیروت، لبنان. ج ۵ ص ۳۴۸ (حکم حدیث: ابن کثیر گفته است: «و هذا إسناد حسن على شرط مسلم» یعنی اسناد این حدیث حسن است و با شرط مسلم موافق است. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱ ص ۱۵۲

از انفاق مال در راه خدا به عنوان تجارتي کسادناپذیر یاد می‌کند که هرگز زیانی در آن راه نمی‌یابد و بازار آن کساد نمی‌شود: چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا

مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾<sup>۱</sup>

(بی‌گمان کسانی که کتاب خداوند را می‌خوانند و نماز را برپای می‌دارند و از چیزهایی که بدیشان داده ایم در پنهان و آشکار می‌بخشند، امید به تجارتي دارند که هرگز کاستی نمی‌پذیرد.)

در آیاتی دیگر قرآن کریم نیز با کنایه و تعبیر لطیف انفاق در راه خداوند به این تعبیر شده است که گویا شخص انفاق کننده مالش را به خداوند قرض می‌دهد و سپس آن را چندین برابر دریافت می‌کند خدا یاد می‌کند و بیان می‌دارد که اگر شما به مستحق انفاق مالی کنید و در راه خدا پولی را به مصرف می‌رسانید در حقیقت این مال در دستان خدا قرار گرفته است و این خداوند است که آن را دریافت و به بنده خود می‌دهد. چنانچه می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ

يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾<sup>۲</sup>

(کیست که به خدا قرض نیکویی دهد تا آن را برای او چندین برابر کند؟ و خداوند (روزی بندگان را) محدود و گسترده می‌سازد و به سویی او بازگردانده می‌شود.)

همچنان خداوند متعال از تسلیم شدن صدقات به دستان بلاکف خود یاد نموده و می‌فرماید: ﴿أَلَمْ

يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۳</sup>

(آیا ندانسته اند که تنها خداوند است توبه را از بندگان می‌پذیرد، و زکات و صدقه را قبول می‌کند، و خداوند توبه‌پذیر و مهربان است؟)

بنابراین در بینش قرآن و آموزه‌های وحیانی، انفاق در راه خدا از مصادیق تجارت با خدا دانسته

<sup>۱</sup>سوره فاطر آیه ۲۹

<sup>۲</sup>سوره بقره آیه ۲۴۵

<sup>۳</sup>سوره توبه آیه ۱۰۴

شده که در آن فروشنده نه تنها زیانی نمی‌کند بلکه سود بسیار کرده و همواره تجارت و بازارش گرم خواهد بود و کسادی در این بازار و تجارت راه ندارد، زیرا از نظر قرآن خداوند خودش این کمبود مادی را که از طریق انفاق ایجاد می‌شود به گونه‌ای دیگر در همین دنیا جبران می‌کند و در مالش برکت می‌دهد، از این رو به کسانی که انفاق می‌کنند یادآور می‌شود از این که مالی از دستشان می‌رود غمگین نشوند، چنانچه فرموده است: ﴿قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾<sup>۱</sup>

(بگو: پروردگرم روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد فراخ و یا تنگ می‌گرداند، و هر چه را (در راه خدا) ببخشید و صرف کنید، خدا جای آن را پر می‌کند، و او بهترین روزی دهندگان است.)

و نه تنها این کمبود را خداوند متعال جبران می‌کند بلکه هر آنچه انسان در این راستا خرج می‌کند برای خودش انجام می‌دهد و اجر پوره و کامل نیز برایش داده می‌شود چنانچه فرموده است: ﴿وَمَا

تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا نُنْفِسِكُمْ وَمَا تَنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>

(و هر آنچه انفاق کنید برای خودتان است. و انفاق نمی‌کنید مگر برای طلب رضای خدا، و هر چیز خوب و نیکی که انفاق کنید به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستمی نمی‌شود.)

پس در بینش قرآن و آموزه‌های وحیانی، انفاق در راه خدا از مصادیق تجارت با خدا دانسته شده که در آن فروشنده نه تنها زیانی نمی‌کند بلکه سود بسیار کرده و همواره تجارت و بازارش گرم خواهد بود و کسادی در این بازار و تجارت راه ندارد، البته انفاق گاهی مادی است مانند ساختن راه‌ها، شفاخانه‌ها، مدارس، پل‌ها، مساجد و غیره کارهای عام المنفعه که ثمره و فایده آن را همه افراد جامعه می‌برند؛ و گاهی معنوی می‌باشد که شامل آموزش دانش و تربیت و تعلیم و مانند آن می‌شود.<sup>۳</sup>

انفاق و خرج کردن اموال در راه خداوند تجارت نیکو و پر سود با خداوند است که آثار مهمی در

<sup>۱</sup>سوره سبأ آیه ۳۹

<sup>۲</sup>سوره بقره آیه ۲۷۴

<sup>۳</sup>آقرطبی، الجامع لاحکام القرآن ج ۱ ص ۱۲۶

دنیا و آخرت برای فرد و اجتماع به همراه خواهد داشت، قرآنیکی از آثار مهم اجتماعی ایننوع تجارت (انفاق) را ایجاد و گسترش امنیت در جامعه و به وجود آمدن سلامت اجتماعی آن می‌داند و اگر انفاق در راه خداوند صورت نپذیرد جامعه دچار مشکلات فراوان می‌شود که نتیجه آن هلاکت است، چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

(و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست‌هایتان به هلاکت نیاندازید، و نیکی کنید همانا خداوند نیکوکاران را دوست دارد.)

### مطلب پنجم: قرض حسنه

در قرآن کریم به الفاظ گوناگون به انفاق در راه خداوند تشویق شده است و از آن میان تعبیر قرض حسنه است یعنی خداوند متعال آنچه را که ما در راه او به مصرف می‌رسانیم قرض حسنه عنوان کرده است و این از مظاهر تجارت با خداوند است چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

( کیست که به خدا قرض نیکویی دهد تا خداوند آن را برایش چند برابر کند و برای او پاداش گرامی است.)

این از لطف خداوندی است که چنین بذل و بخششی را قرض نامیده است حال آن که مال و دارایی همه از آن او است و همه بنده او هستند. و وعده داده که آن را چندین برابر می‌گرداند و او بزرگوار و بخشنده است.

در آیات دیگری نیز به قرض حسنه تشویق شده است:

<sup>۱</sup>سوره بقره آیه ۱۹۵  
<sup>۲</sup>سوره حدید آیه ۱۱

۱- ﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

(اگر به خداوند قرض حسنه اي بدهيد ، آن را براي تان چندين برابر مي سازد ، و شما را مي آمرزد . خداوند سپاسگزار و بردبار است ) ( و او از بندگان به وسيله دادن پادشاهي عظيم تشکر مي نمايد ، و در پرتو بردباري خود ، در عقوبت بندگان تعجيل نمي فرمايد، و بلکه گناهانشان را مي بخشايد.)

۲- ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيَضَاعِفْهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾<sup>۲</sup>

(کيست که به خدا قرض نيکوني دهد تا آن را براي او چندين برابر کند ؟ و خداوند (روزي بندگان را) محدود و گسترده مي سازد و به سوي او بازگردانده مي شويد.)

۳- ﴿وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا

حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ

۳

ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿

(و بي گمان خداوند از بني اسراييل پيمان گرفت و دوازده سردار براي آنان تعيين کرد، و خداوند فرمود: من با شما هستم، اگر نماز را برپا داريد، و زکات را بپردازيد، و به پيامبران من ايمان بياوريد، و آنان را ياري کنيد، و به خداوند قرضي نيکو دهيد، از گناهانتان درمي گذرم و شما را وارد باغهايي (در بهشت) مي کنم که رودها از زير آن روان است، پس هرکس از شما بعد از اين کفر بورزد به راستي که راه راست را گم کرده است.)

۴- ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ

خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>سوره تغابن آيه ۱۷

<sup>۲</sup>سوره بقره آيه ۲۴۵

<sup>۳</sup>سوره مائده آيه ۱۲

<sup>۴</sup>سوره مزمل آيه ۲۰

(و نماز را برپای دارید و زکات را بپردازید و به خداوند قرض الحسنه بدهید. و کارهای نیکی را که برای خودتان پیش می فرستید آن را نزد خداوند بهتر و با پاداش بیشتری خواهید یافت. و از خداوند آمرزش بخواهید که خداوند آمرزگار مهربان است.)

سید قطب در مورد علت مضاعف شدن اجر قرض حسنه چنین می نویسد: قطعاً صدقه دهندگان و انفاق کنندگان مرد و زن ، بر گیرندگان صدقه و دریافت کنندگان انفاق تفاخر نمی کنند و برتری نمی فروشند، و در صدقه و انفاقی که می دهند و در کارهای خوب و نیکی که می کنند، با مردمان معامله نمی نمایند. بلکه آنان به خدا قرض می دهند، و مستقیماً با خدا معامله می نمایند. چه انگیزه ای برای صدقه دادن موثرتر و ژرف تر از این است که انسان احساس کند به خداوند بی نیاز و ستوده قرض می دهد، و با صاحب جهان هستی معامله می کند؟ و چیزی را که می بخشند و خرج می کند برایش چندین برابر ذخیره و اندوخته می شود، و گذشته از همه اینها پاداش بزرگو ارزشمندی دارد.<sup>۱</sup>

#### مطلب ششم: فروختن نفس به خاطر رضای الله

از مظاهر و نشانه های تجارت با خداوند قرار دادن نفس در مواردی است که رضای خداوند در آن نهفته است چنانچه الله متعال در ستایش از کسانی که نفس هایشان را در معرض خوشنودی خداوند قرار می دهند چنین می گوید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾<sup>۲</sup>

(و دسته ای از مردم هستند که جان خود را در طلب رضای خدا می فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.)

سید قطب در ذیل تفسیر این آیه چنین می نویسد: «ویشری هنا معناها یبیع. فهو یبیع نفسه كلها لله ویسلمها كلها لا یستبقي منها بقية ، ولا یرجو من وراء أدائها وبيعها غاية إلا مرضاة الله. لیس له فيها شیء ، و لیس له من ورائها شیء. بیعة كاملة لا تردد فیها ولا تلفت ولا تحصیل ثمن ، ولا استبقاء بقية لغير الله .. والتعبیر یحتمل معنی آخر یؤدی إلى نفس الغایة یحتمل أن یشتری نفسه بكل أعراض الحیاة الدنيا ، لیعتقها ویقدمها خالصة لله ، لا یتعلق بها حق آخر إلا حق مولاه. فهو یضحی کل أعراض

<sup>۱</sup>سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص: ۳۴۹۰  
<sup>۲</sup>سوره بقره آیه ۲۰۷

## الحياة الدنيا ويخلص بنفسه مجردة لله<sup>۱</sup>

(( شراء )) در اینجا به معنای بیع است، چه او نفس خود را بدون کم و کاست به خدا می فروشد. همه آن را تسلیم می دارد و چیزی از آن باقی نمی گذارد و پس از پرداخت و فروش آن، هدف و مقصودی جز رضایت الله چیزی امید ندارد. نه در آن چیزی دارد و حقی برای خود می شناسد، و نه در پشت آن چیزی دارد و حقی برای خود قائل است. این معامله کاملی است که در آن تردد و دودلی و پیچ تاو وجود ندارد در آن هدف به دست آوردن پول نیست، و چیزی از آن برای غیر خدا نمی ماند و جملگی به او تعلق دارد. ممکن است برداشت معنای دیگری را نیز داشته باشد، اگر چه هدف یکی است می توان گفت که او نفس خود را با پرداخت تمام اجناس زندگی جهان خریداری می کند، تا آن را آزاد کند و بر طبق اخلاص نهد و خالصانه به خدا تقدیم دارد، حق دیگری جز حق مولایش به آن تعلق ندارد. چه او همه زندگانی دنیا را قربانی و فدا می کند و نفس خود را رها می سازد و آن را خالصانه خدا می سپارد و به پرستش او مشغول می دارد.

ابن کثیر-رحمه الله- در تفسیر خود به نقل از ابن عباس، انس، سعید پسر مسیب، ابو عثمان نهدی، عکرمه، و گروه دیگری گفته اند: این آیه درباره صهیب رومی نازل شده است و آن اینکه وقتی در مکه صهیب رومی مسلمان شد و خواست هجرت کند، مردم مانع از آن شدند که دارائی خویش را با خود ببرد. بلکه گفتند اگر می خواهد از آنجا بکود باید از دارائی خویش دست بشوید و آنگاه مهاجرت نمایید. صهیب خود را از دست آنان رها کرد و دارائی خود را بدیشان داد. پس خداوند این آیه را درباره او نازل کرد. عمر ابن خطاب و گروهی در کنار حزه بدو رسیدند و گفتند: معامله سود کرد. صهیب گفت: و شما نیز سود ببرید، و خداوند تجارت تان را بی زیان گرداند، اما آن سود کدام است؟ به او اطلاع دادند که خداوند این آیه را درباره او نازل فرموده است. در روایت است که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم- به صهیب گفت: (رَبِحَ الْبَيْعِ صُهَيْبُ) ای صهیب معامله سود کرد.<sup>۲</sup>

### مطلب هفتم: سعی به سوی ذکر الله

از مظاهر و مصداق های تجارت با خداوند، ترک مشاغل دنیوی و سعی نمودن به ذکر الله متعال

<sup>۱</sup>سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۱، ص ۲۰۶  
<sup>۲</sup>ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲ ص ۲۷۲

در اوقات عبادت است، قسمی که الله متعال فرموده است: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ  
الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي  
الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾<sup>۱</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد به یاد خدا بشتابید و خرید  
و فروش را رها کنید اگر بدانید این برایتان بهتر است؛ آن گاه چون نماز ادا شد، در زمین پراکنده شوید  
و از فضل خدا بجوئید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید.

---

<sup>۱</sup>سوره جمعه آیه ۹-۱۰



## مبحث چهارم: پاداش تجارت با خداوند

تجارت با خداوند پاداش و ثواب بی نهایت دارد که به برخی آن ها در این مبحث اشاره می شود:

### مطلب اول: مغفرت گناهان

یکی از بزرگ ثواب و ثمره تجارت معنوی مغفرت گناهان است چنانچه الله متعال پس از ذکر مظاهر تجارت معنوی فرموده است: ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾<sup>۱</sup>

ترجمه: (اگر این تجارت را انجام دهید، خدا) گناهانتان را می بخشاید، و شما را به باغهای بهشتی داخل می گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آن جویبارها روان است، و شما را در منازل و خانه های خوبی جای می دهد که در باغهای بهشت جاویدان ماندگار، واقع شده اند. پیروزی و رستگاری بزرگ همین است.

سید قطب - رحمه الله - می گوید: این تجارت، پرسودترین تجارت است، این که مؤمن در زندگی کوتاه خود جهاد بکند و این که خداوند گناهان را در بدل این تجارت می بخشد خودش بس است! چه کسی است آن که خدا تضمین کند گناه او را ببخشد، افزون بر این چیز دیگری را چشم بدارد؟! یا چه کسی است که خدا تضمین کند گناه او را ببخشد، او دارائی خود را در راه آوردن آن صرف نکند، و چیزی را دریغ بدارد و در پیش خود باقی بگذارد؟! به هر حال لطف و فضل خدا بسیار است و حدود و مرز ندارد.<sup>۲</sup>

### مطلب دوم: دخول جنت

دومین پاداش و نتیجه تجارت با خداوند کسب رضای الهی و حصول جنت است، چنانچه در آیه بالا پس از مغفرت گناهان داخل شدن به جنت آمده است، الله متعال می فرماید: (وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ) در این آیت مساکن عطف بر جنات است و مراد از پاک

<sup>۱</sup>سوره صف آیه ۱۲  
<sup>۲</sup>سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۴ ص ۲۳۶

بودن مساکن وسعت و جمال آن است<sup>۱</sup>

در اینجا از میان نعمت های بهشت مسکن اختصاص یافت زیرا در جهاد ترک مسکن است و مجاهد بخاطر رسیدن به اهداف بزرگ خویش مجبور می شود تا وطنش را ترک کند چنانچه ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر نوشته است: «وخصت المساکن بالذكر هنا لأن في الجهاد مفارقة مساكنهم فوعدوا على تلك المفارقة المؤقتة بمساكن أبدية»<sup>۲</sup>

( مساکن به ذکر مختص شد زیرا در جهاد مفارقت خانه و کاشانه های مجاهدین است پس در عوض مفارقت و جدایی موقت به جایگاه های ابدی وعده شدند.)

### مطلب سوم: نصرت و فتح قریب

از نتایج دیگر تجارت معنوی دریافت نصرت و فتح قریب است، قسمی که بعد از ذکر مصداقهای تجارت معنوی الله متعال فرموده است: ﴿ وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴾<sup>۳</sup>

(و (نعمتی) دیگر (به شما می دهد) که آن را دوست می دارید پیروزی از سوی خداوند و فتحي نزدیک است و به مؤمنان مژده بده.

در اینجا معامله به اوج سودی می رسد که جز خدا کسی حاضر به پرداخت آن نیست . خداوند خودش این سود را عطاء می کند که گنجهایش تمام شدنی نیست و به پایان نمی آید. خدایی است که کسی نمی تواند جلو رحمت او را بگیرد. این رحمت مغفرت و باغهای بهشت و خانه های خوش و پاک آنجا و بهشت پر نعمت جاودان خدا در آخرت است، بالاتر از این و افزون تر بر این، بلی بالاتر از این و افزون تر بر این بیعت سودمند و معامله تجارتي سودآور، پیروزی و فتح نزدیک است، چه کسی است که خدا او را بدین تجارت رهنمون و رهنمود فرماید، آن گاه او از آن تجارت عقب نشینی کند و دست بردارد یا کناره گیری و دوری کند؟ در اینجا در برابر این تشویق و ترغیب و شیفته و شیدا کردن ، اندیشه ای به دل می گذرد، مؤمنی که حقیقت جهان بینی ایمانی را درباره جهان هستی و زندگی درک و فهم می کند، و با دل در این جهان بینی بسر می برد، و از کرانه ها و فاصله های این جهان

<sup>۱</sup>اندلسی، ابن عطیة، المحرر الوجیز، ص ۳۰۴  
<sup>۲</sup>ابن عاشور، التحریر و التنویر ج ۲۷ ص ۵۲۷  
<sup>۳</sup>سوره صف آیه ۱۲

بینی آگاه است ، آن گاه به زندگی بدون ایمان می نگرد، و آن را در محدوده تنگ کوچکش می اندازد، همچون دلی نمی تواند یک لحظه هم بدون آن چنان ایمانی زندگی کند، و یک لحظه هم در کار جهاد شک و تردید به خود راه نمی دهد و برای پیاده کردن آن جهان بینی بزرگ و فراخ و والا در جهان واقعیت، به جهاد می پردازد تا در جهان واقعیت زندگی کند.<sup>۱</sup>

### مطلب چهارم: دریافت پاداش پوره و مضاعف

ثواب و ثمره دیگر تجارت معنوی این است که انسان اجر و پاداشش را پوره بلکه مضاعف و چند برابر دریافت می کند، قسمی که الله متعال پس از بیان کردن تلاوت قرآن کریم، نماز و انفاق به عنوان مظاهر تجارت معنوی فرموده است: ﴿لِيُؤْتِيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾<sup>۲</sup>

(تا خداوند اجرشان را به تمام و کمال بدهد ، و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید . چرا که خدا آمرزگار و سپاسگزار است.)

و قسمی که در مطالب گذشته نقل شد الله متعال در مورد قرضه حسنه و انفاق فی سبیل الله که از بزرگ ترین مثال های تجارت معنوی می باشند می فرماید: ﴿إِن تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾<sup>۳</sup>

(اگر به خدا قرض الحسنه ای بدهید ، آن را برایتان چندین برابر می سازد ، و شما را می آمرزد . خداوند سپاسگزار و بردبار است ) و او از بندگان به وسیله دادن پاداشهای عظیم تشکر می نماید ، و در پرتو بردباری خود ، در عقوبت بندگان تعجیل نمی فرماید، و بلکه گناهانشان را می بخشاید.

و در جای دیگر فرموده است: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفْهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ

يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۴ ص ۳۴۴

<sup>۲</sup>سوره فاطر آیه ۳۰

<sup>۳</sup>سوره تغابن آیه ۱۷

<sup>۴</sup>سوره بقره آیه ۲۴۵

(کیست که به خدا قرض نیکویی دهد تا خداوند آن را برایش چند برابر کند و برای او پاداش گرامی است.)

### مطلب پنجم: نجات از عذاب دردناک

از نظر قرآن کریم باید تجارت با خدا و جهاد در راه او از همه چیز مقدم باشد چون این عمل بزرگ بزرگ باعث نجات انسان از عذاب الهی می شود و اگر انسان در مقابل تجارت معنوی تجارت مادی را ترجیح دهد مستحق وعید بزرگی از جانب خداوند شده است، چنانچه فرموده است: ﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾<sup>۱</sup>

(بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما، و مالهایی که آن را با کوشش (فراوان) به دست آورده اید، و تجارتي که از بی رونقي و بي بازاري آن مي ترسيديد، و خانه هايي که آن را مي پسنديد، نزد شما از خدا و پيامبرش و جهاد کردن در راه او محبوب تر است، پس در انتظار باشید که خداوند کار خود را مي کند، و خداوند نافرمانان را هدايت نمي نمايد.)

این تمام تجارت ها و درآمدها و وسایلی تجارتي از قبیل پول، ظروف، اسلحه، غلات، کشتزارها و چهارپایان تجارتي و غیره را شامل می شود و این آیه شریفه بزرگترین دلیل بر وجوب مقدم داشتن محبت خدا و پیامبرش بر محبت هر چیز دیگری است.<sup>۲</sup>

همچنان در آیه دیگر الله متعال تجارت معنوی را یگانه وسیله نجات از عذاب دردناک عنوان نموده و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ \* تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾<sup>۳</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذابي دردناک

<sup>۱</sup>سوره توبه آیه ۲۴

<sup>۲</sup>سعدی، تیسیر الکریم الرحمن ج ۴ ص ۱۷

<sup>۳</sup>سوره صف آیه ۱۰-۱۱

نجات می دهد؟ به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید، این برایتان بهتر است اگر بدانید.

### مبحث پنجم: برآیند ترک تجارت معنوی

اهمیت و فضیلت تجارت معنوی بیان شد و اگر چنین تجارتی ترک شود نتیجه اش چه می شود؟ از آیات قرآن کریم برآیند ترک تجارت معنوی بطور واضح معلوم می گردد، و آن اینکه در نتیجه ترک تجارت معنوی انسان به خسران نفس و ورود به جهنم محکوم می شود.

#### مطلب اول: خسران نفس

ترک تجارت معنوی و انتخاب ضلالت و گمراهی در قرآن کریم تجارت زیان آور عنوان شده است چنانچه الله متعال در این مورد می فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾<sup>۱</sup>

(آنان کسانی اند که هدایت را به گمراهی فروخته اند پس تجارت آنها سودی ندارد و هدایت یافتگان نیستند.)

این مثال، بهترین مثال است، زیرا گمراهی را به جنس مورد معامله، و هدایت را به پول و قیمت آن جنس تشبیه نموده است، پس آنها هدایت را خرج کرده و در برابر آن گمراهی را بدست آورده اند. این است تجارت شوم که بسیار تجارت بدی است، زیرا اگر کسی دیناری را در مقابل درهمی بدهد ضرر می کند، پس چگونه است کسی که گوهری را در مقابل درهمی بفروشد؟ و چگونه خواهد بود کسی که هدایت را خرج کرده و گمراهی را خریداری کند، و شقاوت را بر سعادت برگزیده و به کارهای پست علاقمند شود، و کارهای خوب و عالی را ترک نماید؟! مسلماً تجارت و سوداگری چنین کس سودی نخواهد داشت، بلکه در این کار بزرگترین ضرر را متحمل خواهد شد<sup>۲</sup>

الله متعال چنین خسران و زیان را بدترین زیانکاری می داند و زیان روز آخرت را یک زیان آشکار

<sup>۱</sup>سوره بقره، آیه ۱۶  
<sup>۲</sup>سعدی، تفسیر الکریم الرحمن، ج ۱ ص ۲۹

و هویدا گفته است، قسمی که فرموده است: ﴿ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا

ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴾<sup>۱</sup>

( بگو: «همانا خسارتمندان (حقیقی) کسانی هستند که جان و اهل شان را در قیامت از دست داده اند». هان! این است زیان و خسارت آشکار.

اقتراف و کثرت گناه که موجب سبکی میزان می شود نیز از جمله تجارت غیر مفید و زیانبار عنوان شده است؛ چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا

بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ﴾<sup>۲</sup>

(و هرکس که ترازوی اعمال صالحش سبک شود پس ایشان کسانی اند که به سبب آن که در حق آیات ما ستم می ورزیدند خویشتن را زیانمند نموده اند.

### مطلب دوم: ورود به جهنم

خسران نفس ممکن است هم در دنیا و هم در آخرت مصداق داشته باشد و ورود به جهنم از برآیند های نهایی ترک تجارت معنوی یا تجارت با خداوند است، البته تمام آیاتی که در قرآن راجع به عذاب اخروی است به نحوی می توانیم آن را برآیند ترک تجارت معنوی بدانیم چون تجارت معنوی شامل تمام عبادات و عمل به احکام شرعی می شود، چون در این مورد آیات خیلی زیاد می باشد بنابراین از آن میان فقه دو آیه ای را که به طور واضح بیانگر برآیند ترک تجارت معنوی هستند در ذیل نقل می نمایم:

۱- ﴿ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾<sup>۳</sup>

(همانا کسانی که کفر را به بهای ایمان خریدند هرگز زیانی به خدا نخواهند رساند و برای ایشان

<sup>۱</sup>سوره زمر آیه ۵

<sup>۲</sup>سوره اعراف آیه ۹

<sup>۳</sup>سوره آل عمران آیه ۱۷۸

عذابی دردناک است.)

۲- ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ مَوْلَىٰ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نَمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾<sup>۱</sup>

(کافران گمان نبرند که اگر ایشان را مهلت دهیم به نیکی و صلاح آنان است، بلکه ما آنان را مهلت می دهیم تا بیشتر مرتکب گناه شوند، و برای آنان عذاب خوارکننده ایست.)

این بود بررسی مختصری در مورد تجارت معنوی در قرآن کریم و در فصل بعدی تجارت مادی را مورد بحث قرار می دهیم.

---

<sup>۱</sup>سوره آل عمران آیه ۱۷۹

## فصل سوم

### تجارت مادی در روشنی قرآن

#### مبحث اول: اهمیت و اقسام تجارت مادی

از نظر قرآن کریم تجارت با انواع و اقسام خود دارای اهمیت زیادی است، در این مبحث طی چند مطلب به بیان و توضیح آن پرداخته می شود.

#### مطلب اول: تشویق و ترغیب به تجارت مادی در قرآن

از آن جایی که قرآن یکی از اهداف آفرینش و خلافت انسانی در زمین و مأموریت انسان را، آبادانی و استعمار زمین و ایجاد تمدنی بشری می داند، به کاروبار تجارتی که نقش بزرگی در توسعه و انکشاف دارد تشویق و ترغیب کرده است، تشویق و ترغیب به تجارت را در قرآن کریم می توان در صورت های ذیل عنوان نمود:

۱- **تاکید بر حفظ اموال و عدم اعطای آن به سفهاء:** الله متعال به حفاظت و ارزش دهی به مال تاکید کرده است و آن را قوام و مایه حفظ بقای زندگی دانسته است، چنانچه فرموده است:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾<sup>۱</sup>

(و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام (زندگی) شما گردانده است، به سفیهان مدهید و از (عواید) آن روزی و پوشاک آنها را بدهید، و با آنان سخن خوب و شایسته بگویید.)

از این آیه معلوم می شود که مال سبب قوام و ادامه حیات است و با تجارت مال افزایش می یابد و سبب شکوفایی جامعه می گردد، چنانچه در تفسیر «المنار» نوشته است: «أَوْجَبَ اللَّهُ مِنْ حِفْظِ الْمَالِ مِنَ الضِّيَاعِ وَالْإِقْتِصَادِ فِيهِ وَ مَا يَسْتَقِيمُ بِهِ وَيُحْفَظُ وَيُثَبَّتُ»<sup>۲</sup>

(الله متعال حفظ مال را از ضایع کردن و میانه روی در آن و آنچه که سبب حفظ و ثبات مال می شود واجب گردانیده است.)

<sup>۱</sup>سوره نساء آیه ۵

<sup>۲</sup>- حسینی، محمد رشید بن علی رضا «تفسیر المنار، بیروت، الهيئة المصرية العامة للكتاب سنة النشر، ۱۹۹۰ م. ج ۱۱ ص ۲۲۶



دكتور وهبه زحيلي-رحمه الله- در برداشتش از اين آيه مي نويسد: «فيها النهي عن تضييع المال ووجوب حفظه وتدبيره، وحسن القيام عليه، حيث قد جعله الله تعالى سببا في اصلاح المعاش وانتظام الأمور»<sup>۱</sup>

( در اين آيه از ضايع كردن مال نهی شده است و حفظ و اداره با تدبير آن واجب قرار داده شده است، چون خداوند مال را سبب اصلاح زندگي و نظم بخشيدن به امور گردانیده است. )

۲- امر به پوره كردن كيل و وزن: همچنان الله متعال به هدف تشويق و ترغيب به تجارت در حكاييت قوم مدین آنان را به پوره كردن كيل و وزن امر می كند و اين خود دلالت بر تشويق و ترغيب قرآن كريم بر تجارت دارد، چنانچه می فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾<sup>۲</sup>

(همانا دليلي از جانب پروردگارتان پيش شما آمده است، پس پيمانه و ترازو را كامل نماييد، و حقوق و اموال مردم را كم نكنيد.)

۳- نهی از خوردن مال ديگران به جزء از راه تجارت: يکی از آيات قرآنی که بر اهميت تجارت مادی دلالت می كند اين است که الله متعال از خوردن اموال ديگران به جزء از رضاييت و طريق تجارت منع کرده است، چنانچه فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾<sup>۳</sup>

(اي كساني که ايمان آورده ايد! مال هاي تان را درمیان خود به ناحق نخوريد، مگر اينکه تجارتي باشد که از رضاييت شما سرچشمه بگيرد، و خود را نکشيد، همانا خداوند نسبت به شما مهربان است.)

امام رازی-رحمه الله- در تفسير آيه فوق نوشته است: «نهی عن أكل أموال الناس إلا بطريق التجارة فعند عدم التجارة وجب أن يبقى على أصل الحرمة»<sup>۴</sup>

۱- زحيلي، د وهبة بن مصطفى الزحيلي التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، الطبعة: ۲، ۱۴۱۸ هـ دار الفكر المعاصر - دمشق ج ۴ ص ۲۵۳

۲سوره اعراف آيه ۸۵

۳سوره نساء آيه ۲۹

۴- رازی، مفاتيح الغيب، ج ۱۲ ص ۵۳۰

(از خوردن اموال مردم به استثنای راه تجارت نهی شده است، بنا براین در صورت عدم وجود تجارت، لازم بر اصل حرمت باقی بماند.)

محسوب شدن فعالیت های تجارتي از نعمت های الهی: در زمینه اهمیت تجارت از دیدگاه قرآن همین بس است که خداوند متعال در قرآن کریم بر انسان ها منت می نهد که راه کسب مال و ثروت را برای آنان مهیا ساخته و ارتباطات دریایی را که اکنون نیز بزرگترین تجارت های بین المللی از طریق آن انجام می گیرد، در اختیار انسان قرار داده است؛ چنانکه می فرماید: ﴿وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَآخِرَ لِبَتِّعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾<sup>۱</sup>

(و کشتی ها را در آن (دریا) شکافنده ( امواج ) می بینی تا از فضل خدا بهره گیری و شکرگزار باشی.)

#### مطلب دوم: رابطه عبادت با تجارت مادی

الله متعال در قرآن کریم تجارت را به عبادت ربط داده است و این نشان می دهد که تجارت نیز نوعی عبادت و از دیدگاه قرآن کریم، تجارت مادی و استفاده از نعمت های طبیعی برای تأمین معاش، می تواند يك عمل عبادی و مظهري از عبودیت خداوند متعال باشد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۲</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد به یاد خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید اگر بدانید این برایتان بهتر است؛ آن گاه چون نماز ادا شد، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوئید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید.)

در تفسیر «بحر العلوم» در ذیل تفسیر آیه فوق نوشته است: «أي: إذا فعلتم الصلاة وأديتموها

<sup>۱</sup>سوره فاطر آیه ( ۱۲ )  
<sup>۲</sup>سوره جمعه آیه ۹-۱۰

و فرغتم منها { فانتشروا في الأرض } للتجارة والتصرف فيما تحتاجون إليه من أمر معاشكم { وابتغوا من فضل الله } أي: من رزقه الذي يتفضل به على عباده بما يحصل لهم من الأرباح في المعاملات والمكاسب، و إباحة لطلب الرزق بالتجارة، و اطلبوا الرزق من الله تعالى بالتجارة والكسب»<sup>۱</sup>

(یعنی زمانی که نماز را ادا نمودید و از آن فارغ شدید، پس در روی زمین برای تجارت و تصرف در آنچه که به آن در قسمت تامین امور زندگی نیاز دارید، منتشر شوید و از فضل خداوند یعنی رزق او که بر بندگان خود فضل می کند طلب کنید، یعنی رزقی که به سبب آنچه برای شان از سود و فایده در معاملات و کسب و کار و همچنان به اثر مباح کردن طلب رزق حلال به تجارت حاصل می شود و رزق را از خداوند به وسیله تجارت و کسب طلب نمایید.)

همچنان الله متعال می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ

وَالِيهِ النُّشُورُ<sup>۲</sup>

(او کسی است که زمین را رام شما گردانیده است. در اطراف و جوانب آن راه بروید و از روزی خدا بخورید، و زنده شدن دوباره در دست او است.)

در این آیات پس از یاد آوری نهایت رام بودن زمین و آمادگی کامل آن برای بهره دهی، ترغیب بلیغ به بهره گیری از آن شده است. به راستی، اگر تنها همین يك آیه برای ترغیب به پرداختن به طبیعت و استفاده از مواهب آن می بود، بر انگیزنده ای قوی برای تلاش های اقتصادی به شمار می آمد.

روشن است انسانی که بر اساس این آیات کریمه و آیات دیگری که معنایی قریب به آن دارند اقدام به تجارت مادی می کند، نه تنها خود را از ساحه عبودیت بیرون نمی بیند، بلکه خرسند است که با امثال امر الهی در حوزه فعالیت های تجاری، شأنی از شؤون عبودیت را تحقق بخشیده است. البته همان گونه که خود قرآن کریم متذکر شده است، نباید پرداختن به امور معیشتی به گونه ای باشد که غفلت از یاد خداوند متعال را به همراه داشته باشد. همچنین نباید از راه های باطل نیازهای معیشتی خود را تأمین کرد و باید مراقب بود تا رذیله بخل را از خود دور ساخت، و از پرداخت های مالی واجب و

۱- سمرقندی، ابواللیث، بحر العلوم، تحقیق: د. محمود مطرچی، دارالفکر - بیروت. ج ۳ ص ۴۲۶،  
۲سوره ملک آیه ۱۵

مستحب دریغ نورزید.

در احادیث نبوی نیز به اشکال گوناگون به فعالیت های اقتصادی اهمیت داده شده است که به طور مثال چند نمونه آن ذیلاً بیان می گردد:

۱- **حشر شدن تاجران و فعالان اقتصادی صادق با انبیاء - علیهم السلام-**: در دین اسلام به فعالیت های اقتصادی چنان اهمیت داده شده است که کسی که با صداقت و راستی مشغول فعالیت های اقتصادی است گفته است تاجران صادق با انبیاء-علیهم السلام- حشر می شوند چنانچه در روایت آمده است: **(عن أبي سعيد : عن النبي صلى الله عليه و سلم قال التاجر الصدوق الأمين مع النبيين والصديقين والشهداء)<sup>۱</sup>**

(ابو سعید خدری -رضی الله عنه- از پیامبر اسلام-صلی الله علیه وسلم- روایت می کند که آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- گفته است: تاجر راستگو و امین به همراه پیامبران-علیهم السلام-، صدیقین و شهداء می باشد.)

۲- **شمردن تجارت از بهترین شغل ها:** پیامبر-صلی الله علیه وسلم- تجارت را که مطابق اصول و مقررات شرعی باشد از بهترین کسب ها شمرده شده است، چنانچه در روایت آمده است: **(عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ قَالَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْكَسْبِ أَطْيَبُ قَالَ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ وَكُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ)<sup>۲</sup>**

( از رافع بن خدیج روایت است که گفته است: برای پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- گفته شد کدام نوع کسب بهتر و پاک تر است؟ وی گفت: کسب و کار توسط دست و هر بیع و خرید و فروش به روش نیک و صادقانه.)

۳- **نکوهش فقر:** یکی از مواردی که دلالت بر اهمیت فعالیت های اقتصادی و کسب و کار تجارتمی کند این است که اسلام فقر را نکوهش کرده است، چنانچه در روایتی آمده است که پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- گفته است: **«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْأَقْلَةِ وَالذَّلَّةِ**

---

۱- ترمذی، محمد بن عیسی، أبوی عیسی، (۱۴۲۲ هـ) سنن الترمذی، (شماره حدیث: ۱۲۰۹) کتاب البیوع، باب ما جاء فی التجار وتسمیة النبی صلی الله علیه و سلم إیاهم. ج ۳ ص ۲۱۵. (قال أبو عیسی هذا حدیث حسن).  
۲ ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن حنبل، مسند احمد، مؤسسة الرسالة، طبع: ۲، ۱۴۲۰ هـ، ۱۹۹۹ م، بیروت، لبنان، شماره حدیث: (۱۷۲۶۵). ج ۲۸ ص ۵۰۲ ( هیثمی در مورد این حدیث چنین گفته است: « وفيه المسعودي وهو ثقة ولكنه اختلط وبقيّة رجال أحمد رجال الصحيح » هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۴ ص ۷۲

## وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ»<sup>۱</sup>

( خدایا من پناه می برم به سوی تو از فقر، کمی و ذلت و پناه می برم به تو از اینکه ظلم کنم یا بالایم ظلم کرده شود.)

همچنان در روایت دیگر آمده است: (عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي أَسْمَعُكَ تَدْعُو كُلَّ عِدَاةٍ: «اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». تعیدها حین تصبح ثلاثاً، وثلاثاً حین تمسي، فقال: إني سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يدعو بهنَّ، فأنا أحب أن أستنَّ بسنته)<sup>۲</sup>

(از عبدالرحمن پسر ابی بکر صدیق - رضي الله عنه - روایت است که به پدرش گفت: ای پدرم! من می شنوم از تو که در هر بامداد این دعا را می خوانی: «خدایا مرا عافیت ده در بدنم، خدایا مرا عافیت ده در شنوایی ام، خدایا مرا عافیت ده در بینایی ام، خدایا پناه می برم به تو از کفر و فقر، خدایا پناه می برم به تو از عذاب قبر، نیست معبودی بحق مگر تو». و هر روز در وقت بامداد آن را سه بار تکرار می کنی، و سه بار هم شامگاهان تکرار می کنی. ابوبکر گفت: از رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - شنیدم که به این کلمات دعا می فرمود و من دوست می دارم که راه او را بگیرم.)

البته احادیث با این مضمون بسیارند و در مجموع، بر این حقیقت دلالت می کنند که هر کس نیازمندی های زندگی مادی اش را برطرف نکند و از پس تأمین دنیای خویش برنیاید، زندگانی معنوی اش را نیز از دست می دهد و دین و دنیایش را به خطر می اندازد.

### مطلب سوم: اقسام تجارت مادی در قرآن کریم

در قرآن کریم به طور عموم به دو نوع تجارت تصریح شده است که عبارت اند از: تجارت حلال و تجارت حرام، تجارت حلال در قرآن کریم به بیع و شراء اطلاق شده است و از تجارت حرام به رباء

<sup>۱</sup> سجستانی، سلیمان بن اشعث (ت ۲۷۵)، سنن ابی داود، دارالکتب الکتاب العربی، بیروت، شماره حدیث: ۱۵۴۶، ج ۱ ص ۵۶۶، کتاب الادعیة، باب فی الإستعاذة، (إسناده صحیح علی شرط مسلم)، ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التمیمی البستی، مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳. ج ۳ ص ۳۰۵.

<sup>۲</sup> سجستانی، سنن ابی داود، شماره حدیث: ۵۰۹۲، کتاب الادعیة، باب فی الإستعاذة، ج ۴ ص ۴۸۴. (سیوطی این حدیث را صحیح گفته است. سیوطی، الجامع الصغیر ج ۱ ص ۱۲۱.

تعبیر گردیده است، الله متعال می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۱</sup>

(کسانی که ربا می خورند، (از قبر) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که شیطان او را دچار دیوانگی کرده است، این بدان جهت است که گفتند: خرید و فروش صرفاً مانند ربا است، در حالی که خداوند خرید و فروش را حلال نموده و ربا را حرام کرده است، پس هرکس که اندرزی از جانب پروردگارش به او رسیده و از رباخواری دست کشید، آنچه در گذشته به دست آورده است از آن او می باشد و کار او با خداست، و هر آن کس که به رباخواری باز گردد، پس ایشان اهل آتش اند، و در آن جاودانه خواهند بود.)

از آیه فوق معلوم می شود که تجارت به دو نوع است: یکی حلال که در آن رضایت جانبین باشد و از سود و ربا خالی باشد و دوم تجارت حرام که در آن ربا و سود باشد یا نظر به سایر آیات رضایت در آن منتفی باشد، سید قطب-رحمه الله- در ذیل تفسیر آیه فوق نوشته است: «إن كل عملية يضمن فيها الربح على أي وضع هي عملية ربوية محرمة بسبب ضمان الربح وتحديده.. ولا مجال للمباحة في هذا ولا للمداورة! «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» لانتفاء هذا العنصر من البيع ولأسباب أخرى كثيرة تجعل عمليات التجارة في أصلها نافعة للحياة البشرية وعمليات الربا في أصلها مفسدة للحياة البشرية»<sup>۲</sup>

(هر معامله ای که در آن سود تضمین شود به هر نوعی که باشد، معامله ربوی و حرام بشمار است به سبب تضمین و تعیین... دیگر در این زمینه اصلاً جای ستیزه و جدال نیست، زیرا: (وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا). و حال آنکه خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است. پس معامله حلال است زیرا این عنصر در آن منتفی است، همچنان به سبب های فراوان دیگری نیز موجود است که معاملات تجارتي را در اصل برای زندگی بشریت نافع و سودمند می سازد، و معاملات ربوی

۱- البقرة: ۲۷۵

۲- سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۱ ص ۳۲۷

را در اصل زندگی را برای بشریت مضرّ و فاسد می سازد)

## مبحث دوم: احکام و آداب تجارت مادی در قرآن

### مطلب اول: بیان احکام و آداب تجارت در آیت مداینه

الله متعال در طویل ترین آیه قرآن کریم که به نام آیت مداینه شهرت دارد، احکام و مقررات دقیقی برای امور تجاری و اقتصادی بیان کرده تا سرمایه ها هر چه بیشتر رشد طبیعی خود را پیدا کنند و اختلاف و نزاعی در میان مردم رخ ندهد، او فرموده است:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايْتُمْ بَدِينٍ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمْلَهُهُ فُلْيَمْلِكْ لَهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْب الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ آجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴾

(ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد! و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن- همان طور که خدا به او تعلیم داده- خود داری کند! پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست به پرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید! و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا (از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر لال بودن)، توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (به جای او)، با رعایت عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با



هم شاهد قرار گیرند،) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یاد آوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می کنند، خودداری نمایند! و از نوشتن (بدهی خود)، چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به عدالت نزدیک تر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر می باشد، مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می کنید، شاهد بگیرید! و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حقگویی)، زبانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند)! و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده اید. از خدا به پرهیزید و خداوند به شما تعلیم می دهد، خداوند به همه چیز داناست.)

در این آیه خداوند بندگانش را راهنمایی می نماید تا در معاملات خود حقوق یکدیگر را به شیوه مفید حفظ نمایند، و آنها را به آداب و قواعدی راهنمایی کرده است که عَقْلًا نمی توانند بالاتر و کامل تر از آن را پیشنهاد نمایند. در این دو آیه فواید زیادی نهفته است که در زیر به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

1 - جایز بودن معاملات قرضی، خواه قرض باشد، یا این که پول آن پس از مدتی پرداخت شود، زیرا خداوند متعال خبر داده است که مومنان این نوع معامله را انجام می دهند، و هر چیزی را که خداوند به عنوان عمل و کردار مومنان معرفی کند از مقتضیات ایمان است، و خداوند، پاداش دهنده آن معامله را برای آنان قرار داده است، پس مراد در اینجا بیع سلم است زیرا قبل از آن مسئله ربا بیان گردیده است.<sup>۱</sup>

2 - در تمامی معاملات قرضی باید مدت و زمان پرداخت قرض و اجاره معلوم و مشخص باشد. اگر مدت بازپرداخت وام نامعلوم باشد، چنین کاری حلال نیست، چون این کار معامله «غرر» محسوب شده و خطرناک است و قمار به حساب می آید.<sup>۲</sup>

4 - خداوند دستور داده است قرض و دیون نوشته شوند، و این کار بعضی اوقات واجب است، و آن زمانی است که حفظ حق واجب باشد، مانند مالی که سرپرستی آن بر عهده آدمی است، از قبیل اموال یتیمان و اوقاف، و یا مانند وکلا و امنا که متصدی حفظ و حراست اموال هستند. گاهی مساله کتابت

۱- ابوحیان، البحر المحیط، ج ۲ ص ۷۲۲  
۲- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱ ص ۷۲۲

قرض و دیون بر حسب شرایط و اوضاع مختلف حالت و جوب و گاهی حالت استحباب به خود می گیرد. به هر حال نوشتن بزرگترین چیزی است که بوسیله آن معاملات دارای مدت، حفظ می شوند، زیرا انسان به نسیان نزدیک است، پس برای جلوگیری از اشتباه و خیانت کسانی که از خدا نمی ترسند، حتما باید این کار را انجام داد.<sup>۱</sup>

5 - خداوند متعال در این آیه به نویسنده دستور داده است تا عدالت را در میان دو طرف معامله رعایت کند، و نویسنده نباید به خاطر خویشاوندی و یا چیزی دیگر به یکی از آنها تمایل بیشتری نشان دهد. و نباید به خاطر دشمنی با یکی، بر ضد طرف دیگر بنویسد.

6 - نوشته و سند مکتوب در بین دو طرف معامله از بهترین کارهاست، و نیکوکاری نسبت به دو طرف معامله است، چرا که باعث حفظ حقوق آن دو می گردد، و ذمه هر دو آنگونه که خداوند به آن دستور داده است تبریئه می شود، پس نویسنده باید چشمداشت پاداش را از خداوند داشته باشد، تا از پاداش حقیقی عمل خویش بهره مند شود.<sup>۲</sup>

نویسنده باید به عدالت معروف باشد، چون اگر عادل و معتبر نبوده و پیش مردم قابل اعتماد و پسندیده نباشد، نوشتن او اعتباری نخواهد داشت، و هدف که حفظ حقوق است، حاصل نمی شود، بنا بر این نویسنده باید در نوشتن مهارت کامل داشته باشد، و کلمات و اصطلاحات معتبر را در هر معامله برحسب آن بکار ببرد، و در این مورد عرف از اعتبار بزرگی برخوردار است.<sup>۳</sup>

آنچه نویسنده می نویسد اعتراف کسی است که حقی را بر عهده دارد، پس اگر او به خاطر کوچک یا سفیه بودنش، یا به خاطر دیوانگی یا لال بودن یا ناتوانی اش نمی توانست املا کند، ولی و سرپرست او باید املا نماید، و سرپرست او به جای وی قرار می گیرد. ولی و سرپرست در تمام اعترافات متعلق به حقوقش به جای کسی است که سرپرست اوست.<sup>۴</sup>

هرکسی که در معامله ای امین دانسته شود و در آن معامله به او تفویض اختیار کرده شود، سخنش

---

۱- رازی، مفاتیح الغیب ج ۷ ص ۹۰  
۲- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱ ص ۷۲۵  
۳- ابوحیان، تفسیر البحر المحیط، ج ۲ ص ۲۶۹ (اختصار)  
۴- طنطاوی، التفسیر الوسیط ج ۱ ص ۶۴۷

در آن مورد پذیرفتنی است و او جانشین است، زیرا وقتی که ولی به جای کسانی که کوتاهی دارند قرار می‌گیرد، کسی را که سرپرست قرار داده و اختیار را به او واگذار کرده و کار را به او سپرده شود به طریق اولی قابل قبول است، و به طریق اولی سخن او به هنگام اختلاف بر سخن تو مقدم داشته می‌شود.<sup>۱</sup>

کسی که باید حقی را ادا کند- وقتی که بر نویسنده املا می‌کند- باید از خدا بترسد، و کم نکند، و هیچ شرطی از شرایط آن یا قیدی از قیود آنرا نباید حذف کند، بلکه بر او واجب است به تمام جزئیات حقی که بر او واجب است اعتراف کند، همانطور که اگر حق او بر کسی دیگر باشد چنین چیزی بر طرف واجب است. پس اگر کسی چنین نکند از زمره «مطفین» خواهد بود که در خرید و فروش حق مردم را کامل نمی‌دهند و از آن می‌کاهند. اعتراف به حقوق آشکار و پنهان واجب است، و این از بزرگترین عادت‌های پرهیزگاری است، همانطور که اعتراف نکردن به آن از اموری است که پرهیزگاری و تقوی را نقض می‌کند و آن را می‌کاهد.<sup>۲</sup>

بندگان راهنمایی شده اند تا در خرید و فروش گواه بگیرند، پس اگر شاهد گرفتن برای قضیه قرض دادن باشد، حکم آن همان حکم نوشتن است، که پیش تر بیان شد، زیرا منظور از نوشتن، نوشتن شهادت و گواهی است. و اگر خرید و فروش در قالب معامله نقدی باشد، مناسب است که در آن گواه گرفته شود، و ترک نوشتن اشکالی ندارد، چون خرید و فروش زیاد صورت می‌گیرد، و نوشتن آن دشوار است.<sup>۳</sup>

خداوند متعال ما را راهنمایی نموده است که در معاملات تجارتي خود دو مرد عادل را گواه بگیریم، و اگر دو مرد عادل وجود نداشت یا گواه گرفتن دو مرد عادل مشکل یا سخت بود پس یک مرد و دو زن را گواه بگیریم. و خداوند باری تعالی بندگان را در این آیه به حفظ حقوق یکدیگر راهنمایی کرده است، بنابراین کامل ترین و قوی ترین راه حفظ حقوق را بیان داشته است، و این با آنچه که پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - با یک گواه و قسم قضاوت کرده است منافی و مخالف نیست. پس در مورد حفظ حقوق، بنده باید پرهیزگار باشد و از حقوق دیگران بطور کامل پاسداری بعمل آورد. و

۱- سمرقندی، بحر العلوم ج ۱ ص ۱۸۶

۲- السعدی، تیسیرالکریم الرحمن ج ۱ ص ۴۱۰

۳- مرجع قبلی

در رابطه با حکم نمودن بین دو نفر که با یکدیگر اختلاف دارند، به امور ترجیح دهنده از اسناد و مدارک موجود نگاه کند.<sup>۱</sup>

در رابطه با حقوق دنیوی، گواهی دادن دو زن به جای گواهی دادن یک مرد است، اما در امور دینی مانند روایت و فتوا زن همانند مرد است، و تفاوت این دو مورد کاملاً مشخص است. حکمت اینکه خداوند گواهی دو زن را مانند گواهی یک مرد قلمداد کرده، این است که غالباً حافظه ی زن ضعیف تر از حافظه ی مرد است و غالباً حافظه ی مرد از حافظه ی زن قوی تر است. اگر یکی از گواهان گواهی اش را فراموش کرد و گواه دیگر او را یادآور شد، این فراموشی که با یادآوری از بین می رود اشکالی ندارد، و اگر شاهد فراموش کرد، سپس بدون یادآوری، خود آنرا به خاطر آورد، به طریق اولی اشکالی ندارد، زیرا گواهی دادن براساس علم و یقین باشد.<sup>۲</sup>

گواهی باید از روی علم و یقین باشد، نه از روی شک، پس هرگاه شاهد در گواهی اش دچار شک شد، برای او جایز نیست گواهی بدهد هرچند که گمانش غالب باشد مگر به آنچه که بر آن علم و یقین دارد. همچنان اگر شاهدهی برای گواهی دادن فراخوانده شد نباید امتناع ورزد، خواه برای تحمل گواهی خوانده شود یا برای ادای شهادت، زیرا ادای شهادت همچنانکه خداوند متعال از آن سخن به میان آورده و از منافع و مصالح آن خبر داده است بهترین مصداق عمل صالح است.<sup>۳</sup>

### مطلب دوم: بیان برخی احکام تجارت در آیت رهن

همچنان الله متعال در آیت بعدی مداینه برخی از احکام تجارت را بیان کرده و فرموده است:

﴿ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾<sup>۴</sup>

(و اگر در مسافرت بودید و نویسنده ای نیافتید پس گروی بستانید، و اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، باید کسی که امین قرار داده شده است امانتش را باز پس بدهد، و از پروردگارش بترسد،

۱- رازی، مفاتیح الغیب ج ۷ ص ۸۹

۲- مرجع قبلی

۳- السعدی، تیسیرالکریم الرحمن ج ۱ ص ۴۱۳

۴- البقرة: ۲۸۳

و شهادت را پنهان نکنید، و هرکس که آن را پنهان کند دلش گناهکار است، و خداوند به آنچه می کنید داناست.)

این آیت نیز برخی از احکام تجارت را در بردارد که به آنها اشاره میشود:

۱- از این آیت معلوم می شود که «گرو» به اجماع واجب نیست، زیرا رهن بدل کتابت است و زمانی که کتابت واجب نبود، رهن نیز واجب نمی شود.<sup>۱</sup>

۲- مشرّوعیت وثیقه گرفتن در مقابل حقوقی که به دیگران واگذار می شود. وثیقه و ضمانت ضامن رسیدن حق بنده می باشند، خواه با فرد نیکوکار معامله کند و یا با فرد فاسق، و خواه طرف معامله امانتدار باشد یا خائن. بنابراین، وثیقه ها باعث حفظ حقوق و قطع اختلافات می گردند، وثیقه و گرو کامل آن است که در دسترس باشد، اما این بدان معنی نیست که اگر رهن قابل تصرف و در دسترس نباشد درست نیست، بلکه مقید کردن «رهن» بر این دلالت می نماید که گاهی گرو در دسترس می باشد و وثیقه و گرو کامل می گردد، و گاهی در دسترس نخواهد بود، و آن زمان وثیقه ناقص خواهد بود.<sup>۲</sup>

۳- جواز رهن در سفر به آیت صریح قرآن کریم ثابت است و در حضر به سنت پیامبر-صلی الله علیه وسلم-<sup>۳</sup> و در این مورد اتفاق فقهاء است که گرو هم در حضر و هم در سفر ثابت است.<sup>۴</sup>

۱. معامله بدون گرفتن وثیقه و گواه جایز است، زیرا خداوند فرموده است: اما در این حالت باید پرهیزگار بود و از خدا ترسید، زیرا صاحب حق در معرض خطر قرار دارد و احتمالاً حقش را از دست بدهد، بنابراین خداوند در این حالت به کسی که حق بر گردن اوست دستور داده است تا از خدا بترسد، و امانت خود را باز پس بدهد.<sup>۵</sup>

### مطلب سوم: رضایت طرفین در تجارت

۱- تجارت یک معامله دوجانبه است و در آن رضایت طرفین شرط می باشد و چنانچه در تعریف

۱- شنفیطی، اضواء البیان، ج ۱ ص ۱۸۴

۲- السعدی، تیسیرالکریم الرحمن، ج ۱ ص ۴۱۶

۳- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن ج ۳ ص ۴۰۷

۴- رازی، مفاتیح الغیب، ج ۷ ص ۱۰۰

۵- السعدی، تیسیرالکریم الرحمن، ج ۱ ص ۴۱۶

بیع آمده است: «البيع مبادلة المال بالمال بالتراضي»<sup>۱</sup> (یعنی بیع عبارت است از تبادل مال در عوض مال به اثر رضایت دو طرف) این تعریف در حقیقت از آیت قرآن کریم اخذ شده است که در آن خوردن مال دیگران به جزء از راه تجارت و رضایت جانبین حرام قرار داده شده است، چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ

تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا<sup>۲</sup>

(ای کسانی که ایمان آورده اید! مال هایتان را در میان خود به ناحق نخورید، مگر اینکه تجارتي باشد که از رضایت شما سرچشمه بگیرد، و خود را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما مهربان است.)

مراغی<sup>۳</sup> رحمه الله- در تفسیر این آیه می نویسد: «وفى الآية إيماء إلى وجوه شتى من الفوائد: أن مدار حل التجارة على تراضى المتبايعين، فالغش والكذب والتدليس فيها من المحرمات. و الإشارة إلى أن معظم أنواع التجارة يدخل فيها الأكل بالباطل، فإن تحديد قيمة الشيء وجعل ثمنه على قدره بالقسطاس المستقيم يكاد يكون مستحيلا، ومن ثم يجرى التسامح فيها إذا كان أحد العوضين أكبر من الآخر»<sup>۴</sup>

(در این آیت به فواید مختلف اشاره شده است: اینکه مدار حلال بودن تجارت بر رضایت بایع و مشتری است، و گول زدن، تدلیس و دروغ در آن از محرمات است، و اشاره بر این است که در اکثر انواع تجارت خوردن اموال به وجه باطل داخل است، زیرا تعیین قیمت واقعی یک چیز و قرار دادن ثمن برای آن به وزن برابر نزدیک به محال است و از همین جهت در این نوع معاملات تسامح و چشم پوشی مروج است به ویژه زمانی که یکی از عوضین از دیگری بزرگ تر باشد.)

در احادیث نبوی از پیامبر صلی الله علیه وسلم- بر کسب مال حلال و به گونه مشروع و بدون

---

۱- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم، الأشباه والنظائر علی مذهب أبي حنيفة النعمان، دار الکتب الاسلامی بیروت لبنان، ج ۵ ص ۲۷۷  
۲- سوره نساء آیه ۲۹

۳- شیخ احمد مصطفی مراغی فرزند محمد بن عبد المنعم مراغی متولد ۱۳۰۰ ق/ ۱۸۸۳ م و متوفای ۱۳۷۱ ق/ ۱۹۵۲ م، در مراغه از توابع جرجا در مصر به دنیا آمد و در قاهره به تحصیل دانش پرداخت. آثار علمی وی علاوه بر تفسیر مورد بحث، کتابی تحت عنوان: مقدمة التفسیر در ردیف آثار قرآنی احمد مصطفی می باشد، الحسبة فی الاسلام. الوجیز فی اصول الفقه. علوم البلاغة. بحوث و آراء فی فنون البلاغة. الديانة و الاخلاق؛ و غیره وی در سال شیخ مراغی پس از گذراندن ۶۴ بهار از عمر شریف خود، در روز چهارشنبه ۱۳ رمضان ۱۳۶۲ (یا ۶۴) هجری قمری مطابق با ۲۱ اگوست ۱۹۴۵ به دیار باقی شتافت. [www.bashgah.net/fa/category/show/72450/](http://www.bashgah.net/fa/category/show/72450/)

۴- مراغی، تفسیرالمراغی ج ۵ ص ۱۷

تجاوز و حق تلفی دیگران تاکید شده و از هر نوع فریب و جعل کاری نهی شده است، که به طور مثال این حدیث:

عن أنس بن مالك أن رسول الله صلى الله عليه و سلم قال: لا يحل مال امرئ مسلم إلا بطيب نفسه<sup>۱</sup>

ترجمه: از انس بن مالک -رضی الله عنه- روایت است که رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- فرمود: خوردن مال هیچ مسلمانی، حلال نیست مگر آنکه او، با طیب خاطر راضی باشد.

این حدیث به مثابه یک قاعده کلی در باب کسب مال حلال از طریق تجارت و سایر معاملات تجارته است و در یک جمله کوتاه اصل و اساس و روش حلال بودن مال دیگران را بیان داشته و تصریح کرده است که مال هیچ مسلمان بدون رضایت اول حلال نیست و این حدیث در واقع مفهوم همان آیه قبلی را می رساند که خداوند حکم می کند: ای مؤمنان، اموال همدیگر را به ناحق نخورید مگر از راه تجارت که از رضایت سرچشمه بگیرد.

#### مطلب چهارم: رعایت وقت مناسب در تجارت

یکی از آداب مهم تجارت مادی رعایت وقت آن است و باید در اوقاتی که مانع ادای عبادت شود صورت نگیرد، در این مورد به بیان چند مثال اکتفا می شود:

۱- ترک نمودن تجارت و شتافتن به ذکر الله متعال در اوقات فرا رسیدن عبادت و نماز است و تاجر مسلمان باید هنگامی که وقت عبادت فرا می رسد، تجارت کسب و کار خویش را ترک نموده و به ادای نماز بپردازد و نباید فرد مسلمان به اثر تجارت از نماز غافل شود، قرآن کریم در وصف مؤمنان چنین ارشاد می فرماید: ﴿رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ

الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾<sup>۲</sup>

( مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از یاد خدا، و خواندن نماز، و دادن زکات غافل

<sup>۱</sup> - دارقطنی، علی بن عمر أبو الحسن الدارقطنی البغدادي، دار المعرفة - بیروت، ۱۳۸۶ - ۱۹۶۶ شماره حدیث: ۹۱ (این حدیث را ضعیف گفته اند اما محدثین گفته اند به اسانید مختلف روایت شده است که بعضی آن ها بعضی دیگر را قوی می کنند. شمس الدین محمد بن أحمد بن عبد الهادی الحنبلی(ت: ۷۴۴هـ، تنقیح تحقیق احادیث التعلیق، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۸م، بیروت ج ۳ ص ۵۰ آسوره نور آیه ۳۶

نمی سازد، از روزی می ترسند که دلها و دیدگان در آن دگرگون و پریشان می گردد.)

در آیت دیگر الله متعال مسلمانان را مامور می سازد تا در روز جمعه که روز خاص در هفته است و در آن مسلمانان به ادای فریضه جمعه مکلف می باشند، زمانی که اذان جمعه شنیده می شود باید تمام مشغولیت های تجارتي و مادی رها کرده شود و به سوی ذکر خداوند شتافته شود، چنانچه فرموده است: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾<sup>۱</sup>

( ای کسانی که ایمان آورده اید! چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد به یاد خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید اگر بدانید این برایتان بهتر است؛ آن گاه چون نماز ادا شد، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوئید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید.)

سیدقطب-رحمه الله- در این مورد می گوید: نماز جمعه نمازی است که جز به صورت جماعت، درست نیست خوانده شود، نماز جمعه یک نماز هفتگی است و لازم است مسلمانان برای خواندن آن جمع شوند و به همدیگر برسند و به خطبه ای گوش فرا بدهند که ایشان را به یاد خداوند می اندازد. نماز جمعه یک عبادت سازماندهی به شیوه اسلام در آماده سازی برای دنیا و آخرت می باشد، به همین خاطر الله متعال حکم کرده است: هنگامی که برای نماز جمعه اذان گفته شد، به سوی ذکر و عبادت خدا بشتابید و اعمال تجارتي را رها سازید. این مسئله الهام بخش این امر است که دست کشیدن از کارهای تجارتي و زندگانی همچون تشویق و ترغیبی را می طلبد، در عین حال این امر خودش یک نوع تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش دلها و درونهای مؤمنان است. مسلمان باید در اوقات و احوالی دل از سرگرمی های زندگی و از جاذبه های زمینی ببرد و بگسلد، تا به پروردگار خود بپردازد، و خالصانه به ذکر و یادش بنشیند، و این مزه خاص بریدن از جهان مردمان و پیوستن به جهان فرشتگان را بچشد، و دلش و سینه اش از آن هوای پاک و خالص و عطرانگیز برگردد، و بوی خوش آن را استشمام کند و ببوید. این هماهنگی و همآوایی ای است که برنامه اسلامی نشاندار آن است، هماهنگی و

<sup>۱</sup>سوره جمعه آیه ۹-۱۰



هماوایی میان مقتضیات و خواسته های زندگی در زمین، از قبیل کار کردن و رنج کشیدن و تلاش ورزیدن و روزی به دست آوردن، و میان بریدن روح برای مدتی از این فضا، و بریدن دل از این دنیا، و خالص و مخلص پرداختن به یاد و ذکر و طاعت خداوند متعال، اینها همه برای زندگی دل لازم و ضروری است، و بدون آنها پیوند یافتن و تماس گرفتن و دریافتن و برای انجام تکالیف و وظائف امانت بزرگ برخاستن و به تلاش در راه آن پرداختن، ممکن نمی گردد و نمی گنجد. به یاد خداوند بودن قطعاً باید در لابلای تلاش در پی معاش باشد. خداوند را در نظر داشتن در ضمن کار و کوشش است که کار و کوشش را به عبادت تبدیل می کند. و لیکن با وجود در نظر داشتن خداوند در امور زندگی و به یاد او بودن در همه حال و در همه آن، لازم است مدتی خالصانه و در بست به یاد خدا بودن، و به طور کامل برای ذکر او گسیختن، و تنها و تنها به عبادتش پرداختن.<sup>۱</sup>

از آنجایی که ذکر خداوند هدف اساسی خلقت و آفرینش انسان در جهان بینی اسلامی است و تجارت یک وسیله برای بقای زندگی و آمادگی برای آخرت است به همین خاطر است که الله متعال نسبت به ترجیح تجارت بالای ذکر و عبادت هشدار داده و فرموده است: ﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾<sup>۲</sup>

(بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما، و مال هایی که آن را با کوشش (فراوان) به دست آورده اید، و تجارتي که از بی رونقي و بی بازاری آن می ترسیدید، و خانه هایی که آن را می پسندید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد کردن در راه او محبوب تر است، پس در انتظار باشید که خداوند کار خود را می کند، و خداوند نافرمانان را هدایت نمی نماید.)

### **مطلب پنجم: پرهیز از فریب کاری و رعایت تقوا و ترس از قیامت**

یکی از احکام و آداب مهم در تجارت از دیدگاه قرآن کریم این است که در معاملات خرید و فروخت باید از فریب کاری، دغل بازی، کم کردن وزن و پیمانانه، سود و ربا و غیره پرهیز شود و تقوا و ترس

۱- سیدقطب، فی ظلال القرآن، ج ۶ ص ۳۵۷۰  
۲- التوبة: ۲۴

از خداوند و روز آخرت رعایت شود، در این مورد به بیان چند مثال پرداخته می شود:

۱- پرهیز از بخش و کم کردن در وزن و پیمانه: الله متعال می فرماید: ﴿ فَأَوْثُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا

تَبَخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾<sup>۱</sup>

( پس پیمانه و ترازو را کامل نمایید، و حقوق و اموال مردم را کم نکنید، و در زمین پس از اصلاح آن فساد و تباهی نوزید. این برایتان بهتر است اگر شما مؤمن هستید. )

در آیه فوق از کم کردن اشیای مردم در معاملات خرید و فروخت منع شده است، ابن عاشور-رحمه الله- در تفسیر «التحریر و التتویر» می نویسد: «والبخس فسره أهل اللغة بالنقص ويظهر أنه أخص من النقص ، فهو نقص بإخفاء . وأقرب الألفاظ إلى معناه الغبن و البخس في لسان العرب هو النقص بالتغيب ، أو المخادعة عن القيمة ، أو الاحتيال في التزید في الكيل أو النقصان منه في غفلة من صاحب الحق»<sup>۲</sup>

( کلمه بخش را اهل لغت به نقص تفسیر کرده اند و معلوم می شود آن از نقص خاص تر است چون بخش کم کردن همراه با پنهان کردن است و نزدیک ترین الفاظ به آن غبن است و کلمه بخش در زبان عربی عبارت است از نقص به همراه پنهان کردن یا خدع و فریب کردن در قیمت و یا حيله کردن برای زیاد نشان دادن وزن یا نقصان آن در حال غفلت صاحب حق از آن. )

همچنان الله متعال به کسانی که در معاملات تجارتي عدالت را رعایت نمی کنند و به فریب کاری می پردازند و عید شدید داده و می فرماید: ﴿ وَيَلِّ لِلْمُطَفِّينَ \* الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ \* وَإِذَا

كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ \* أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ \* لِيَوْمٍ عَظِيمٍ \* يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾<sup>۳</sup>

(وای به حال کاهندگان (از حقوق مردم، کسانی که چون (برای خود) پیمانه زنند از مردم به تمام و کمال دریافت می دارند، و هنگامی که برای دیگران پیمانه می زنند یا وزن می کنند کم می گذارند، آیا

<sup>۱</sup> سوره اعراف آیه ۸۵

<sup>۲</sup> ابن عاشور، الشیخ محمد الطاهر بن عاشور، التحریر والتتویر، دار سحنون للنشر والتوزیع - تونس - ۱۹۹۷ م ج ۳ ص ۱۰۴

<sup>۳</sup> المطففين: ۱- ۶

اینان نمی دانند که دوباره زنده می شوند، در روزی (بس) بزرگ، روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند.)

سید قطب-رحمه الله- در ذیل تفسیر آیه مذکور نوشته است: «والنصوص القرآنية هنا تشير بأن المطففين الذين يتهددهم الله بالويل، ويعلن عليهم هذه الحرب، كانوا طبقة الكبراء ذوي النفوذ، الذي يملكون إكراه الناس على ما يريدون. فهم يكتالون «عَلَى النَّاسِ» .. لا من الناس.. فكان لهم سلطانا على الناس بسبب من الأسباب، يجعلهم يستوفون المكيال والميزان منهم استيفاء وقسرا. وليس المقصود هو أنهم يستوفون حقا. وإلا فليس في هذا ما يستحق إعلان الحرب عليهم. إنما المفهوم أنهم يحصلون بالقسر على أكثر من حقهم، ويستوفون ما يريدون إجبارا. فإذا كالوا للناس أو وزنوا كان لهم من السلطان ما يجعلهم ينقصون حق الناس، دون أن يستطيع هؤلاء منهم نصفة ولا استيفاء حق.. ويستوي أن يكون هذا بسلطان الرياسة والجاه القبلي. أو بسلطان المال وحاجة الناس لما في أيديهم منه واحتكارهم للتجارة حتى يضطر الناس إلى قبول هذا الجور منهم كما يقع حتى الآن في الأسواق.. فقد كانت هناك حالة من التطفيف صارخة استحققت هذه اللفتة المبكرة.»<sup>۱</sup>

(نصوص قرآنی در اینجا اشاره دارند به این که کاهندگان و کم دهندگانی که خداوند جهان ایشان را به هلاک و نابودی تهدید می کند، و این چنین جنگی را بر علیه ایشان اعلان می دارد، همان طبقه و چین بزرگان صاحب نفوذ بودند، صاحبان نفوذی که می توانستند مردمان را وادار به کاری کنند که خود می خواستند. آنان با کیل و پیمانانه دریافت می داشتند: (علي الناس) . علیه مردمان و به زیان ایشان، نه این که (من الناس) از مردمان، گویا به علتی از علل، اینان سلطه و قدرتی بر مردمان داشتند، سلطه و قدرتی که با آن می توانستند پیمانانه و ترازو را به تمام و کمال و آن گونه که می خواستند و تا بدانجا که زور داشتند دریافت می داشتند. بلکه بیشتر از حق خود را نیز دریافت می کردند، و با زور و قلدری آنچه می خواستند به تمام و کمال می گرفتند! زمانی هم که برای مردم به پیمانانه می زدند و وزن می کردند و برمی کشیدند قدرت این را داشتند که از حق مردم بکاهند و بدیشان کم بدهند، بدون این که مردمان جرأت کنند از ایشان عدل و انصاف بخواهند و حق خود را به تمام و کمال درخواست نمایند. این سلطه و قدرت بر مردمان، فرق نمی کند سلطه و قدرت ریاست و جاه و مقام قبیله گری و عشیره گری باشد، یا سلطه و قدرت دارائی و اموال، و نیاز مردمان به چیزهایی

۱- سیدقطب، فی ظلال القرآن ج ۶ ص ۳۸۵۵

باشد که از دارائی و اموال در اختیار داشتند، و بدین وسیله بازرگانی هم در انحصار ایشان قرار داشته است، تا بدانجا که مردمان ناچار به پذیرش این جور و ستم ایشان گردیده اند، بدان گونه که هم اینک در بازارها روی می دهد و در جریان است. در مگه چنین کاستن و کم دادن و زور گفتنی بوده است که این توجّه و عنایت زودرس را خواهان بوده است و فریادش داشته است.

بنا بر این هر نوع غش و فریب کاری در معاملات تجارتي حرام است، در روایتی آمده است: **عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: من غش فليس مني!** (از ابو هريره -رضی الله عنه- روایت است که پیامبر-صلی الله علیه وسلم- گفته است: کسی که تقلب و فریبکاری کند از امت من نیست.)

۲- پرهیز از سود و ربا: الله متعال در این مورد فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ \* فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾

(ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید و باقی مانده ربا را رها کنید اگر شما مؤمن هستید، و اگر چنین نکردید بدانید که به جنگ با خدا و پیامبرش برخاسته اید، و اگر توبه کردید، سرمایه هایتان از آن خودتان است، نه ستم می کنید و نه بر شما ستم می شود.)

۳- رعایت حال تنگدستان و ترس از خداوند و روز آخرت: از مهم ترین احکام و آداب تجارت این است که در این مورد حالت افراد بی بضاعت و تنگدست رعایت شود و ترس از خداوند و روز آخرت در کار و معاملات تجارتي در نظر گرفته شود، الله متعال فرموده است: ﴿وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ \* وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾<sup>۳</sup>

۱ - قشیری، مسلم بن حجاج نیشاپوری، صحیح مسلم، دار ابی حیان، مصر، چاپ اول، ۱۹۹۵. شماره حدیث: ۱۰۲  
۲- البقرة: ۲۷۹  
۳- البقرة: ۲۸۰-۲۸۱

و اگر (بدهکاران) تنگدست بود، تا فرا رسیدن گشایش، مهلت داده می شود، و اگر ببخشید برایتان بهتر است اگر می دانید، و از روزی بترسید که در آن روز به سوی خدا بازگردانده می شوید، سپس هرکس هر آنچه را که کسب کرده است به صورت کامل دریافت می کند و بر آنان ستم نمی شود».

### مطلب ششم: امانتداری در تجارت

یکی از مهم ترین آداب و احکام تجارت مادی، امانت داری است، الله متعال می فرماید: ﴿فَإِنْ أَمِنَ

بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ﴾<sup>۱</sup>

(و اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، باید کسی که امین قرار داده شده است امانتش را باز پس بدهد، و از پروردگارش بترسد.)

در اینجا قرضدار نسبت به دینی که در گردنش است امین شناخته شده است و کسی که گرو را به عهده گرفته است بر گروگان امین به حساب آمده است. و هر دوی ایشان تحت عنوان تقوی و ترس از خدائی که پروردگار او است، برای ادای امانتداری و نشان دادن آن در آنچه ایشان را بر آن امین دانسته اند، دعوت شده اند.<sup>۲</sup>

بنا بر این تجاران صادق و امین با انبیاء حشر می شوند چنانچه در روایت آمده است: **عن أبي سعيد : عن النبي صلى الله عليه وسلم قال التاجر الصدوق الأمين مع النبيين والصديقين والشهداء<sup>۳</sup>**

(ابو سعید خدری - رضی الله عنه - از پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - گفته است: تاجر راستگو و امین به همراه پیامبران، صدیقین و شهداء می باشد.)

۱- البقرة: ۲۸۳

۲- سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱ ص ۱۶۸

۳- آترمذی، محمد بن عیسی، ابوی عیسی، (۱۴۲۲ هـ) الجامع الصحیح سنن الترمذی، تحقیق: احمد شاکر، ط: ۱، دارأحیا التراث العربی، بیروت، لبنان شماره حدیث: ۱۲۰۹ (البانی این حدیث را در ذیل همین روایت ضعیف گفته است.)

## مبحث سوم: راهکارهای رشد و توسعه تجارت از دیدگاه قرآن

از آنجا که از منظر قرآن، عوامل رشد و شگوفایی اقتصاد و تجارت محدود به فعالیت‌های مادی انسان یا امکانات مادی نیست، بلکه فعالیت‌های معنوی انسان نیز نقش تعیین‌کننده دارد، بنابراین نمی‌توان عوامل رشد تجارت را در امکانات مادی محدود کرد. رشد و توسعه تجارت، عوامل و راهکار های زیادی دارد که برخی آن‌ها از نظر قرآن در چند مطلب ذیل خلاصه می‌شوند:

### مطلب اول: متحقق ساختن امنیت

مهم‌ترین راهکار برای پیشرفت و رشد تجارت در یک کشور، ایجاد فضای امن برای متشبثین، کسبه کاران و صنعت کاران می‌باشد؛ زیرا فقدان امنیت و وجود ناامنی به معنای فرار سرمایه‌ها به ویژه منابع مدیر و متخصص آن خواهد بود. از همین رو قرآن کریم، امنیت و آرامش اجتماعی سیاسی را از مهم‌ترین عوامل رسیدن به رشد تجارت دانسته است، چنانچه الله متعال در حکایت از داستان ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ<sup>۱</sup>﴾

(و به یادآور هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهرامنی قرار داده و اهل آن را، آنهایی که به خدا و روز آخرت ایمان آورند، از ثمرات گوناگون روزی ده، خداوند گفت: کسی که کفر کند او را نیز برای مدتی از نعمت‌ها بهره مند می‌سازم و سپس سرنوشت او را به عذاب جهنم می‌کشانم و آن چه بد جایی است.)

از این آیه برداشت می‌شود که برکت و افزایش رزق و روزی و سایر ضروریات بشری، زاده و محصول امنیت و آرامش اجتماعی است زیرا چنانچه در صریح آیه دیده می‌شود ابراهیم -علیه السلام- اولاً برای اهالی شهر مکه تقاضای امن می‌کند و سپس می‌خواهد به آنان رزق و روزی فراوان بدهد. همچنان الله متعال در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ

نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ

<sup>۱</sup> سوره بقره آیه ۱۲۶  
<sup>۲</sup> سوره ابراهیم آیه (۳۵)

( و زمانی را به یاد آور که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر (مکه) را یک شهر امن و آرام بساز و من و فرزندانم را از پرستش بتان دور نگه دار.)

ابراهیم - علیه السلام- در دعای خود، اصلی ترین نیاز این اجتماع نه چندان بزرگ آن روزگار را مد نظر قرار داده و قبل از هر تقاضای دیگری برای آنان درخواست «امنیت» کرد و این خود اشاره ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حاکم نباشد فراهم کردن زمینه تجارت و اقتصاد سالم و تامین سایر ساختار و زیر بناهای زنده گی ممکن نیست و برخورداری از یک زندگی انسانی مطلوب بدون وجود امنیت امکان ناپذیر است و اگر جایی امن نباشد قابل سکونت نیز نیست گرچند تمام نعمت های دنیا در آن جمع باشد و اصولاً شهر و دیار و کشوری که فاقد نعمت امنیت هستند، سایر نعمت ها را نیز از دست خواهند داد، چنانچه شهید سید قطب-رحمه الله- در ذیل تفسیر آیه مذکور می نویسد: «فنعمة الأمن نعمة ماسة بالإنسان ، عظيمة الوقع في حسه ، متعلقة بحرصه على نفسه. والسياق يذكرها هنا ليذكر بها سكان ذلك البلد ، الذين يستطيون بالنعمة ولا يشكرونها وقد استجاب الله دعاء أبيهم إبراهيم فجعل البلد آمناً ، ولكنهم هم سلكوا غير طريق إبراهيم ، فكفروا النعمة ، وجعلوا لله أندادا ، وصدوا عن سبيل الله»<sup>۱</sup>

( نعمت امن و امان از نیازمندی ها و حاجت های مهم انسان است که انسان همواره آن را لمس می نماید. در احساس و شور او تاثیر به سزایی دارد. متعلق به حرص و نیاز او بر حفظ خویشتن است. روند قرآنی این نعمت امن و امان را در اینجا ذکر می کند تا ساکنان این شهر به یاد آن افتند. آن کسانی که هم اینک دارای نعمت زیاد هستند و به سبب آن گردن می افرازند، و شکر نعمت را به جایی نمی آورند. سرانجام خداوند دعای پدرشان ابراهیم را پذیرفت ، و مکه را شهر امن و امان کرد. ولی قریشیان غیر راه ابراهیم را در پیش گرفتند، و کفران نعمت کردند، و برای خدا شریک ها و همگون ها ساختند، و از راه خدا بازماندند و دیگران را نیز از راه خدا بازداشتند.)

در اثر همین دعای ابراهیم بود که شهر مکه برای قبیله قریش مایه افتخار و بزرگی گشت و همه اقوام و قبایل جزیره عرب به آنان احترام می کردند و این حقیقت را خداوند در سوره قریش این گونه

<sup>۱</sup>سید قطب، في ظلال القرآن ، ج ۴ ، ص : ۲۱۰۹

تذکر داده و به قریش اظهار منت می کند: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ \* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ

خَوْفٍ﴾

( و باید پروردگار این خانه (کعبه) را بنده گی کنند، خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد و خوف و ترس شان را به امن تبدیل کرد.)

### مطلب دوم: تفقه و کسب علم و دانش

مهمترین اصل در اداره تجارت و پیشرفت آن، تفقه و کسب علم و دانش در احکام تجارت است، در آیات متعددی خاطر نشان شده است که ارشادات وحی، انسان را به حقایق هستی واقف و راه های نیل به سعادت و فلاح را به او روشن می کند و او را به تفقه در تمام بخش های دین که اقتصاد و معاملات جزء آن می باشد تشویق کرده است، قسمی که الله متعال می فرماید: ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ

لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾<sup>۱</sup>

(پس چرا از هر طایفه ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم دین مهیا نباشند تا قوم خود را چون به نزدشان بازگشتند بیم رسانند، باشد که (از نافرمانی خدا) حذر کنند.)

در این شکی نیست که مراد از تفقه، کسب دانش جمیع معارف دینی اعم از اصول و فروع است. بر این اساس، اهتمام به تفقه در دین، از جمله در قلمرو احکام اقتصادی و تجاری نیز لازم و ضروری است.

علاوه بر آیه فوق که بر تشویق فهم و دانش در امور تجارت و غیره به صورت کلی تأکید دارد، در آیات بسیاری نیز رهنمودهای جزئی و مشخص در مسائل گوناگون تجارت و معاملات بیع و شراء وجود دارند به طور مثال این قول الله متعال که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> سوره قریش آیه ۳ و ۴

<sup>۲</sup> سوره توبه آیه ۱۲۲

<sup>۳</sup> سوره مانند آیه ۱



( ای اهل ایمان، (هر عهد که با خدا و خلق بستید) به عهد و پیمان خود وفا کنید.)

در معاملات تجارتي، عقود و قراردادهای زیادی عقد می گردد، و قرآن کریم در مجموع حکم کرده است که با هر نوع عقد و پیمان باید وفا شود، پس فهم این مطالب برای مدیریت اقتصاد خیلی ضروری است.

### مطلب سوم: ادای حقوق مالی

از جمله راهکارهای اساسی که نقش بزرگی در رشد و توسعه تجارت دارد، انفاق و ادای حقوق مالی است؛ انفاق و مصرف کردن مال در راه رضای خداوند علاوه بر این که از هرگونه خطرهای اجتماعی و روانی جلوگیری می نماید، باعث مستفید شدن از نعمت های خداوند متعال نیز خواهد شد، و می تواند یکی از عوامل رسیدن به توسعه و رشد تجارت مطلوب قرآن کریم باشد. چنانکه الله متعال می فرماید: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

(مثال کسانی که مالهایشان را در راه خدا انفاق می کنند، مانند دانه ایست که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند برای کسی که بخواد (آن را) چندین برابر می نماید و خداوند گشایشگر و داناست.)

از این آیه دانسته می شود که انفاق وسیله رشد اقتصاد می شود و همچنان معلوم می شود که کسب زراعت از بهترین کسب ها و شغل ها است چنانچه زحیلی در تفسیرش می نویسد: «وفي هذه الآية دليل على أن اتخاذ الزرع من أعلى الحرف التي يتخذها الناس، والمكاسب التي يشتغل بها العمال، ولذلك ضرب الله به المثل»<sup>۲</sup>

( در این آیه دلیل است بر اینکه زراعت از بلند ترین شغل های است که مردم آن را انتخاب می کنند و بهترین کسب هایی است که کارگران به آن مشغول می شوند و به همین خاطر خداوند به آن مثال بیان کرده است.)

<sup>۱</sup>سوره بقره آیه ۲۶۱  
<sup>۲</sup>زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة والمنهج ج ۳ ص ۴۷

این تحریک و تشویق بزرگی است از جانب خداوند برای بندگان، تا مالهایشان را در راه او صرف نمایند، و اینکه صرف کردن اموال، راه رسیدن به خداست. و انفاق کردن بر نیازمندان و فقرا و بینوایان در راه خدا هر دو کار انجام می‌شود، زیرا چنین انفاقی هم باعث رفع نیازمندیها می‌گردد و هم باعث انجام امر خیر و طاعت می‌گردد و هم باعث انجام امر خیر و طاعت پروردگار و رشد و پیشرفت تجارت و کسب و کار تجاری.<sup>۱</sup>

دایره انفاق اسلامی آنقدر گسترده است که همه فعالیت های تجاری را پوشش می‌دهد. بنابراین به صورت منبع قابل اعتنایی برای تأمین اجتماعی تلقی می‌شوند. افراد فقیر از پرداخت انفاقی واجب معاف هستند و هیچ گونه الزامی برای پرداخت انفاقی مستحب نیز ندارند و نوعاً شاید نتوانند انفاقی مستحب را بپردازند. بنابراین طبقه ثروتمند و متوسط به بالا، مشمول پرداخت این انفاقی هستند که این به تعدیل توزیع ثروت و درآمد کمک می‌کند. از آن مهم تر نرخ مالیات، که مأخذش بخشی از زکات است و خمس ارباح مکاسب با فرض مثبت رابطه میل نهایی به مصرف درآمد ملی، تصاعدی خواهد بود و این به توزیع درآمد کمک خواهد کرد.

در قرآن کریم زکات به موارد مختلف اعم از انفاقات واجب و مستحب اطلاق شده است و نقش آن در توزیع ثروت بر کسی پوشیده نیست که خود این تعدیل، موجب توسعه اقتصادی می‌شود و خداوند آن را در آیات متعدد کنار نماز قرار داده است چون نماز برای تکمیل نفس و تحصیل قرب و ارتباط با پروردگار متعال است، اگر با شرائط ظاهری و معنوی صورت بگیرد و زکات نیز برای رسیدگی به دیگران و کمک به بندگان خدا و رفع ابتلائات فقراء و مستضعفین و تهیه وسائل زندگی آنان است زکات می‌تواند دو اثر متقابل بر پس اندازهای خصوصی و سرمایه گذاری داشته باشد.<sup>۲</sup>

پس از نظر قرآن، رشد و شکوفایی تجارت در هر جامعه با پرداخت حقوق واجب و مستحب مالی امکان پذیر است. از همین رو صدقات را مایه افزایش و سودمند شدن تجارت دانسته می‌فرماید:

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا، وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ، وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾<sup>۳</sup>

۱- سعدی، تیسیرالکریم الرحمن، ج ۱ ص ۳۸۸  
آسمیران، د. محمد علی سمیران، الآثار الإقتصادية للزكاة، المكتبة الشاملة اصدار ۳/۳۲ ص ۱۸

۳سوره بقره آیه ۲۷۶

(خداوند برکت ربا را نابود می کند و ثواب صدقات را فزونی می بخشد. و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهاری را دوست نمی دارد.)

از آیات قرآن این مطلب به وضوح به دست می آید که بر خلاف تصور معمول، انفاق نه تنها موجب کاهش سرمایه تجاری نیست، بلکه موجب رشد و شکوفایی اقتصادی خانواده و اجتماع است، و به همین خاطر در روایت آمده است:

(عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ، وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا، وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ»<sup>۱</sup>)

(از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «هرگز صدقه، از مال کم نمی کند، و یقیناً خداوند در برابر گذشت بنده اش، عزت او را زیاد می کند، و هر بنده ای برای خدا تواضع کند، خداوند (مقام) او را بلند می گرداند.)

#### مطلب چهارم: تلاش و زحمت

هر چند از دیدگاه قرآن، روزی همه موجودات از جانب خداوند، تضمین شده است، قسمی که می فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾<sup>۲</sup>

(هیچ جنبندهای در روی زمین نیست، مگر آن که روزی او بر عهده خداست و او جای و مکانش را می داند؛ زیرا همه، در کتاب مبین آمده است.)

اما در عین حال، تأکید می کند که خداوند، روزی را برای کسی می دهد که کاری انجام دهد، چنانچه آیات ذیل به اهمیت کسب و تلاش برای طلب روزی و تجارت دلالت می کنند:

۱- خداوند روز را برای کسب و کار آفریده است، چنانچه می فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾<sup>۳</sup>

---

نیشاپوری، مسلم بن الحجاج قشیری، (ت: ۲۶۱ هـ - صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عبدالباقي، چاپ ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م دار الفکر، بیروت. شماره حدیث: ۲۵۸۸  
۲سوره هود آیه ۶  
۳سوره نبا آیه ۱۱

(و روز روشن را برای تحصیل معاش آنان مقرر داشتیم.)

۲- خداوند متعال در قرآن کریم بهترین راه کسب روزی را بر اساس کار و تلاش شخصی افراد

می داند قسمی که می فرماید: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾<sup>۱</sup>

(و (نمی‌داند) اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد

بود؟)

۳- از نظر قرآن، زمین برای کسب و کار انسان مسخر شده است و او می تواند با استفاده از منابع

مختلف آن اقتصاد خود را رشد دهد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ

ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾<sup>۲</sup>

(او کسی است که زمین را رام شما گردانیده است. در اطراف و جوانب آن راه بروید و از روزی

خدا بخورید، و زنده شدن دوباره در دست او است.)

۴- خداوند بحر را برای کسب روی مسخر گردانیده است، چنانچه می فرماید: ﴿رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي

لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾<sup>۳</sup>

(پروردگار شما همان است که به دریا برای شما کشتی‌ها را به حرکت می‌آورد تا از فضل خدا

(یعنی روزی) طلبید، که او درباره شما بسیار مهربان است.)

۵- از نظر قرآن، کار و تلاش بر روی زمین، عامل تأمین روزی و زندگی انسان است؛ به طور

طبیعی کار بیشتر به معنای بهره‌مندی از فضل الهی است که فراتر از رزق معمولی که تقسیم

شده است خواهد بود، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا

<sup>۱</sup>سوره نجم آیه ۳۹

<sup>۲</sup>سوره ملک آیه ۱۵

<sup>۳</sup>سوره اسراء آیه ۶۶

فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١﴾

(و از رحمت الهی این است که شب و روز را برایتان قرار داده تا در شب آرام بگیرید و در روز از فضل الهی بجوئید، و تا سپاس گذارید.)

پس خلاصه اینکه کار و تلاش از مهم‌ترین عوامل رشد و پیشرفت تجارت است؛ زیرا انسان در دنیا و حتی آخرت بهره‌مند از تلاش و کوشش خویش است؛ و برای انسان چیزی جز آنچه سعی می‌کند نیست.

### مطلب پنجم: حمایت و پشتیبانی حکومت

نظارت حکومت بر امور تجاری و اقتصادی به ویژه در وضعیت بحرانی امر لازمی است و این از بزرگ‌ترین عوامل رشد اقتصاد محسوب می‌شود، از نظر قرآن کریم نظارت و حمایت همه جانبه از تجارت و امور اقتصادی به اشکال مختلف صورت می‌گیرد که بطور نمونه به برخی آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- استخدام افراد متخصص در اداره تجارت: از دیگر عوامل مهم در رشد و شگوفایی، تعیین

انسان‌های مومن و متعهد و باتقوا در اداره امور تجاری و اقتصادی است، این مطلب از داستان یوسف - علیه السلام - دانسته می‌شود که خودش به پادشاه مصر پیشنهاد نمود تا اختیار امور اقتصادی و مرتبط به تجارت را به او بسپارند، چنانچه الله متعال از وی حکایت می‌کند: ﴿قَالَ

اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

(یوسف به شاه) گفت: در این صورت مرا به خزانهداری مملکت منصوب دار که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم.)

از این آیه معلوم می‌شود که نظارت امور تجاری و اقتصادی توسط یک فرد صادق و امین بسیار

<sup>۱</sup>سوره قصص آیه ۷۳  
<sup>۲</sup>سوره یوسف آیه ۵۵

ضروری و در رشد اقتصاد و تجارت نقش مهم دارد.

۲- **توصیه و آگهی دهی:** آگهی دهی دولت در مورد فعالیت های تجارتی و امر به معروف و نهی از منکر در این مورد، بخشی از کارهایی است که باید دولت در نظارت امور تجارتی انجام دهد و این مطلب از این آیه دانسته می شود که الله متعال می فرماید: ﴿وَالِیَ مَدَیْنٍ أَخَاهُمْ شُعَیْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَیْرِهِ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَیِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْیَاءَهُمْ وَلَا تفسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَیْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ۱﴾

( و به اهل مدین برادر آنها شعیب را فرستادیم، گفت: ای قوم، خدایی کتا را بپرستید که شما را جز او خدایی نیست، اکنون از جانب پروردگارتان بر شما برهانی روشن آمد پس در سنجش، کیل و وزن را تمام دهید و به مردم کمفروشی نکنید، و در زمین پس از نظم و اصلاح آن (با آمدن قوانین آسمانی)، به فساد برنخیزید. این کار (یعنی خدا را به یگانگی پرستیدن و با خلق به عدالت کوشیدن و در وزن خیانت نکردن) برای شما بسیار بهتر است اگر (به خدا و روز قیامت) ایمان دارید.)

۳- **جلوگیری از اسراف و تبذیر:** یکی از کارهایی که باید دولت در قسمت نظارت و مراقبت اقتصاد و تجارت در جامعه انجام دهد این است که باید از اسراف و تبذیر جلوگیری نماید چون این کار نقش مستقیم برای رشد و شکوفایی تجارت دارد، الله متعال در این مورد می فرماید:

﴿وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِیرًا \* إِنَّ الْمُبْذِرِیْنَ کَانُوا إِخْوَانَ الشَّیْطَانِ ۗ وَكَانَ الشَّیْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ۲﴾

(و تو خود حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز (در کارها) اسراف روا مدار. که مبدّران و مسرفان برادران شیطانها اند، و شیطان بسیار ناسپاس است.)

<sup>۱</sup>سوره اعراف آیه ۸۵  
<sup>۲</sup>سوره اسراء آیه ۲۶ و ۲۷

## مطلب ششم: استقامت بر دین

رشد کامل اقتصاد و تجارت زمانی در اجتماع تحقق می‌یابد که شریعت محوری و ایمان و تقوا به سطح عالی برسد و افراد اجتماع در دین اسلام به چنان استواری و استقامت دست یابند که چیزی آنان را از این حرکت اصیل و اصلی دور نسازد و به تردید و شک نیاندازد، از همین رو در قرآن کریم به صراحت آمده است که ملازمت با دین حق، از اسباب دستیابی به رشد کامل اقتصادی است، چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾<sup>۱</sup>

(و اگر بر طریقه (اسلام و ایمان) پایدار بودند آب (علم و رحمت و رزق) فراوان نصیبشان البته می‌گردانیدیم).

پس امنیت و آرامش در سایه استقامت به دست می‌آید و این امنیت رشد و شکوفایی تجارت را به دنبال خواهد داشت.

همچنان در جای دیگر قرآن الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۲</sup>

(و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم ولی (آنها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان گرفتار کردیم).

در این آیه علت عدم رشد اقتصاد و تجارت مردم چنین بیان شده است: پیامبران-علیهم السلام- را تکذیب کردند و ما آنها را به کیفر معصیت‌ها و مخالفت‌ها و تکذیب پیامبران-علیهم السلام- گرفتار و باران را از آنها منع کردیم و نعمت‌های زمین را از آنها دریغ داشتیم، قابل توجه اینکه ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می‌شود، بلکه باعث می‌گردد که آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود. به طور مثال امروز ملاحظه می‌کنیم قسمت بسیار مهمی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در راه مسابقات و رقابت‌های نظامی و ساختن سلاح‌های نابودکننده صرف می‌گردد، اینها مواهبی هستند فاقد هر گونه برکت، به زودی از میان می‌روند و نه تنها نتیجه

<sup>۱</sup>سوره جن آیه ۲۶  
<sup>۲</sup>سوره اعراف آیه ۹۶

ای نخواهند داشت، بلکه ویرانی هم به بار می آورند، ولی اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند، این مواهب الهی به شکل دیگری در میان آنها در می آید و طبعاً آثار آن باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات خواهند بود که به مرور زمان این ها موجب توسعه تجارت خواهد شد.<sup>۱</sup>

شکی نیست که در محیط مردم مؤمن و با تقوی توجه به معنویت و ارزشهای الهی که افکار جامعه را به خود معطوف کرده باش، اسباب و عوامل تاثیر گذار برای خودداری از احتکار و ذخیره مواد غذایی و ترجیح خود بر دیگران وجود دارد و این امر باعث می شود مردم قسمتی از مال خود را به عنوان کمک در اختیار دیگران قرار دهند و این اراده قوی باعث می شود که سستی و تنبلی نتواند آن جامعه را متزلزل نماید و همه باهم در اقتصاد جامعه و پویایی رشد آن بکوشند.<sup>۲</sup>

### مطلب هفتم: رجوع و بازگشت به خداوند

استغفار و رجوع کردن به خداوند از جمله عوامل معنوی رشد اقتصاد و تجارت است، چنانچه الله متعال می گوید: ﴿وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ﴾<sup>۳</sup>

(و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید، آنگاه به سوی او برگردید تا آسمان را بر شما ریزنده و بارنده کند و توانی بر توانتان بیافزاید و گناهکارانه روی نگردانید.)

همچنان الله متعال در داستان نوح - علیه السلام می گوید: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا \* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾<sup>۴</sup>

(و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است، (اگر چنین کنید) خدا از آسمان باران های پرخیر و برکت و بیای می بارند». و شما را با (بخشیدن) اموال و فرزندان مدد می

---

<sup>۱</sup> مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامية، تهران، ج ۶ ص ۲۶۷  
<sup>۲</sup> موسوی اصفهانی، جمال‌الدین. (۱۳۶۸). پیام های اقتصادی قرآن. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ص ۱۷۰  
<sup>۳</sup> سوره هود آیه ۵۲  
<sup>۴</sup> سوره نوح آیه ۱۰-۱۲



رساند و به شما باغ ها می دهد و برایتان رودها پدید می آورد.

قرطبی - رحمه الله- در تفسیرش می نویسد: «في هذه الآية والتي في "هود" دليل على أن الاستغفار يستنزل به الرزق والأمطار»<sup>۱</sup>

( در این آیه و آیه ای که در سوره هود است دلیل بر این است که توسط استغفار رزق و روزی و باران طلب کرده می شود.)

همچنان زحیلی- رحمه الله- در برداشت از این آیه می نویسد: «إن الاشتغال بطاعة الله سبب يوجب زيادة البركة والنماء، وانفتاح أبواب الخيرات، وإدراج الأمطار، وزيادة الغلال، ووفرة الثمار»<sup>۲</sup>

( از این آیه معلوم می شود که اشتغال به طاعت خداوند سببی است که زیادت برکت و رشد اقتصاد را لازم می گرداند و باعث باز شدن دروازه های خوبی ها و فراوان شدن باران ها و افزایش دانه جات و میوه جات می شود.)

---

۱قرطبی ، أبي عبدالله محمد بن أحمد الأنصاري ، ۱۴۰۸ هـ ق الجامع لأحكام القرآن ، دارالكتب العربي: بيروت ، لبنان، ج ۱۸ ص ۳۰۲  
۲زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹ ص ۱۴۵

## خاتمه

### نتیجه گیری:

از آنچه در مورد تجارت در روشنی قرآن طی سه فصل نوشته شده چنین نتیجه گیری می شود:

- ۱- تجارت یکی از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی و دارای تاریخچه طولانی در زندگی انسان است که اسلام آن را به‌عنوان یکی از منابع درآمدهای مشروع و مباح قرار داده است.
۲. قرآن کریم یکی از اهداف آفرینش مأموریت انسان را، آبادانی و استعمار زمین و ایجاد تمدنی بشری می‌داند، و به مسائل تجاری تأکید کرده و راهنمایی‌ها و راهکارهایی برای رسیدن به این هدف را ارائه داده است.
۳. تجارت از دیدگاه اسلام فواید بزرگ دنیوی و دینی دارد که مهم‌ترین آن‌ها، استغناء از مردم، استغناء از وظایف در شرکت‌ها، دوری از خوردن اموال مردم به باطل و انجام دادن عبادات مالی می‌باشد.
۴. در قرآن کریم به واژه‌ها و کلمات مختلف در مورد تجارت سخن گفته شده است، مانند: کیل، وزن، ابتغاء من فضل الله و بیع و شراء، البته در قرآن کریم هم کلمه تجارت ذکر شده است و هم کلمه بیع و در آیات مختلف این دو کلمه به کار گرفته شده است و هر دو به معنای کاروبار تجاری و خرید و فروش می‌آید اما در یک آیه قرآن کریم کلمه بیع به صورت عطف به کلمه تجارت ذکر گردیده است.
۵. کلمه تجارت در قرآن کریم به دو مفهوم ذکر شده اول به معنای حقیقی که همان مبادله مال و خرید و فروخت است و دوم به معنای مجازی که آن به معنای عام عبارت از عمل مطابق رضایت الله -جل جلاله- است.
۶. مفهوم خاص تجارت معنوی یا مجازی معامله با خداوند است یعنی کاری را که برای خدا انجام می‌دهیم و در مقابل توقع داشته باشیم که خداوند متعال برایمان در مقابل آن چیزی بدهد یا حاجتی را روا نماید و مانند آن.
۷. ایمان و جهاد از بزرگ‌ترین مظاهر و نشانه‌های تجارت معنوی به شمار می‌رود و قرآن کریم این نوع تجارت را تجاری خوانده است که سبب نجات دایمی انسان از عذاب و نیل درجات بلند می‌شود.

۸. قتال فی سبیل الله، اقامه نماز، تلاوت قرآن، انفاق فی سبیل الله، قرضه حسنه، فروختن نفس به خاطر کسب رضایت الله متعال و سعی به سوی ذکر خداوند در تمام حالات به خصوص در هنگام مشغول بودن در کاروبار تجارتي، از جمله مظاهر و نشانه های مهم تجارت معنوی است.

۹. تجارت با خداوند پاداش و ثواب بی نهایت دارد که از جمله مغفرت گناهان، کسب رضایت خداوند متعال، دخول جنت، نصرت و پیروزی، دریافت پاداش پوره و مضاعف و نجات از عذاب دردناک، به عنوان مهم ترین مثال های اجر و پاداش تجارت معنوی در این رساله بیان شده است.

۱۰. در قرآن کریم به طور عموم به دو نوع تجارت تصریح شده است که عبارت اند از: تجارت حلال و تجارت حرام، تجارت حلال در قرآن کریم به بیع و شراء اطلاق شده است و از تجارت حرام به ربا تعبیر گردیده است.

۱۱. تجارت یک معامله دوجانبه است و در آن رضایت طرفین شرط می باشد و چنانچه در تعریف بیع آمده است: بیع عبارت است از تبادل مال در عوض مال به اثر رضایت دو طرف (این تعریف در حقیقت از آیت قرآن کریم اخذ شده است که در آن خوردن مال دیگران به جزء از راه تجارت و رضایت جانبین حرام قرار داده شده است).

۱۲. از آداب مهم تجارت مادی ترک نمودن آن و شتافتن به ذکر الله متعال در اوقات فرا رسیدن عبادت و نماز است و تاجر مسلمان باید هنگامی که وقت عبادت فرا می رسد، تجارت کسب و کار خویش را ترک نموده و به ادای نماز بپردازد و نباید فرد مسلمان به اثر تجارت از نماز غافل شود.

۱۳. یکی از احکام و آداب مهم در تجارت از دیدگاه قرآن کریم این است که در معاملات خرید و فروخت باید از فریب کاری، دغل بازی، کم کردن وزن و پیمان، سود و ربا و غیره پرهیز شود و تقوا و ترس از خداوند و روز آخرت رعایت شود.

۱۴. عوامل رشد و شگوفایی اقتصاد و تجارت محدود به فعالیت های مادی انسان یا امکانات مادی نیست، بلکه فعالیت های معنوی انسان نیز نقش تعیین کننده دارد، بنابراین نمی توان عوامل رشد تجارت را در امکانات مادی محدود کرد.

۱۵. مهم ترین راهکار برای پیشرفت و رشد تجارت در یک کشور و انکشاف فعالیت های تجارتي و شگوفایی آن، ایجاد فضای امن برای متشبهین، کسبه کاران و صنعت گاران می باشد؛

زیرافقدان امنیت و وجود ناامنی به معنای فرار سرمایه‌ها به ویژه منابع مدیر و متخصص آن خواهد بود. از همین رو قرآن کریم، امنیت و آرامش اجتماعی سیاسی را از مهم‌ترین عوامل رسیدن به رشد و انکشاف تجارت دانسته است.

۱۶. مهمترین اصل در اداره تجارت و پیشرفت آن، تفقه و کسب علم و دانش در احکام و مسایل تجارت و معاملات بیع و شراء است، در آیات متعددی خاطر نشان شده است که ارشادات وحی، انسان را به حقایق هستی واقف و راه‌های نیل به سعادت و فلاح را به او روشن می‌کند و او را به تفقه در تمام بخش‌های دین که اقتصاد و معاملات جزء آن می‌باشد تشویق کرده است.

۱۷. همچنان تلاش و زحمت، حمایت و پشتیبانی حکومت از امور تجاری مردم، استقامت بر دین و رجوع و بازگشت به خاوند از جمله مهم‌ترین راهکارهای قرآن کریم در راستای رشد و توسعه تجارت از دیدگاه قرآن کریم محسوب شده است.

۱۸. و سرانجام اینکه اگر مسلمانان به قرآن توجه کنند و حقوق قرآن را ادا نمایند قطعاً تحول و انقلاب شگفت‌انگیزی در زندگیشان پدید خواهد آمد. رمز موفقیت مسلمانان صدر اسلام در این بود که آنان در همه زمینه‌های فوق حق قرآن را ادا کردند و سربلند شدند.

## پیشنهادها

موضوع تجارت از دیدگاه قرآن از مطالب و مباحث این تحقیق تا حدی مورد تحقیق قرار گرفت، حالا مناسب می دانم به عنوان پیشنهادات نکات ذیل را ارایه کنم:

۱. راجع به موضوعات جدید مانند تجارت و اقتصاد بحث ها و رساله های مختلف نوشته شود،

به طور مثال موضوعات ذیل قابل بحث و تحقیق می باشد:

- اهمیت کشت و زراعت از دیدگاه قرآن و سنت نبوی؛

- اهمیت صنعت و کسب از دیدگاه قرآن و سنت؛

- توجه به اقتصاد و مصرف در مال از دیدگاه قرآن

۲. باید مسله تجارت در اولویت کاری امارت اسلامی افغانستان باشد

۳. بخاطر سهولت تجارت تعرفه های بانکی باید کم شود

۴. در بخش تجارت زنان توجه خاص صورت گیرد و بازار های جداگانه برای شان در نظر

گرفته شود

۵. تجارت باید مطابق قرآن کریم و سنت نبوی صورت گیرد از تجارت های حرام جلوگیری

صورت گیرد مانند تجارت ربوی احتکار قیمت فروشی

۶. باید بانک های ربوی مسدود شود.

## فهرست آیات

شماره	طرف آیت	صفحه
.۱	أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ	۵۵
.۲	إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ	۴۴, ۶۶
.۳	إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً	۴۱
.۴	إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ	۴۷
.۵	إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ	۵۸, ۶۴
.۶	أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ	۲۹
.۷	أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ	۴۳
.۸	مَنْ دَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفْهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً	۵۵, ۵۸
.۹	الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ	۷۵
.۱۰	الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ	۹۴
.۱۱	رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا	۹۷
.۱۲	رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ	۸۴ . ۳۲
.۱۳	فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ	۷۱
.۱۴	فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ	۸۱
.۱۵	فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ	۷۰
.۱۶	فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا	۱۰۱
.۱۷	فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ	۹۳

٩٢	فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ	١٨.
٩٨	قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمَ	١٩.
٢٦	قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ	٢٠.
٥٦	قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ	٢١.
٦٥	قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا	٢٢.
٦٤	مِنْ دَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفْهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ	٢٣.
٩٧	هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ نَلُولاَ فَاَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ	٢٤.
٣٠	وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ	٢٥.
٨٩	وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ	٢٦.
٩٩	وَآتِ دَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا	٢٧.
١٨	وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا	٢٨.
٣١	وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ	٢٩.
٩١	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ	٣٠.
١٦	وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ	٣١.
١٩	وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ	٣٢.
٨١	وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَ لَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ	٣٣.
١٠٠	وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا	٣٤.
٩٧	وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى	٣٥.

٥٧	وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ	٣٦.
٢٩	وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا	٣٧.
٧١	وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاجِرَ لِنَبْتَعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ	٣٨.
١٩	وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ	٣٩.
٩٦	وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا	٤٠.
٥٨	وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي	٤١.
٢٠	وَكذلكَ بَعَثْنَا هُمُ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا	٤٢.
٢٥	وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا	٤٣.
٢٨	وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا	٤٤.
١٠٠	وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ	٤٥.
٩٦	وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا	٤٦.
٦٧	وَمَنْ حَفَّتَ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ	٤٧.
٩٨	وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ	٤٨.
١٠١	وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً	٤٩.
٣٠	وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ	٥٠.
٨٧	وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ	٥١.
٧٧	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ	٥٢.
٨٥	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ	٥٣.



٨٣	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً	.٥٤
٦٥	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْحِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ	.٥٥
٨٩	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ	.٥٦
٩٥	يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا، وَيُزِيدُ الصَّدَقَاتِ، وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ	.٥٧

## فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	صفحه
١-	«اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ»	٧٤
٢-	التاجر الصدوق الأمين مع النبيين والصديقين والشهداء	٧٣,٩٠
٣-	شرف المؤمن قيام الليل وعزه استغناؤه عن الناس	22
٤-	الطهور شطر الإيمان والحمد لله تملأ الميزان وسبحان الله والحمد لله تملأ ما بين السماوات والأرض	٣٧
٥-	قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْكَسْبِ أَطْيَبُ قَالَ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ وَكُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ	21.73
٦-	لا يحل مال امرئ مسلم إلا بطيب نفسه	84
٧-	اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْقِلَّةِ وَالذِّلَّةِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ	٧٣
٨-	لو كنا نعلم أي الأعمال أحب إلى الله وأفضل، فنزلت: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ	45
٩-	ما نقصت صدقة من مال، وما زاد الله عبداً بغفو إلا عزاً، وما تواضع أحد لله إلا رفعه الله	٩٦
١٠-	من غش فليس مني	89
١١-	من قال: لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو كل شيء قدير، في يوم مائة مرة كانت له عدل عشر رقاب	38

## فهرست اعلام

شماره	نام	صفحه
۱.	ابن اثیر	۱۰
۲.	ابن جریر طبری	۴۵
۳.	ابن حجر عسقلانی	۲۲
۴.	ابن خلدون	۱۲
۵.	ابن عاشور	۱۴
۶.	ابن کثیر	۲۶
۷.	ابن منظور	۳۱
۸.	امام رازی	۳۳
۹.	آوسی	۳۲
۱۰.	جرجانی	۱۲
۱۱.	جوهری	۱۰
۱۲.	راغب اصفهانی	۱۱
۱۳.	زبیدی	۱۰
۱۴.	زحیلی	۴۲
۱۵.	زمخشری	۳۳

۳۶	شوکانی	.۱۶
۳۵	قرطبی	.۱۷
۸۳	مراغی	.۱۸
۱۲	مناوی	.۱۹

## فهرست منابع

١. القرآن الكريم
٢. ابن اثير، أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري، النهاية في غريب الحديث والأثر، تحقيق : طاهر أحمد الزاوي المكتبة العلمية بيروت ، ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م
٣. ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية ، ١٤١٤ - ١٩٩٣.
٤. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن حنبل، مسند احمد، مؤسسة الرسالة، طبع: ٢، ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩م، بيروت، لبنان.
٥. ابن خلدون، عبد الرحمن ابن محمد ابن خلدون , مقدمة ابن خلدون، ترجمه محمد پروين گنابادي، مكتبه شامله، اصدار: ٣٢، ٣.
٦. ابن خلكان، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن أبي بكر بن خلكان، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، تحقيق: إحسان عباس، دار صادر - بيروت
٧. ابن عاشور، الشيخ محمد الطاهر بن عاشور، التحرير والتنوير، دار سحنون للنشر والتوزيع تونس ١٩٩٧ م
٨. ابن عطية، عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن الاندلسي، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز ، الطبعة، الأولى، دار الكتب العلمية ١٤٢٢ هـ. بيروت.
٩. ابن كثير، ابو الفداء اسماعيل، تفسير قرآن العظيم، دار طيبة للنشر و التوزيع، ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩م. بيروت، لبنان
١٠. ابن منظور، محمد بن مكرم (٧٣٥ هـ) لسان العرب، طبع: اول، ١٤٠٨هـق، دار صادر، بيروت،
١١. ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم، الأشباه والنظائر على مذهب أبي حنيفة النعمان، دار الكتب الاسلامي بيروت لبنان،
١٢. أبوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط في التفسير، تحقيق: صدقي محمد جميل، طبع: اول، ١٤٢٠ هـ دار الفكر
١٣. آلوسی ، شهاب الدين محمود الألوسي (ب ت ) روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني ، ، دار احياء التراث العربي، بيروت،

١٤. اندلسي، ابن عطية، المحرر الوجيز، ص ٣٠٤
١٥. بخارى، محمد ابن اسماعيل، صحيح البخارى، نسخه طوق النجاة،
١٦. بعلبكي، منير. «الألوسى». فرهنك و زندگى نامة المورد. بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٩٢
١٧. بيضاوى، ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، الطبعة، الأولى،  
دار إحياء التراث العربي ١٤١٨ هـ. بيروت
١٨. بيهقى، أبو بكر أحمد بن الحسين، مناقب الشافعي، تحقيق: السيد أحمد صقر، الناشر: مكتبة دار  
التراث، مصر القاهرة ١٣٩٠، ج ١، صص ٢٣٧ إلى ٢٥٤.
١٩. ترمذى، محمد بن عيسى، أبوى عيسى، (١٤٢٢ هـ) الجامع الصحيح سنن الترمذى، تحقيق: احمد  
شاکر، ط: ١، دار أحيا التراث العربي، بيروت، لبنان
٢٠. جرجاني، علي بن محمد بن علي. (١٤٠٥ هـ) تعريفات. تحقيق إبراهيم الأبيارى بيروت: دار  
الكتاب العربي.
٢١. جوزى، أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد بن الجوزي، مناقب الإمام أحمد بن حنبل، تحقيق  
الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر، سنة النشر: ١٤٠٩، الرياض،
٢٢. جوهرى، اسماعيل بن حماد (ت: ٣٩٣ هـ)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، دار العلم للملايين  
– بيروت ١٩٧٩ م.
٢٣. حاكم نيشاپورى، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية  
بيروت الطبعة الأولى، ١٤١١ هـ ١٩٩٠ م.
٢٤. حسن محمود سلمان، الامام القرطبي شيخ ائمة التفسير، چاپ دمشق سال ١٩٩٣ م، دمشق.
٢٥. حسيني، محمد رشيد بن علي رضا «تفسير المنار، بيروت، الهيئة المصرية العامة للكتاب سنة  
النشر، ١٩٩٠ م.
٢٦. حنبلى، شمس الدين محمد بن أحمد بن عبد الهادي (ت: ٧٤٤ هـ)، تنقيح تحقيق أحاديث التعليق ،  
دار الكتب العلمية، ١٩٩٨ م، بيروت
٢٧. دار قطنى، علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي، دار المعرفة بيروت ، ١٣٨٦ – ١٩٦٦
٢٨. ذهبى، شمس الدين محمد، سير اعلام النبلاء، به كوشش بشّار عوّاد معروف و محيى هلال  
السرّحان، بيروت، ١٤٠٤ ق/١٩٨٤ م،
٢٩. رازى، أبو محمد عبد الرحمن بن أبي حاتم الرازي، تفسير ابن ابى حاتم، المكتبة العصرية  
صيदा

٣٠. رازى، فخر الدين محمد بن عمر، مفاتيح الغيب مشهور به تفسير كبير، دار إحياء التراث العربى بيروت ١٤٢٠ ق، چاپ: سوم.
٣١. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، تحقيق محمد سيد كيلاني، المفردات فى غريب القرآن، الطبعة الأولى، ١٤١٢، دار المعرفة، بيروت.
٣٢. زبيدي: محمد مرتضى حسيني، تاج العروس من جواهر القاموس، ، مكتبة الحياة، بيروت لبنان.
٣٣. زحيلي، دوهبة بن مصطفى الزحيلي التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، الطبعة: ٢ ، ١٤١٨ هـ دار الفكر المعاصر - دمشق
٣٤. زرکلى، خير الدين الزركلى، الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعمرين والمستشرقين، دارالعلوم الملايين بيروت، لبنان، طبع ششم سال: ١٩٨٤ م.
٣٥. زمخشري، محمود بن عمرو بن أحمد، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربي، سال چاپ، ١٤٠٧ ق.
٣٦. سجستاني، سليمان بن اشعث (ت ٢٧٥)، سنن ابى داود، دارالكتب العربى، بيروت،
٣٧. سعدى، عبدالرحمن بن ناصر، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى ١٤٢٠ هـ ٢٠٠٠ م ، بيروت.
٣٨. سمرقندى، ابوالليث، بحر العلوم ، تحقيق: د.محمود مطرجي، دارالفكر - بيروت.
٣٩. سميران، د. محمد علي سميران، الآثار الإقتصادية للزكاة، المكتبة الشاملة اصدار ٣,٣٢ .
٤٠. سيد قطب، ابراهيم حسين، في ظلال القرآن، طبع: ١٧، دار الشروق، ١٤١٢ هـ بيروت، لبنان.
٤١. شافعى، محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله، احكام القرآن، دار الكتب العلمية بيروت ، ١٤٠٠، تحقيق: عبد الغني عبد الخالق،
٤٢. شنيطى، محمد الأمين بن محمد بن المختار، أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، ١٣٩٣ هـ، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع بيروت، لبنان
٤٣. شوکانى، محمد بن علي بن محمد، فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير، دار ابن كثير، الطبعة، الأولى ١٤١٤ هـ بيروت.
٤٤. طبرى، محمد بن جرير؛ تفسير طبرى؛ تحقيق: ابراهيم، محمد أبو الفضل؛ دار التراث، چاپ دوم، بيروت، ١٣٨٧ ق / ١٩٦٧ م.
٤٥. طنطاوي، محمد سيد التفسير الوسيط للقرآن الكريم، قاهره، الطبعة، الأولى دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة ١٩٩٨ م.

٤٦. عبد المغني عبد العزيز عمر، التجارة في القرآن الكريم، معهد عالي اقتصاد اسلامي إندونيسيا، المكتبة الشاملة،
٤٧. عبدالباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، دارالكتب المصرية، القاهرة، ١٣٦٤،
٤٨. عسافي، زين عزيز، التجارة و دلالاتها في القرآن الكريم، جامعة حضر موت، يمن، نشر مجلة جامعة الانبار،
٤٩. عسقلاني، احمد بن علي بن حجر ابو الفضل، فتح الباري شرح صحيح البخاري، س ط: ١٣٧٩، دار المعرفة، بيروت.
٥٠. قرطبي، أبي عبدالله محمد بن أحمد الأنصاري، ١٤٠٨ هـ ق الجامع لأحكام القرآن، دارالكتب العربي: بيروت، لبنان،
٥١. مراغي، احمد بن مصطفى، تفسير المراغي، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، الطبعة: الأولى، ١٣٦٥ هـ ١٩٤٦ م
٥٢. المعجم الوسيط مجمع اللغة العربية (إبراهيم مصطفى / أحمد الزيات / حامد عبد القادر محمد النجار) الناشر: دار الدعوة.
٥٣. مكارم شيرازي، ناصر. (١٣٧٤). تفسير نمونه. دار الكتب الإسلامية، تهران،
٥٤. مناوي، محمد عبد الرؤوف المناوي، التوقيف على مهمات التعاريف، دار الفكر المعاصر، الطبعة الأولى، ١٤١٠، دمشق، سورية.
٥٥. مهاتاج، محمد عابدون، التجارة في القرآن الكريم، جامعة الجوف، سعودي، نشر مجلة العلوم و الثقافة، مؤرخ: ٢٠٠٩/١/١١ م.
٥٦. موسى اصفهاني، جمالالدين. (١٣٦٨). پیام های اقتصادی قرآن. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
٥٧. نيشاپوري، مسلم بن الحجاج قشيري، (ت: ٢٦١ هـ صحيح مسلم، تحقيق محمد فواد عبدالباقي، چاپ ١٤٠٣ هـ ١٩٨٣ م دار الفكر، بيروت.
٥٨. هيثمي، حافظ نور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي (ت: ٨٠٧)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دار الفكر، بيروت، طبعة ١٤١٢ هـ.



## Summary of the discussion

The study of trade from the perspective of the Qur'an is one of the most important and fundamental issues because as a result of this discussion we come to the conclusion that the Holy Qur'an is not only a spiritual book but also material and its followers pay attention to spirituality. It has also encouraged economic and commercial affairs. For this purpose, this research has been researched in an introduction and three chapters in a library and analytical-descriptive method, the summary of the most important points of which are as follows:

The word trade in the Holy Qur'an is mentioned in two meanings: first, in the real sense, which is the exchange of property and buying and selling, and second, in the virtual sense, which in the general sense means acting in accordance with the will of God - material trade as one of the sources Legitimate incomes are permissible in the Holy Qur'an and are considered as one of the goals of the creation of the human mission, development and colonization of the earth and the creation of human civilization, emphasizing economic and commercial issues and providing guidelines and strategies to achieve this goal.

The special meaning of spiritual or virtual business is dealing with God, that is, doing what we do for God, and in return expecting that God Almighty will give us something in return for it or allow us to have faith and jihad, fighting for the sake of God, standing up. Prayer, recitation of the Qur'an, charity for the sake of God, good debt, selling one's soul for the sake of God Almighty and trying to mention God in all situations, especially when engaged in business, including important manifestations and signs of spiritual trade to Is counted.

One of the important etiquettes of material trade is to leave it and rush to the remembrance of God Almighty at the time of worship and prayer, and that in buying and selling transactions, deception, cheating, weight loss, profit and usury, etc. should be avoided. And piety and fear of God and the Day of Judgment will be observed.

The most important strategy for the development and growth of trade in a country is the development of economic activities and its prosperity, the creation of a safe environment for entrepreneurs, businessmen and industrialists, and the acquisition of knowledge in economic rules, effort and effort, government support. From the business affairs of the people, perseverance in religion and turning to God is one of the most important strategies of the Holy Quran in order to grow and develop business from the perspective of the Holy Quran.

Keywords: business, Quran, material, spiritual



**Salam University**

**Faculty of Sharia & Law**

**Master program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Emarat of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM of Academic Affairs**

# **Business In Holy Quran**

**(A master's thesis)**

**Student: Mohammad Rasool**

**Supervisor: Pr. Dr. Mohammad Esmail Labib Balkhi**

**Year: 2022**



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master program in Tafseer & Hadith



Islamic Emarat of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

# Business In Holy Quran

(A master's thesis)

Student: Mohammad Rasool

Supervisor: Pr. Dr. Mohammad Esmacil Labib Balkhi

Year: 2022